

ایران

پاییز ۱۴۰۳

به همراه گفتار و یادداشت‌هایی از:

- دکتر سیدعباس صالحی
- دکتر محمدعلی آذرشب
- مولوی اسحاق مدنی
- دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
- آیت‌الله دکتر احمد مبلغی
- دکتر صادق واعظ‌زاده
- حسن حکیم‌باشی
- دکتر محمدعلی رضایی کرمانی نسب‌پور
- دکتر غلامرضا رئیس‌یان
- حجت‌الاسلام سیدحامد علم‌الهدی

یادنامه‌ای برای گرامیداشت مقام علمی استاذ آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

پرچمدار تقرب

چهره شاخص وحدت حوزه و دانشگاه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«استدرب العالمین وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين»

جناب آقای حاج شیخ محمد واعظ زاده خراسانی

استاد دانشمند و متفکر ارجمند دام بقائه

اکنون که بجهت تقدیمات تأسیس مجمع تقریب مین مذاهب اسلامیة فراهم گشته
و قبول و استقبال وسیع علماء و متفکران اسلامی در انکاف جهان اسلام از فکر تقریب میان فرق
مسلمان، امیدهای تازهئی را در این عرصه برکنیخته است، جنابعالی را که دارای رغبتهای
در علوم اسلامی و سابقه و مهارت مستوری در امر تقریب مین مذاهب اسلامی می باشید، در سپردن
مربور منصوب می کنیم.

با این امید و انتظار که تلاش همه جانبهئی در زمینه های گوناگون علمی و فقهی مبداء
نموده، حرکت منطقی و پیکریه بهت اهداف تعیین شده می جمع فروردا با دایت کامل و ایتنه
توقع حکس العمل از سوی کسانی که به تفرقه می سلین بهت گماشته اند ایجاب میکند که با
توکل به خداوند متعال، عظمت و بهت این اهداف و الایسواره در نظر باشد و از بذل مساحت
دریغ نشود.

توفیقات جنابعالی را از خداوند متعال پست می کنیم. والله المتعان.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی حسینی انصاری

۶۹، ۷، ۱۹



❖ **آیت الله واعظ زاده:** «وقتی صحبت از وحدت اسلامی می کنیم، فکرمی کنیم یک امر اخلاقی است که خیلی خوب است رعایت شود، در حالی که چنین نیست، وحدت از ارکان اسلام است؛ همان طور که نماز واجب ضروری است، وحدت مسلمین هم واجب ضروری است و امت واحده اسلامی جز با وحدت مسلمین امکان تحقق ندارد.»
(سخنرانی در نماز جمعه دانشگاه تهران ۶۹/۹/۳۰)



دانشگاه امام خمینی (ره) اسلامی



مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
IRAN INSTITUTE

<ul style="list-style-type: none"> • ویراستار: داریوش کمالی آزاد • صفحه‌آرایی: پرویز آزموده (دبیر) محمد عباسپور • نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • تلفن: ۸۸۷۶۱۲۵۷ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ 	<ul style="list-style-type: none"> • دبیر ویژه‌نامه: لیدا فخری • تحریریه: علی امینی، حمید حبیبی، شیما جهانبخش، سیمه عباسی سید محمد مهدی امامی و شکلیا امیرخانی 	<ul style="list-style-type: none"> مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران • مدیر عامل: علی متقیان • سردبیر روزنامه ایران: هادی خسروشاهین
--	---	--

<p>۴.....</p> <p>۶.....</p> <p>۱۰.....</p> <p>۱۲.....</p> <p>۱۶.....</p> <p>۱۸.....</p> <p>۲۲.....</p> <p>۲۶.....</p> <p>۳۰.....</p> <p>۳۲.....</p> <p>۳۴.....</p> <p>۳۹.....</p> <p>۴۱.....</p> <p>۴۲.....</p> <p>۴۴.....</p> <p>۴۶.....</p> <p>۵۰.....</p>	<p>یادداشتی از دکتر سیدعباس صالحی، رئیس ستاد بزرگداشت علامه واعظزاده خراسانی</p> <p>نماد عالم روشن اندیش.....</p> <p>گفت وگو با دکتر محمدعلی آذرشب درباره سلوک فرهنگی آیت‌الله واعظزاده</p> <p>پرچمدار تقریب.....</p> <p>گفت وگو با مولوی اسحاق مدنی، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی</p> <p>فقیه فاضل.....</p> <p>گفت وگو با دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رئیس اسبق دانشگاه مذاهب اسلامی</p> <p>عالمی جامع و دوراندیش.....</p> <p>یادداشتی از آیت‌الله دکتر احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان</p> <p>عالمی که «علم تقریب» را به دوش کشید.....</p> <p>گفت وگو با دکتر صادق واعظزاده، فرزند آیت‌الله واعظزاده و رئیس مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت</p> <p>مجاهدت علمی با رویکرد تقریبی.....</p> <p>یادداشتی از حسن حکیم‌باشی، مدرس و پژوهشگر علوم اسلامی</p> <p>دفاع عقلانی از مکتب اهل بیت (ع).....</p> <p>گفت وگو با دکتر محمدعلی رضایی کرمانی نسب‌پور، استاد دانشکده هیات دانشگاه فردوسی مشهد</p> <p>چهره شاخص وحدت حوزه و دانشگاه.....</p> <p>گفت وگو با دکتر غلامرضا رئیس‌یان درباره شخصیت فقهی و اخلاقی آیت‌الله واعظزاده</p> <p>مرزبان تقریب.....</p> <p>گفت وگو با حجت‌الاسلام سیدحامد علم‌الهدی</p> <p>دیپلماسی دینی آیت‌الله واعظزاده.....</p> <p>یادداشتی از فاروق امینی، دانش‌آموخته دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی</p> <p>نماد وحدت در گفتار و عمل.....</p> <p>خاطراتی خواندنی از آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی</p> <p>از شاگردی آیت‌الله بروجردی تا رفاقت با شهید بهشتی.....</p> <p>روایت آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی از قیام مسجد گوهرشاد در دوران کشف حجاب رضاشاه</p> <p>اعتراض به متحدالشکل شدن پوشش در ایران.....</p> <p>نگاهی به زیست فرهنگی آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی</p> <p>گاهشمار.....</p> <p>مروری بر سیر علمی و فکری آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی</p> <p>از تحصیل در حوزه تا تدریس در دانشگاه.....</p> <p>تأملی بر آثار و آرای آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی</p> <p>سپهر فرزانیگی.....</p> <p>سلوک معرفتی آیت‌الله واعظزاده به روایت خود ایشان</p> <p>غیبت یک شخصیت؛ حضور یک میراث.....</p>
--	---



عکس: khamenei.ir

روحانی روشن بین

مقام معظم رهبری، در تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۹۵، پس از درگذشت آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، طی پیامی ایشان را روحانی‌ای روشن بین توصیف کردند و فرمودند: «این روحانی بزرگوار و پرکار و روشن بین از جمله مردان باهمت و جامعی بود که علوم اسلامی همچون فقه و حدیث و رجال و تراجم را از برترین استاد این فنون یعنی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی اعلی‌الله مقامه فراگرفته و خود در عمر پربرکت خویش به تحقیقات بدیع در آن و نیز علوم قرآنی و تاریخ و کلام پرداخته بود. آثار قلمی و تحقیقی ایشان در برخی از این رشته‌ها در شمار افتخارات علمی حوزه‌های علمی شیعه است و مورد استفاده ماندگار دنیای اسلام خواهد بود ان شاءالله.»





نماد عالم روشن اندیش



دکتر سیدعباس صالحی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

و رئیس ستاد بزرگداشت علامه واعظ زاده خراسانی

«با تأسیس کانون در ۱۳۲۳ هـ. ش در مشهد، استاد محمدتقی شریعتی توانست یکی از مدرسه‌های اندیشه اسلامی را پی‌ریزی کند و بگستراند.»

این نسل، همان بود که در دهه ۲۰ و ۳۰ پرورده شد و در دهه ۴۰ در زمره فعالان انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت و سهم مؤثری در فضای سیاسی-اجتماعی خراسان یافت.

۲. عالم رسانه‌ای: حوزه‌های علمیه، دورس‌خانه خطابه و کتاب را می‌شناخت و از آن بهره می‌برد، اما با رسانه «نشریه» کم‌ارتباط یا بیگانه بود، شاید نشریات «مکتب اسلام» و «مکتب تشیع» از اولین تلاش‌های گسترده جمعی بود که روحانیون ایران آغاز کردند و تأثیرات گسترده آن را دریافتند.

آیت‌الله واعظ زاده، از مؤسسان «مکتب اسلام» بود که از سال ۱۳۳۷ همراه عده‌ای از حضرات آیات: امام موسی صدر، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، حسین نوری همدانی، سید مرتضی جزائری و... در اندیشه تأسیس این نشریه برآمدند. ایشان در مصاحبه با مجله «حوزه» از آغاز به‌کار نشریه مکتب اسلام چنین یاد کردند:

«در آغاز کار برای افراد کلاس انگلیسی گذاشته شد و پس از مدتی قرار شد این عده برای آشنایی با امر نگارش مقاله بنویسند و این نوشته‌ها در جمع بررسی شود. تا یک سال برنامه به این منوال بود، پس از این مدت تصمیم گرفته شد که مجله منتشر شود (نشریه حوزه به شماره ۴۳، ۴۴)»

گرچه به علل گوناگون همکاری ایشان با مکتب اسلام، به واسطه مهاجرت به مشهد و علل دیگر دوام نیافت، اما ارتباط ایشان با رسانه‌ها ادامه یافت. از همکاری در انتشار اولیه مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد تا مسئولیت مدیرمسئولی و سردبیری برخی از مجلات که برعهده گرفت و نیز

آیت‌الله محمد واعظ زاده (م ۱۳۹۵) در افاق زیست ۹۰ ساله خویش، توانست در ابعاد گوناگون ملی و جهان اسلام به ایفای رسالت روحانیت بپردازد و خویش را در تمثال یک عالم برجسته معاصر اسلامی-ایرانی نشان دهد. نکوداشت ایشان در یکصدمین سالگرد ولادت (اسفند ۱۴۰۴) فرصتی است که ژرفای زندگانی درخشان او واکاوی شود تا چراغی فروزان برای آینده زیست علمی-ایمانی قرار گیرد. در این یادداشت کوتاه به شخصیت ایشان از منظر یک «عالم تراز» می‌پردازم و اشاراتی مختصر در هر زمینه خواهم داشت.

۱. عالم جامعه‌گرا: آیت‌الله واعظ زاده، تربیت‌یافته ۳ حوزه برجسته بود، مقدمات تحصیلی را در نجف اشرف و دروس سطوح و مدارج عالی را در فقه، تفسیر، حدیث و... در حوزه‌های مشهد و قم گذراند، اما با این سابقه تحصیلی و تبار دیرین روحانیت (ایشان فرزند آیت‌الله شیخ مهدی واعظ خطیب نامی دوره پایانی قاجار و عصر پهلوی بود و اجداد او نیز از بزرگان دین بودند.) در چهارچوب سنت مألوف و متعارف نماند و ارتباط گسترده‌ای با مجامع و شخصیت‌های تحصیلکرده جدید یافت. به عنوان نمونه، او پس از استقرار در مشهد در سال ۱۳۳۹ با «کانون نشر حقایق اسلامی» که استاد فقیه محمدتقی شریعتی مؤسس و محور آن بود، مرتبط گردید و گاه به جای او به تفسیر و سخنرانی می‌پرداخت. کانون نشر و حقایق اسلامی، مرکز افراد تحصیلکرده جوان بود که با حضور در محافل آن، فرصت نگاهی نو، جامعه‌اندیش و مترقی را در تعالیم اسلام درمی‌یافتند. به گفته استاد محمدرضا حکیمی:

ارتباط مداوم که با رسانه‌ها در قالب گفت‌وگو و مقالات علمی - فرهنگی برقرار می‌کردند و تا سالیان آخر حیات مبارک به آن توجه و عنایت داشت.

۳. عالم عصری: آیت‌الله واعظ‌زاده، گرچه اصولی، فقیه، ادیب، مفسر، محدث، و... بود، اما در گردونه مسائل فکری زمان هم قرار داشت. بخش مهمی از این دلمشغولی، در دیرینه تحصیلی ایشان دیده می‌شود. به‌هنگام حضور در حوزه علمیه قم، از دو محفل علمی یاد می‌کند که بذریه دغدغه‌مندی را در او کاشت، نخست جلسه فلسفه و کلامی بود که در آن شرکت می‌کرد و ارکان این جلسه عبارت بود از حضرات آیات سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی، احمد آذری قمی، ناصر مکارم شیرازی و... ایشان از این جلسه چنین یاد می‌کند:

«در این جلسه مباحث فلسفی مطرح می‌شد که گاهی برخی مباحث را از روی «شفا» می‌خواندند، درباره فلسفه مارکسیسم بحث و گفت‌وگو می‌شد، در این جلسه آقای مکارم هم می‌خواند و هم می‌نوشت. کتاب فیلسوف‌نماهای ایشان، نتیجه همین جلسات است، این کتاب در آن زمان کتاب سال شد.» (همان)

محفل دوم جلساتی بود که «علامه طباطبایی» داشتند و به روایت ایشان، ارکان جلسه عبارت بودند از آقایان: مطهری، منتظری، محلاتی، قدوسی، جزائری و... که مجموعاً ۱۵۰ نفر بودند، شب‌های پنجشنبه در خانه‌های اعضا به نوبت تشکیل می‌شد، مقاله به خط علامه روی کاغذ پیاده و تکثیر می‌شد. سپس علامه آن نوشته را برای جمع می‌خواندند و اگر مطلبی به ذهنشان می‌رسید مطرح می‌کردند. این مباحث کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» شد که مرحوم استاد مطهری با پاورقی‌های سودمند و محققانه خود چاپ و عرضه کردند. (همان)

بدین‌گونه ایشان از اواخر دهه ۲۰ با عرصه‌های پرتلاطم فکری عصر خویش آشنا شد و در این میدان حضور و بروز یافت. به نظر می‌رسد که بخش مهمی از زیست علمی، اجتماعی ایشان را در این‌گونه دغدغه‌ها و مواجهه‌ها باید دید و آن را از همین منظر دریافت.

۴. عالم دانشگاهی: آیت‌الله واعظ‌زاده، در زمره

روحانیانی بود که حضورش در دانشگاه نه رنگ خودباختگی داشت و نه قالب تزئینی یا تفتنی یافت. او از آن زمان که در دانشگاه فردوسی مشهد حضور یافت (۱۳۳۹ ش) تا سالیان پایانی حیات، عالم اسلامی بود که با تمام وجود در خدمت دانشگاه و دانشجویان برآمد. در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی «تفسیر و علوم قرآن، فقه، حدیث و...» در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه مذاهب اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی و... به تدریس و تربیت دانشجو پرداخت و ارتباط گسترده و فعال با اساتید و دانشجویان داشت، در مجامع و کنگره‌ها، نشریات و دیگر فعالیت‌های دانشگاهی حضور او فعال و نمایان بود، رتبه استادی داشت و در سال ۱۳۸۱ استاد نمونه دانشگاه‌های کشور شد، شاید یکی از یادگارهای به‌یادماندنی او در عرصه دانشگاهی، برگزاری کنگره فخر «هزاره شیخ طوسی» در دانشگاه فردوسی مشهد (سال ۴۹-۴۸) بود که در گستره حضور مفاخر علمی بین‌المللی و ملی و نیز میزان

دستاورد و آثار کم‌نظیر بود.

از این‌رو بی‌تردید می‌توان او را از نمادهای موفق وحدت حوزه و دانشگاه دانست. در این زمینه که او چگونه توانست این پل را بیافریند و امتداد دهد، سخن بسیار است و مجال تفصیلی‌تری را برمی‌تابد.

۵. عالم بین‌المللی: آیت‌الله واعظ‌زاده، در جغرافیای قم، نجف و مشهد محدود نماند، او علاوه بر مطالعات گسترده که در مورد تاریخ تمدنی داشت، ارتباط وثیقی با جهان اسلام یافت.

در سال‌های ۵۲-۵۱ سفر مطالعاتی یک‌ساله‌ای به ترکیه، لبنان، سوریه، مصر، الجزایر، مراکش و چند شهر از اسپانیا داشت. گزارش بخشی از این سفر، در نشریه مطالعات اسلامی (از دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، در شماره‌های ۸ تا ۲۱ با عنوان بازدید از چند کشور «اسلامی و عربی») منتشر شد. این مقالات، گزارش مبسوط و بسیار خواندنی از حضور ایشان در کشورهای ترکیه، سوریه، لبنان و بخشی از خاطرات مصر است و متأسفانه باقی یادداشت‌های ایشان، تبدیل به مقاله نشد.

این شروع یک مرآه پیوسته بود و در حدود نیم قرن، این ارتباطات حضوری با جهان بویژه جهان اسلام ادامه یافت. بدین‌گونه او در جبر جغرافیایی، که گروهی از حوزویان در آن گرفتارند، قرار نگرفت و با دیدی جهانی به مسائل فکری- فرهنگی دین و دینداری پرداخت.

۶. عالم تقریبی: آیت‌الله واعظ‌زاده، شاگرد برجسته مکتب آیت‌الله بروجردی بود و از آن سرچشمه جوشان نوشید و آن را چون آب حیات قدر دانست و تا آخر عمر مبارک به آن وفادار ماند.

در نگرش تقریبی آیت‌الله بروجردی دو نکته مهم وجود داشت. نخست آنکه ایشان معتقد بود که «علوم اسلامی» از تأسیس تا بلوغ و گسترش (قرن اول تا پنجم هجری) در تعامل مذاهب اسلامی و ارتباط پیوسته آنها قرار دارند و از این‌رو فهم میراث و نیز تکامل علوم اسلامی در حال حاضر، جز در «علوم اسلامی مقارنه‌ای» ممکن نیست. ایشان با این دریافت، به «فقه مقارن، حدیث مقارن، رجال مقارن و...» رو آورد؛ دانش‌هایی که تنها از درون یک مذهب اسلامی برنمی‌خیزد بلکه نیاز به تطبیق و سنجش با مذاهب اسلامی گوناگون دارد.

بخش دیگر از نگرش تقریبی مکتب آیت‌الله بروجردی، به زیست اجتماعی تقریبی و نهادسازی تقریبی مسلمین باز می‌گشت. مرادات ایشان با شیخ شلتوت و علمای مذاهب اسلامی، عنایت به دارالتقريب مصر و... برخاسته از این رویکرد بود. آیت‌الله واعظ‌زاده، این دو مسیر را با قوت و همت ادامه داد و به بسط و عمق مبانی نظری و رویکردهای عملی آن پرداخت و در طول زندگی پربار خویش، لحظه‌ای از این اهتمام فارغ نشد و طعن طاعنان را هیچ انگاشت و از آن فتوری در راه و مسیر نیافت.

بی‌تردید ایشان در میان «عالمان تقریبی» چون مهر عالم‌تاب فرزوان و درخشان بوده و خواهد بود. با انبوهی از تألیفات، مقالات، مصاحبه‌ها، حضور در همایش‌ها، مرادات و نخبگانی و نیز نهادسازی‌هایی که داشت از قبیل مجمع التقريب دانشگاه مذاهب اسلامی، رسانه‌های تقریبی و... یاد او گرمی و راه او پراهره باد.

آیت‌الله واعظ‌زاده، در زمره روحانیانی بود که حضورش در دانشگاه نه رنگ خودباختگی داشت و نه قالب تزئینی یا تفتنی یافت. او از آن زمان که در دانشگاه فردوسی مشهد حضور یافت (۱۳۳۹ ش) تا سالیان پایانی حیات، عالم اسلامی بود که با تمام وجود در خدمت دانشگاه و دانشجویان برآمد. از این‌رو بی‌تردید می‌توان او را از نمادهای موفق وحدت حوزه و دانشگاه دانست



گفت وگو با دکتر محمدعلی آذرشب
درباره سلوک فرهنگی آیت‌الله واعظ زاده

پرچمدار تقریب

آیت‌الله واعظ زاده معتقد بود
آینده از آن تقریب است

علی امینی

دکتر محمد علی آذرشب، استادتمام دانشگاه تهران و رایزن سابق فرهنگی ایران در سوریه، از جمله شاگردان و همکاران آیت‌الله محمد واعظ زاده است که از ابتدای تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی توسط آیت‌الله واعظ زاده، با ایشان همراهی و همکاری داشته است. به این اعتبار، حرف‌ها و نکته‌های قابل تأملی از آیت‌الله واعظ زاده دارد که در این گفت‌وگو برای ما نقل کرده است.



آشنایی و ارتباط ایشان با رجال تقریب چگونه شکل گرفت؟

می‌دانید که مجله رساله‌الاسلام که در قاهره منتشر می‌شد، هم به شخصیت‌های برجسته تقریب اهمیت می‌دهد و هم به حوادثی که در جهان اسلام پیش می‌آید. ایشان می‌گفت از شماره یک تا آخرین شماره‌ای که صادر شده بود را می‌خواندم و از همانجا با رجال تقریب و حوادث جهان اسلام آشنا شدم. از همان موقع هم دیدگاه ایشان به مسائل تقریب و جهان اسلام به صورت فرامرزی و فراجناحی و فرامذهبی شکل گرفت. ایشان دنبال یک محدوده مذهبی نبود، بلکه دنبال اسلام با تمامی مذاهبش بود. به همین دلیل، تغییر مهمی در وجود ایشان ایجاد شد. تا جایی که من اطلاع دارم از سال ۱۳۵۰ ایشان در مسائل تقریب فعالیت‌های برجسته‌ای داشت.

شما در کنگره شیخ طوسی که آیت‌الله واعظ زاده برگزار کرده بود، شرکت داشتید؟

بله، کنگره شیخ طوسی بزرگ‌ترین کنگره تقریبی است که تاکنون در ایران و در مشهد و در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده است که شخصیت‌های برجسته‌ای نیز از ایران شرکت کرده بودند، مانند شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله کمره‌ای و علمای بزرگی از اندونزی، پاکستان، شمال آفریقا و مصر. این کنگره، یک کنگره بین‌المللی بسیار مهم بود و کل مقالاتی که در آنجا ایراد شد در سه جلد کتاب به عربی و فارسی منتشر شده است.

ایشان به این مسأله ایمان داشت که جهان اسلام باید متحد شود و تا این اتفاق نیفتد ضعف‌ها و توطئه‌ها علیه جهان اسلام بویژه این غده سرطانی یعنی اسرائیل، ادامه پیدا خواهد کرد. پس امت اسلامی باید متحد شود و یکی از راه‌های اتحاد، وحدت مذاهب اسلامی است.

جناب دکتر آذرشب، سلوک فرهنگی آیت‌الله واعظ زاده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

علامه واعظ زاده شخصیتی است که من نامشان را «شیخ‌التقریب» می‌گذارم. اخیراً نیز یکی از دوستان در مشهد کتابی نوشته است با عنوان شیخ‌التقریب و آن را به من هدیه داد و گفت، نام این کتاب را از اسمی وام گرفتم که شما به آیت‌الله واعظ زاده داده‌اید.

ایشان دارای دو خصلت ویژه بود: نخست اینکه به تقریب ایمان داشت؛ یعنی تقریب برای او آرمان بود نه دکان. ایشان از همان نوجوانی با طرح تقریب بین مذاهب اسلامی به عنوان یک آرمان زندگی کرد.

به دلیل فشارهایی که در دوره رضاشاه به خانواده‌های مؤمن و متدین وارد می‌شد، بسیاری از آنان از ایران مهاجرت کردند. علامه واعظ زاده نیز به همراه پدرشان عازم نجف شد و دروس مقدماتی را در همان‌جا گذراند و دیدگاه ایشان از همان‌جا شکل گرفت؛ زیرا وقتی انسان فقط در محل تولدش زندگی کند و از آنجا خارج نشود، در حصار همان محل قرار می‌گیرد ولی وقتی خارج می‌شود نگاهش هم تغییر خواهد کرد. به قول علامه امینی که به علمای قم خطاب می‌کند و می‌گوید با گفتمان قوم صحبت کنید، نه با گفتمان قم. منظور ایشان از «قوم» این است که گفتمان باید خارج از مرز باشد، خارج از محدوده زندگی خودتان باشد. به نظرم اولین مرحله در زندگی علامه واعظ زاده، رفتن ایشان به نجف به همراه پدرشان و خارج شدن از محدوده زندگی‌شان بود. عجیب‌تر آنکه از ایشان شنیدم (البته بعد از آمدن به مشهد) که می‌گفت برای پدرم از قاهره مجله رساله‌الاسلام می‌فرستادند.

برای پدر آقای واعظ زاده؟

بله، پدر واعظ زاده.



◀ وحدت مذاهب را چگونه باید پی گرفت؟

منظور از وحدت این نیست که همه مذاهب در یک مذهب ادغام شوند، بلکه منظور آن است که همدیگر را بشناسند و بدانند که مشترکات بینشان چقدر زیاد است و با همدیگر در این مشترکات همکاری کنند و از اختلافات بگذرند؛ به خصوص اختلافات تاریخی.

◀ آیت‌الله واعظ زاده، اختلافات تاریخی بین مذاهب اسلامی را چگونه مدیریت می‌کرد؟

اولاً باید اختلاف‌های مذاهب از حالت طایفه‌ای دور شود و به حالت علمی بازگردد. چنانچه اگر بخواهیم اختلافات سنی و شیعه را بررسی کنیم، باید این اختلافات را به عنوان دو مکتب علمی در نظر بگیریم و اتفاقاً «دانشگاه مذاهب اسلامی» به همین منظور تأسیس شد که مذاهب از حالت طایفه‌ای خارج شوند و به حالت علمی بازگردند.

حالت طایفه‌ای مثل حالت عشیره‌ای است؛ عشیره سنی و عشیره شیعی. مسائل مذهبی این دو عشیره هیچ‌گاه حل نمی‌شوند ولی اگر به عنوان «دو مکتب فقهی» دیده شوند که مشترکات زیادی دارند، آنگاه می‌توانند در مسائل مورد اختلاف با هم بحث و گفت‌وگو کنند و مسائل بین خود را حل کنند، یعنی اختلافات مذاهب اسلامی حل خواهد شد اگر به عنوان اختلافات علمی بررسی شوند، نه به عنوان اختلافات عشایری و طایفه‌ای.

◀ آیت‌الله واعظ زاده چرا به یک شخصیت برجسته بدل شد؟ چطور شیخ‌التقربیب شد؟

یکی از عمده‌ترین دلایلش دید باز ایشان نسبت به مذاهب بود و در راه تقریب سفرهای بسیاری می‌کرد که این سفرها، دید گشوده را به ایشان داده بود. ایشان در سال ۱۳۵۰، به مدت ۸ ماه به قاهره رفت و با تمام علمای قاهره ملاقات کرد، با شیخ الأزهر، با مفتیان الأزهر، با علمای الأزهر نشست و برخاست داشت و به همین دلیل ذهنش باز شد، یعنی از حالت طایفه‌ای خارج شد و به سمت مسائل علمی گرایش پیدا کرد. همچنین خواندن مجله رساله‌الاسلام روی ایشان خیلی تأثیر گذاشت، زیرا با قلم بزرگ‌ترین علمای اهل تسنن مصر و جهان اسلام در این مجله مقاله چاپ می‌شد و ضمناً اخبار جهان اسلام نیز در آن منعکس بود. بنابراین، ایشان از این طریق با مراکز علمی جهان اسلام و الأزهر و نیز با قرویین شمال آفریقا و تونس و مراکز علمی ترکیه پیوند خورد و به آنجاها زیاد رفت و آمد می‌کرد. او با استادان و دانشگاهیان ترکیه هم ارتباط داشت و با ایشان گفت‌وگو می‌کرد و تقریباً در کل جهان اسلام حضور داشت؛ در سودان، مراکش، پاکستان و اندونزی. در سفرهای تقریبی و کاری متعددی که داشت با علما، متفکران و دانشگاهیان آن کشورها، به خصوص در زمینه تقریب مذاهب اسلامی بحث و گفت‌وگو می‌کرد.

◀ ایشان به اسلام چگونه می‌اندیشیدند؟

دیدگاه ایشان نسبت به اسلام یک دیدگاه تمدنی بود. به عبارت دیگر، می‌خواست اسلام را نه فقط به عنوان یک دین، بلکه به عنوان یک تمدن، آن هم تمدنی که در جهان اسلام و در تاریخ جهان اسلام افتخاراتی داشت، بشناسد. به همین سبب، خیلی علاقه‌مند بود که از مساجد جهان اسلام و آثار بزرگی که در کشورهای اسلامی بجا مانده است، از شمال آفریقا تا هندوستان، پاکستان و عراق بازدید کند.

اتفاقاً مقاله مفصلی درباره مراکز علمی بغداد نیز نوشته است. علاقه‌مند بود که این مراکز علمی را برجسته کند و به جوانان بگوید که تاریخ ما تاریخ علم است، تاریخ شکوفایی است، تاریخ تمدن است.

همیشه سعی می‌کرد از مراکز علمی و تمدنی جهان اسلام بازدید کند. او در مجله مکتب اسلام که در قم منتشر می‌شد مقالات مرتبی می‌نوشت و در آنها از حضورش در کنفرانس‌ها و مراکز علمی و دیدنی‌های مناطقی که به آنجا سفر کرده بود و وقایع عظیمی که مسلمان‌ها در تاریخشان آفریده‌اند، سخن می‌گفت.

◀ کمی از خصوصیات اخلاقی ایشان برایمان بگویید؟

خصلت مهم ایشان خروج از منیت بود. ایشان می‌توانست یکی از مراجع بزرگ قم و حتی یکی از مراجع بزرگ جهان تشیع شود، ولی ایشان خود را از مرجعیت دور نگاه داشت و فقط دنبال خدمت به این آرمان بزرگ یعنی تقریب بین مذاهب اسلامی و احیای اندیشه تمدن اسلامی بود و این خودش یک عظمت است.

این طرز تفکر و این آرمان والا در اخلاقش نیز منعکس بود؛ وقتی با علمای جهان اسلام برخورد می‌کرد، انگار که خیلی وقت است آنها را می‌شناسد و با روی باز با آنها صحبت می‌کرد. ایشان سال‌های سال در دانشگاه فردوسی مشهد تدریس می‌کرد و با دانشجویان پیوند اخلاقی بسیار خوبی داشت و می‌خواست آن چیزی که در وجودش هست، به دانشجویانش هم منتقل شود و سعی می‌کرد که براساس افکار و ذهنیت باز خودش آن‌ها را تربیت‌شان کند.

اخلاق ایشان برخاسته از دید باز او بود، به همین سبب وقتی با نظر مخالف روبه‌رو می‌شد به‌هیچ‌وجه نه عصبانی می‌شد و نه حرفش را سریع قطع می‌کرد. اول فکر می‌کرد و بعد پاسخ می‌داد. من خودم بارها دیدم که بعد از شنیدن نظرانی که خلاف نظر ایشان بود، تأمل می‌کرد و بعداً پاسخ آنها را می‌داد. این خصوصیت ایشان فوق‌العاده بود. بسیار متواضع بود و به‌هیچ‌وجه تکبر نداشت، خودش را عالم‌تر از دیگران و متفکرتر از دیگران نمی‌دید. بنده شاگرد ایشان بودم ولی با من طوری برخورد می‌کرد که انگار همکار ایشان، هم‌فکر ایشان و هم‌درس ایشان بودم، درحالی‌که این‌گونه نبود و در واقع او به طرف مقابل شخصیت می‌داد، روحیه می‌داد و حتی جرأت می‌داد که با نظراتش مخالفت کنند. معمولاً این نبود

**خصلت مهم ایشان
خروج از منیت بود.
ایشان می‌توانست یکی
از مراجع بزرگ قم و
حتی یکی از مراجع
بزرگ جهان تشیع
شود، ولی ایشان خود
را از مرجعیت دور نگاه
داشت و فقط دنبال
خدمت به این آرمان
بزرگ یعنی تقریب
بین مذاهب اسلامی و
احیای اندیشه تمدن
اسلامی بود و این
خودش یک عظمت
است**

که بگویند من درست می‌گویم، شما اشتباه می‌کنید، نه، می‌گفت من درست می‌گویم، شما نیز ممکن است درست بگویید بنابراین من باید فکر کنم ببینم که کدام حرف درست است.

ایشان به این عبارتی که مرقوم هست، خیلی ایمان داشت: «تَتَعَاوَن فِيهَا اتَّقُوا عَلَيْهِ وَبِعْذُرٍ بَعْضًا فِيمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ». او معتقد بود در مسائل مشترک با هم همکاری می‌کنیم و در مسائل اختلاف همدیگر را معذور می‌کنیم، چون او دلیل دارد، من نیز دلیل دارم.

◀ رابطه ایشان با آیت‌الله بروجردی چگونه بود؟

من مصاحبه مفصلی با آقای واعظ زاده داشتم که آن را در مجله رساله‌التقريب منتشر کردم. در آنجا این سؤال را از ایشان پرسیدم که شما از آقای بروجردی چه آموختید؟ ایشان به دو اصل مهم اشاره کردند: یکی اینکه در فقه اسلامی باید تحول ایجاد شود و دوم، تقرب بین مذاهب اسلامی، که هر دو را از ایشان آموخته بود.

وقتی در فقه صحبت از فقه اسلامی می‌شد از تمامی مذاهب اسلامی یاد می‌کرد و در مسأله اختلاف بین مذاهب اسلامی برای آنها عذر می‌نهاد و می‌گفت که این اختلاف به این علت است و آن را بیان می‌کرد. مانند آقایانی که با مکتب امام صادق (ع) اختلاف داشتند و معذور بودند از اختلافاتی که داشتند. ایشان اطلاع زیادی از کتب احادیث اهل تسنن داشت که این بسیار مهم است. در انتشار کتابی که به جامع الأحادیث الفقهیه معروف است، هم همکاری زیادی کرد. به دنبال این بود که آیت‌الله بروجردی در کنار این مسائل فقهی، مسائل فقهی اهل تسنن را نیز بنویسند که نشد، گویا عمرشان کفاف نداد. از نظر آقای بروجردی مسأله مهم این بود که مرجعیت علمی اهل بیت بیان شود، نه اختلاف در مورد مسأله خلافت و امامت. به همین دلیل ایشان بر کتاب حدیث ثقلین خیلی تأکید داشت چون معتقد بود حدیث ثقلین برای امروز کاربرد دارد. از نظر ایشان ما باید مرجعیت علمی اهل بیت را بشناسیم ولی لازم نیست در مسأله غدیر و خلافت، که یک مسأله تاریخی است، با هم بحث کنیم. جالب این است که در دارالتقريب با عبدالمجید سلیم و محمود شلتوت مناسبات خیلی خوبی داشت و آقای واعظ زاده هم به پیروی از آقای بروجردی (رحمة الله علیه) همین مناسبات را برقرار می‌کرد.

آقای واعظ زاده دنبال این بود که طبق گفته آقای بروجردی، «مسائل الخلاف» شیخ طوسی را منتشر کند چون در این کتاب بیان شده است که این اختلافات، اختلافات علمی است و دلیل دارد و در این اختلافات معذور هستند. این از جمله کارهای مهمی بود که با آقای بروجردی داشتند.

◀ ارزیابی شما در مورد آثار پژوهشی ایشان در حوزه تقرب چیست؟

مهمترین خصوصیت این آثار چه در زمینه فقهی و چه در

زمینه‌های رجالی و علم کلام و تقرب بین مذاهب، هدفمند بودنشان است. هدف ایشان از انتشار این آثار عزت امت اسلامی بود و یکی از پایه‌های عزت امت اسلامی تقاخر به وحدت و همدلی است. بنابراین اگر بخواهید با یک عنوان کلی آثار علامه واعظ زاده را وصف کنید، باید بگویید دنبال این بود که عزت امت اسلامی را در وحدت، همدلی، علم و دانش بیان کند و این مسأله خیلی مهمی است.

خیلی از افراد، زیاد کتاب می‌نویسند ولی هدفشان مشخص نیست، اینکه چه می‌خواهند و آن کتاب چه خروجی‌ای دارد. تمام خروجی‌های کتاب علامه واعظ زاده بر وحدت امت اسلامی تأکید می‌کند، زیرا وحدت اسلامی مقدمه‌ای است برای برگرداندن عزت امت اسلامی و برگرداندن عزت امت اسلامی، یعنی برگرداندن حرکت تمدن اسلامی. بنابراین هدف نهایی، همان هدفی است که امروز ما دنبال می‌کنیم و آن مسأله تمدن جدید اسلامی است. ممکن است ایشان مسأله تمدن اسلامی را مطرح نکرده باشد ولی به دنبال رسیدن به آن هدف بزرگ بود.

اگر بخواهید با یک عنوان کلی آثار علامه واعظ زاده را وصف کنید، باید بگویید دنبال این بود که عزت امت اسلامی را در وحدت، همدلی، علم و دانش بیان کند و این مسأله خیلی مهمی است



◀ آیت‌الله واعظ زاده اولین دبیرکل مجمع جهانی تقرب مذاهب بودند، همچنین مؤسس دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی نیز بودند. نقش ایشان را در نهادهای سازی تقرب مذاهب با این دو نهاد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از زمان تأسیس مجمع تقرب مذاهب اسلامی من با ایشان همکاری داشتم. وقتی ایشان به این فکر افتاد که مجله رساله‌الاسلام قاهره به نام مجله رساله‌التقريب ادامه پیدا کند، بنده را هم به عنوان سردبیر و هم مدیرمسئول این مجله انتخاب کرد. از همان موقع من این کار را شروع کردم. بعد از آن در مجمع تقرب تغییر و تحولاتی ایجاد شد. ایشان خیلی اعتقاد داشت که من می‌توانم و البته من نیز مثل خودش به تقرب ایمان داشتم. البته این امر بین من و ایشان قابل مقایسه نیست. ولی واقعاً ایمان داشت و بنده نیز به تقرب به عنوان یک هدف بزرگ جهان اسلام ایمان دارم.

مجمع تقرب پایگاهی بود برای ارتباط با کل علمای جهان اسلام، علامه واعظ زاده هم زبان عربی می‌دانست، هم قرآن خوب می‌دانست، هم حدیث و تاریخ و جهان اسلام را خوب می‌شناخت. همه این مؤلفه‌ها در وجودش بود بنابراین خیلی راحت می‌توانست با کل جهان اسلام پیوند بخورد. به همین دلیل، در کنفرانس‌هایی که در زمان او برگزار می‌شد، شخصیت‌های بسیار برجسته حضور می‌یافتند، زیرا در این کنفرانس ایشان را می‌شناختند. بعدها نیز کنفرانس‌های هدفمند بزرگی برگزار کرد، مثل کنفرانس سیدجمال‌الدین اسدآبادی، که کنفرانس فوق‌العاده‌ای بود و شخصیت‌های بزرگی از مصر در آن شرکت کردند. بنده نیز در آنجا مقاله‌ای با عنوان «نقش سیدجمال‌الدین در ادبیات عرب» ارائه کردم. از من سؤال شد که چه ارتباطی بین سیدجمال‌الدین و ادبیات عرب وجود دارد؟ که بنده آنجا عرض کردم، سیدجمال‌الدین





یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۹

اسلامی بتوانند راه ایشان را ادامه دهند، تبدیل اختلافات طایفه‌ای و عشیره‌ای به اختلافات علمی و گفت‌وگوهای علمی، می‌تواند موفقیت بسیار بزرگی باشد.

◀ شما سالیان سال با ایشان همکاری داشتید و در کنفرانس‌های مختلف، در مجمع جهانی تقریب همراه ایشان بودید. بنابراین می‌خواهیم بدانیم آینده همگرایی اسلامی و آینده تقریب بین مذاهب را با توجه به شرایط روز چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در شدیدترین وضعیت، ایشان امیدوار بود که آینده از آن تقریب است؛ چون معتقد بود که تقریب ابتدا از مکتب اسلام و بعد از مکتب تشیع برخاست. یک‌بار کنفرانسی درباره امام صادق علیه‌السلام در سوریه برگزار شد که ایشان در آن شرکت کرد. محور صحبتش این بود که روابط امام صادق (ع) با ابوحنیفه چگونه بود. این یعنی ایشان می‌خواست الگو بدهد که اختلافات بین ائمه و مذاهب، اختلافاتی علمی و قابل فهم و قابل حل است و نباید به صورت ستیز و تقابل باشد. باید هم به صورت همگرایی و هم‌افزایی باشد و هم به صورت هم‌افزایی علمی.

به نظرم همین‌گونه که ایشان فکرمی‌کرد، آینده از آن تقریب است؛ چون تقریب هم به فطرت و هم به مکتب اسلام، به خصوص مکتب اهل بیت، نزدیک است. فطرت انسان، دنبال این است که همیشه همدلی ایجاد شود.

ادبیات عرب را وسیله‌ای برای بیدارکردن جهان اسلام قرار داد و نقش ادبیات در بیداری جهان اسلام را من از ایشان یاد گرفتم. وقتی جهان اسلام بیدار شود، اتحاد و همدلی و همفکری و تقریب بین مذاهب اسلامی نیز ایجاد می‌شود؛ یعنی بیداری مقدمه مهمی برای وحدت، همدلی و همکاری است.

◀ نظر شما درباره دانشگاه مذاهب اسلامی چیست، چون شما از زمان تأسیس دانشگاه در جریان امور این دانشگاه بوده‌اید. آیا این دانشگاه توانست آنچه آیت‌الله واعظ زاده دنبالش بود را محقق کند؟

ایشان سخن زیبایی دارد که می‌گفت می‌خواهیم دانشگاه مذاهب اسلامی به گونه‌ای باشد که اختلافات بین مذاهب را از اختلافات طایفه‌ای و فقهی به اختلافات علمی بدل کند، یعنی می‌خواهیم در دانشگاه در کنار فقه اهل بیت، فقه شافعی و حنبلی و مالکی و حنفی نیز تدریس شود و بین آنها به اصطلاح یک درس فقه مقارن بشود که حالت علمی پیدا کند، یعنی بین سنی و شیعه اختلاف طایفه‌ای و عشیره‌ای نیست، بلکه اختلاف علمی است و اختلاف علمی هم معمولاً طبیعی است که بین علما وجود دارد و قابل بحث و گفت‌وگو است و در این کار هیچ دعوایی نیست و هیچ کینه و بغضی وجود ندارد و به نظرم در این مسأله موفق بوده است.

ان‌شاءالله دست‌اندرکاران دانشگاه مذاهب

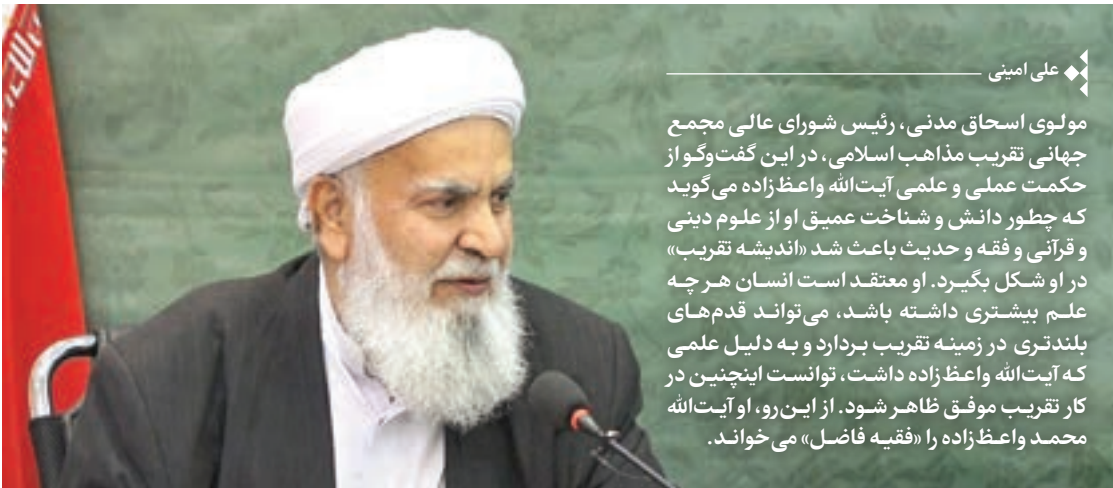
ایشان امیدوار بود که آینده از آن تقریب است؛ چون معتقد بود که تقریب ابتدا از مکتب اسلام و بعد از مکتب تشیع برخاست چون تقریب هم به فطرت و هم به مکتب اسلام، به خصوص مکتب اهل بیت، نزدیک است. فطرت انسان، دنبال این است که همیشه همدلی ایجاد شود



گفت‌وگو با مولوی اسحاق مدنی، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

فقیه فاضل

علامه واعظ‌زاده، فرهنگ و علم تقریب را از آیت‌الله بروجرودی وام گرفته بود



علی امینی

مولوی اسحاق مدنی، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در این گفت‌وگو از حکمت عملی و علمی آیت‌الله واعظ‌زاده می‌گوید که چطور دانش و شناخت عمیق او از علوم دینی و قرآنی و فقه و حدیث باعث شد «اندیشه تقریب» در او شکل بگیرد. او معتقد است انسان هر چه علم بیشتری داشته باشد، می‌تواند قدم‌های بلندتری در زمینه تقریب بردارد و به دلیل علمی که آیت‌الله واعظ‌زاده داشت، توانست اینچنین در کار تقریب موفق ظاهر شود. از این‌رو، او آیت‌الله محمد واعظ‌زاده را «فقیه فاضل» می‌خواند.



شما از اندیشه فقهی علامه واعظ‌زاده چه ارزیابی‌ای دارید؟

ایشان تسلط درستی از اسلام و مسائل اسلامی داشتند. انسان هر چه بیشتر علم داشته باشد، در زمینه تقریب گام‌های بلندتری برمی‌دارد. هر کسی فقه داشته باشد، او هم دنبال تقریب می‌رود. در زمان‌های گذشته علمای شیعه نزد علمای سنی درس می‌خواندند و علمای سنی نزد علمای شیعه. علم و دانش مرز نمی‌شناسد. همین است که پیامبر اسلام فرمودند: «اطلبوا العلم ولو فی الصین: مطالبه کنید علم را حتی اگر در چین باشد». آن موقع سفر به چین کار معمولی نبود، ولی منظور حدیث شاید این باشد که هیچ مرزی برای علم نیست. پیامبر (ص) فرمود که اگر آموختن علمی لازم بود، به چین هم می‌توانید مسافرت داشته باشید؛ چین که در آن زمان مسلمان هم نداشت.

من فکر می‌کنم بسیار مهم است که انسان اطلاعات بیشتری در تاریخ و در عمل صحابه... چه حضرت علی (ع)، چه خلفای دیگر... داشته باشد، اینکه علمای بزرگ در هر رشته‌ای ببینند آنها چگونه عمل کرده‌اند و به تاریخ، علم داشته باشند. آقای واعظ‌زاده را خدا رحمت کند، در این زمینه خیلی مسلط بود و این مسائل را خوب می‌دانست. در عین حالی که به مذهب خودش کاملاً پایبند بود به مذهب دیگران فوق‌العاده احترام می‌گذاشت.

استاد واعظ‌زاده اختلافات تاریخی میان مذاهب اسلامی را

چطور مدیریت می‌کردند؟

اگر به عملکرد این بزرگوار نگاه کنید، متوجه می‌شوید برداشت آقای واعظ‌زاده از این عملکرد درست بوده است. شما زندگی صحابه‌ای که در صدر اسلام بوده‌اند، مثل حضرت علی و بقیه خلفا را با هم ببینید! اینکه چطور برای پیشرفت اسلام با هم همکاری می‌کردند، جهاد می‌کردند، حضرت علی چطور در مسند قضاوت کمک می‌کرد و در زمان خلفا چگونه ایشان مسائل را حل و فصل می‌کردند. این مسائل را علامه واعظ‌زاده خوب درک می‌کرد و خوب و منصفانه هم درباره آنها اظهار نظر می‌کرد. نه اینکه بگویم بر مذهب خودش خدای

جناب آقای اسحاق مدنی، از نظر شما ویژگی‌های برجسته

اخلاقی و علمی آیت‌الله واعظ‌زاده چه بود؟

استاد واعظ‌زاده از انسان‌های با فضل و با تقوا بود و با بینش تحلیلی زندگی می‌کرد. حقیقت امر این است که ما و دیگران شاید محصول تقریبی انقلاب باشیم، ولی ایشان قبل از این هم سفرهایی به مصر و مراکش و جاهای مهم جهان اسلام داشتند و با شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام ملاقات می‌کردند و دنبال این وحدت بودند.

از نظر علمی، انصافاً انسان فاضلی بودند. آثاری که از ایشان به یادگار مانده است، خصوصاً درباره کلام‌الله مجید و بقیه کارهایی که کردند، بسیار عظیم است. فکر می‌کنم تاکنون پنجاه جلدش چاپ شده و ممکن است تا صد جلد هم برسد.

ایشان کارهای مهمی انجام داده که کمتر کسی می‌تواند فرصت انجام آنها را پیدا کند. از نظر علم، پرهیزکاری، تقوا و تقریبی، من نمی‌گویم کس دیگری نیست، شاید خیلی‌ها باشند و از شخصیت‌های گذشته هم قبلاً بوده‌اند، ولی ایشان انصافاً در حد اعلا بودند.

جایگاه علمی ایشان را در داخل و خارج از کشور چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

در داخل کشور، یک مرکز تحقیقاتی در مشهد هست (بنیاد پژوهش‌های اسلامی) که از ایشان آثار زیادی در آنجا وجود دارد. همین کتاب «المعجم فی فقه لغة القرآن و سبب بلاغه» که موسوعه قرآنی است، بسیار سرمایه بزرگی است برای اهل تسنن که اهل علم و دانش هستند. در هر موقعیتی که فرصت صحبتی با ایشان پیدا می‌کردیم، از اطلاعاتشان بهره می‌بردیم. در واقع ایشان مثل دریایی بود که کرانه و ساحلی نداشت. اطلاعاتی که در تمام فنون اسلامی داشتند، چه در حدیث، چه در تاریخ اسلامی، چه در فقه اسلامی، چه از مذهب خودش که جعفری و امامی بود و چه از مذاهب دیگر، بسیار وسیع و جامع بود.

نخواستگی کوتاهی می‌کرد، نه، ولی حق دیگران را هم ضایع نمی‌کرد. اگر یک خوبی از کسی می‌دید، آن را یادآوری می‌کرد. در ضمن به آن چیزی که اعتقاد داشت، آن را با دلیل و منطق مطرح می‌کرد.

◀ درباره آثار علمی ایشان در حوزه تقرب و همگرایی مذاهب اسلامی بگویید.

از زمانی که تقرب شروع شد، ایشان اولین دبیرکل تقرب بودند. البته از ابتدا هم دبیرکل نبودند و تا مدت زیادی رئیس شورای عالی بودند. بعداً هم که از نظر جسمی کمی ضعیف‌تر شدند و سنشان بالا رفته بود، در شورای عالی عضو بودند، ولی به جاهای زیادی سفر و سخنرانی کردند و با علما در مورد تقرب صحبت کردند، مقاله نوشتند و مقالات زیادی از ایشان در این زمینه وجود دارد. شاید روزی برسد که برای کنفرانس آماده و پخش شوند. ایشان از نظر علمی انسان کاملی بود، چه در تقرب و چه در تمام مسائل فقهی و حدیثی.

◀ درباره اهتمام ایشان برای شناخت احادیث، بخصوص احادیث اهل سنت بیشتر توضیح دهید.

ایشان کتاب‌های اهل سنت را مطالعه می‌کرد و همان‌طور که برای هر کتابی جایگاهی در نظر می‌گیریم، ایشان هم آن جایگاه‌ها را می‌دانست. مثلاً می‌دانست بخاری و مسلم چه جایگاهی بین اهل سنت دارد. در رشته احادیث هم استاد کامل بود، بالاخره ایشان استاد دانشگاه بود و چندین سال مستمر در مقطع دکتری تدریس و رساله‌ها را راهنمایی و داوری می‌کرد.

◀ ایشان نزد اهل سنت چه جایگاه علمی‌ای دارد؟

اهل سنت ایشان را آدم منصفی می‌دانستند؛ یعنی نه شیعه‌ای سنی و نه سنی از شیعه توقع بیجایی داشته باشد. ما از ایشان انصاف می‌خواستیم و ایشان آن را همیشه رعایت می‌کرد، ولی من این را تأکید می‌کنم که در مذهب خودش اصلاً کوتاهی نمی‌کرد، هیچ مدهنتی نمی‌کرد، آن را درست توضیح می‌داد، هیچ تعلل و کوتاهی در آن زمینه از او دیده نمی‌شد، ولی حق مذاهب دیگر را هم به رسمیت می‌شناخت که اصل وحدت هم همین است؛ یعنی احترام یکدیگر را داشته باشیم و از اعتقادات و تفکرات یکدیگر آگاهی داشته باشیم تا به وحدت برسیم. ایشان در این زمینه‌ها استاد بود. همه چیز را خوب درک می‌کرد و برای هر چیز به آن اندازه که باید، ارزش قائل بود.

◀ نقش آیت‌الله بروجردی در شکل‌گیری آرای قرآنی، حدیثی و تقریبی آیت‌الله واعظ‌زاده چه بود؟ پاسخ این سؤال را باید کسانی بدهند که در مصاحبت ایشان بودند؛ ولی ایشان یکبار صحبت‌هایی از آیت‌الله بروجردی نقل کردند که من خودم تعجب کردم. اگرچه شنیده بودم دارالتقرب مصدر واقع با اشاره ایشان و نیز با حمایت‌های مالی و مشورت ایشان برپا شده بود، ولی از جزئیات بعضی مسائل خبر نداشتم.

آیت‌الله واعظ‌زاده یک روز از آیت‌الله بروجردی نقل کرد که ایشان می‌گفتند مسأله خلافت را مطرح نکنید، چون نباید گذشته را برجسته کرد. حالا هرچه بوده، ما نمی‌توانیم زمان را به عقب برگردانیم و این هم همان چیزی است که ایشان پیگیری می‌کرد. ایشان نمی‌خواست به مسأله‌

بازگردد که فعلاً برای امت اسلامی ثمره‌ای ندارد و باعث کدورت مسلمانان از یکدیگر می‌شود. ایشان معتقد بود این مسائل را می‌توان در جمع‌های علمی کوچک و کلاس درس طرح کرد، ولی در جمع عمومی یا در کتاب‌ها و مقالات پرداختن به این نوع مسائل سودی برای هیچ مذهبی ندارد. از اینجا معلوم می‌شود علامه واعظ‌زاده، فرهنگ و علم تقرب را از آیت‌الله بروجردی وام گرفته بود.

◀ چند وقت پیش عکسی از تأسیس دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی دیدم که شما در کنار آیت‌الله واعظ‌زاده ایستاده بودید و گویای این بود که از ابتدای تأسیس این دانشگاه حضور داشتید. از دوران همکاریتان با ایشان بگویید.

من با ایشان به کشورهای اروپایی می‌رفتم و فکر کنم با ایشان به ترکیه هم رفتم. من کشورهای زیادی را با ایشان همسفر بودم و در حج هم در بعثه یکی، دو بار آنجا جلساتی داشتیم، من و ایشان از سخنران‌ها بودیم. خدمتشان زیاد بود. البته من نمی‌توانم «مؤسس دانشگاه مذاهب اسلامی» را به ایشان خطاب کنم، چون مؤسس اصلی مقام معظم رهبری هستند و مجمع جهانی تقرب را ایشان تشکیل دادند. البته اولین دبیرکلی که آقا انتخاب کردند، آیت‌الله واعظ‌زاده بود و او را برای این کار مناسب دیدند. ایشان با وجود اینکه سنش بالا بود، ولی در این مدت خیلی زحمت کشید. حتی این اواخر که دیگر تقریباً خانه‌نشین شده بود، ما را به خانه خودش در مشهد دعوت می‌کرد. ما شورای عالی را در خانه ایشان برگزار می‌کردیم. ایشان حتی شام و ناهارمان را هم تقبل می‌کرد و تا جایی که امکان داشت برای پیگیری کارها با همان سن و سالش مسافرت می‌رفت و با علمای جهان اسلام ارتباط داشت.

◀ اندیشه وحدت نزد آیت‌الله واعظ‌زاده چطور مصداق پیدا می‌کرد؟

ایشان انصافاً دنبال وحدت به معنای واقعی بود، یعنی وحدتی که طرف مقابل هم بپذیرد. ممکن است شما هم از وحدت بگویید اما طرف دیگر این وحدت را به این شکل قبول نمی‌کند. ایشان وحدت را به گونه‌ای مطرح می‌کرد که مسلمانان دیگر هم آن را قبول داشتند و معتقد بودند این وحدت عملی است. بعضی از چیزها عملی نیست، فقط آرزو است. ما می‌خواهیم این‌طور بشود که نمی‌شود. اولین چیزی که در مسأله وحدت مهم است، اطلاعات است. من فکر می‌کنم اگر کسی در این زمینه علمش بیشتر باشد، مسأله وحدت را بهتر می‌تواند دنبال کرده و آن را بهتر قابل پذیرش کند و طوری با دیگران صحبت کند که ذهنشان این وحدت را بپذیرد. اگر وارد مسائل جزئی شویم، ممکن است از هم دورتر شویم، ولی اگر منافع کلی اسلام را در نظر بگیریم و به عملکرد بزرگانمان در گذشته توجه کنیم، اینکه آنها چطور عمل کرده‌اند، مثلاً شیعه توجه داشته باشد که ائمه چگونه عمل کردند، بخصوص حضرت علی (ع) در آن شرایط شخصاً چگونه عمل کرد یا اهل سنت دقت کنند که مثلاً خلفا چگونه عمل کردند، آنها چگونه وحدت را حفظ کردند، بهتر می‌توانیم به اصل وحدت برسیم. در عین حال احتمال دارد در بعضی مسائل هم اختلاف وجود داشته باشد، ولی عملکردشان وحدت‌محور خواهد بود. ما باید اطلاعات بیشتری داشته باشیم، همان‌طور که آیت‌الله واعظ‌زاده اطلاعات کافی و وافی داشت. در واقع عملکرد ایشان در جهتی بود که مورد پسند طرف مقابل هم قرار می‌گرفت.

اهل سنت ایشان را آدم منصفی می‌دانستند؛ یعنی نه شیعه‌ای سنی و نه سنی از شیعه توقع بیجایی داشته باشد. ما از ایشان انصاف می‌خواستیم و ایشان آن را همیشه رعایت می‌کرد، ولی من این را تأکید می‌کنم که در مذهب خودش اصلاً کوتاهی نمی‌کرد، هیچ مدهنتی نمی‌کرد، آن را درست توضیح می‌داد، هیچ تعلل و کوتاهی در آن زمینه از او دیده نمی‌شد، ولی حق مذاهب دیگر را هم به رسمیت می‌شناخت که اصل وحدت هم همین است

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۱۱

گفت‌وگو با دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رئیس اسبق دانشگاه مذاهب اسلامی

عالمی جامع و دوران‌دیش

آیت‌الله واعظ‌زاده بشدت مخالف کینه‌پروری میان مذاهب اسلامی بود



علی امینی

دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مقدمات علوم حوزوی را در شیراز گذراند و سطوح عالی و دروس خارج را در قم و نجف اشرف، از محضر علمای بزرگی چون حضرت امام خمینی (ره) بهره برد و تمامی بحث‌های مسائل مستحدثه ایشان را به رشته تحریر درآورد. او در سال ۱۳۵۴، رهسپار دانشگاه مک‌گیل کانادا شد و در انستیتو مطالعات اسلامی در رشته تاریخ و تمدن اسلامی به تحصیل پرداخت. ریاست دانشکده الهیات و ادبیات و ریاست دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی در کارنامه علمی او به چشم می‌خورد. او از آغاز تأسیس مجمع جهانی تقریب، به عضویت شورای عالی این مجمع درآمد و یک سال معاونت امور بین‌الملل این مجمع را نیز عهده‌دار بود. او در این گفت‌وگو از نحوه آشنایی‌اش با آیت‌الله واعظ‌زاده و کارهای مشترکی که با هم داشتند، روایت می‌کند چنانکه مخاطب او به این نکته پی می‌برد که چرا آیت‌الله واعظ‌زاده را «علامه» و «عالمی جامع و دوران‌دیش» می‌خوانند.

اکو این عنوان را پذیرفت و با کمک استادان اقتصاد و علوم اسلامی برای این سمینار برنامه‌ریزی شد.

وقتی این سمینار برگزار شد، در اولین روز و در آغاز سمینار دیدم که شیخی وارد شد، درحالی که من او را نمی‌شناختم و تعجب هم کردم که ایشان چرا در این سمینار شرکت کرده‌اند. البته با احترام ایشان را بالای مجلس نشاندند تا اینکه بعد از مدتی آیت‌الله تسخیری آمدند. از آیت‌الله تسخیری پرسیدم ایشان چه کسی هستند؟ گفت: ایشان آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی است و برای شرکت در این سمینار از خراسان آمده است. قرار است یکی دو هفته دیگر در مشهد، با حضور علمای مهم از کشورهای و شهرهای

◀ جناب دکتر بی‌آزار شیرازی، در مقدمه ابتدا از نحوه آشنایی‌تان با آیت‌الله واعظ‌زاده بگویید؟

حدود ۴۰ سال پیش، قرار بود کنگره‌ای از طرف سازمان اکو در مورد اقتصاد برگزار شود. این سمینار بین‌المللی بود و برگزاری آن را برعهده دانشگاه الزهرا گذاشتند. آن موقع، بنده عضو هیأت علمی این دانشگاه و رئیس دانشکده الهیات بودم. از آنجا که گروه اقتصاد در ذیل گروه‌هایی بود که زیر نظر ما قرار داشت، به مدت یک سال برای برگزاری این سمینار برنامه‌ریزی کرده بودیم و حتی به سازمان اکو پیشنهاد دادیم به شرطی برگزاری این سمینار را قبول می‌کنیم که عنوانش «اقتصاد اسلامی» باشد. خوشبختانه سازمان



مختلف سمینار اقتصاد اسلامی برپا کنند و ایشان هم برای آشنایی بیشتر با نحوه برگزاری سمینار به اینجا آمده‌اند. البته بنده از خود آیت‌الله واعظ زاده هم پرسیدم که چطور شده ایشان در این سمینار شرکت کرده‌اند؟ گفتند آمده‌ام اینجا تا برای سمینار مشهودمان ایده بگیرم. در ضمن از ما (من، آیت‌الله تسخیری و آقای تبرائیان) هم دعوت کرد تا در سمینار مشهود شرکت کنیم. بنده و آیت‌الله تسخیری و آقای دکتر تبرائیان در این سمینار با هم همکاری داشتیم. من مدیریت این سمینار را به آقای دکتر تبرائیان و آیت‌الله تسخیری داده بودم. در هر حال، سمینار اقتصاد اسلامی برگزار شد و ایشان هم در آنجا سخنرانی خیلی جالبی داشتند. بعد از آن ما را به عنوان اعضای هیأت علمی به سمینار مشهود دعوت کردند و بالاخره ما هم در آن سمینار شرکت کردیم و خلاصه با آیت‌الله واعظ زاده بیشتر آشنا شدیم.

چطور با اندیشه تقرب و کارهای ایشان در این حوزه آشنا شدید؟

متأسفانه، من قبلاً ایشان را نمی‌شناختم تا اینکه به مناسبت هفته وحدت برای انجام مصاحبه‌ای راجع به وحدت اسلامی من و آقای واعظ زاده به قم دعوت شدیم. تا آن موقع نمی‌دانستم که ایشان یکی از علاقه‌مندان به تقرب هم هست. در آنجا با ما مصاحبه کردند و موقعی که به تهران بازگشتیم، با هم بودیم. در طول سفر ایشان برایم تعریف کرد که جلسه‌ای هم با آقای قمی، دبیرکل دارالتقرب داشته و یک مرتبه ایشان را دیده است. برایشان خیلی جالب بود زمانی که گفتم من چند سال هر روز با ایشان، با دبیرکل دارالتقرب مصر، بوده‌ام و حتی رفت‌وآمد خانوادگی داشته‌ام و نتیجه و محصول آن هم کتاب «همبستگی مذاهب اسلامی» است که در دانشگاه مذاهب اسلامی منتشر شد. خلاصه ایشان علاقه‌شان به بنده خیلی بیشتر شد. تا اینکه در همان اوان، مقام معظم رهبری مسأله تأسیس مجمع جهانی تقرب را مطرح کردند و مقدماتش را آیت‌الله تسخیری فراهم کرد. بعد هم مقام معظم رهبری آقای واعظ زاده را به عنوان دبیرکل مجمع جهانی تقرب منسوب کردند.

ایشان وقتی از مشهد به تهران آمدند، اولین کسی را که به مقام معظم رهبری به عنوان عضو مجمع جهانی تقرب معرفی کردند، بنده بودم؛ آن هم به خاطر سوابقی که با دارالتقرب مصر داشتم. حدود ۱۰ نفر اعضای مجمع جهانی تقرب بودند و بنده هم جزو آنها بودم. از آنجا با هم آشنا شدیم و مرتب با هم رفت‌وآمد داشتیم و در تمام جلسات بحث‌های دارالتقرب را مطرح می‌کردیم. خلاصه ما درباره ایده‌هایی که مقام معظم رهبری داشتند در جلسات مان بحث می‌کردیم.

بعد از مدتی قرار شد برای مذاهب مختلف، دانشگاهی تأسیس شود. مقام معظم رهبری پیشنهاد دادند که این دانشگاه زیر نظر مجمع جهانی تقرب انجام بگیرد و برنامه‌ریزی‌اش را برعهده مجمع گذاشتند. آیت‌الله واعظ زاده با من مشورت کردند که چه کسی را برای کارهای اولیه و تأسیس این دانشگاه -- که قبلاً به نام مجمع بود یا مجتمع -- انتخاب کنیم. من با توجه به آشنایی که با آقای دکتر تبرائیان پیدا کرده بودم، ایشان را پیشنهاد کردم و گفتم آقای دکتر تبرائیان فارغ‌التحصیل دانشگاه

الأزهر مصرند و من ایشان را برای این کار مناسب می‌دانم. لذا این مأموریت را به ایشان دادند.

حدود یک سال با استادان شیعه و سنی، مخصوصاً از دانشگاه تهران، آقای دکتر أسعد شیخ‌الاسلامی جلساتی داشتیم. آنها بالاخره برای تهیه سرفصل دروس این دانشگاه در این جلسات جمع شدند. خوشبختانه هر کدام از استادان به فراخور حال خودشان سرفصل‌هایی را تهیه کردند. آیت‌الله واعظ زاده خودشان سرفصل‌های علم کلام، رجال، تراجم و علم‌الحديث را برای دانشکده‌های رجال و حدیث و دانشکده علم کلام تنظیم کردند، چون اطلاعات وسیعی در این زمینه داشتند؛ یعنی ایشان در آن زمان در میان استادان این علوم، واقعاً حرف اول را می‌زدند. به همین دلیل، وقتی ما سرفصل‌ها را به وزارت علوم بردیم برخی‌ها خواستند از آنها ایراداتی بگیرند اما وقتی فهمیدند که آنها را آیت‌الله واعظ زاده تهیه کرده است، دیگر اشکال نگرفتند. سرفصل‌ها بلافاصله تصویب شد و الحمدلله این دانشگاه با کمک استادانی از دانشگاه‌های مختلف شروع به کار کرد و خود آیت‌الله واعظ زاده هم قبول کردند که برخی از دروس مانند درس آیات‌الاحکام را در آنجا تدریس کنند.

ایده تقریبی آیت‌الله واعظ زاده چطور قوام یافت؟

بنده در خلال مجالست‌های فراوانی که با ایشان داشتم، متوجه شدم از شاگردان آیت‌الله بروجردی هستند و آیت‌الله بروجردی همکاری فراوانی با دارالتقرب مصر داشتند و به آنجا عشق می‌ورزیدند.

آیت‌الله بروجردی احاطه علمی فراوانی به فقه و مخصوصاً فقه مقارن داشتند، به طوری که تمام درس‌هایی که ایشان در فقه می‌دادند، با مطالعه فقه مذاهب اربعه بود. آیت‌الله واعظ زاده به من گفتند، هر وقت منزل آیت‌الله بروجردی می‌رفتم، می‌دیدم کتاب دبی‌المجتهد ابن رشد اندلسی برای مطالعه روی میزشان است. از وقتی هم که دارالتقرب تأسیس شد، ایشان به دارالتقرب پیوستند و با آنها همکاری کردند و حمایت فراوانی هم از دارالتقرب داشتند که خیلی مؤثر بود. از سوی دیگر، آیت‌الله بروجردی تصمیم گرفتند جامع الاحادیثی نوشته شود که احادیث همه مذاهب در آن باشد. آیت‌الله واعظ زاده هم جزو همکاران این برنامه بودند و کتاب جامع‌الاحادیث را نوشتند. البته بعدها این طرح منحصر شد به احادیثی که در میان شیعیان بود و فقط احادیث اهل بیت طرح شد.

همچنین آیت‌الله بروجردی دو جلد کتاب الخلاف شیخ طوسی را بعد از ویرایش مجدد تجدید چاپ کردند که نقش بسیار مهمی برای ایجاد تقرب بین شیعه و سنی داشت. در این کتاب، شیخ طوسی محترمانه نظریات همه پیشوایان مذاهب اسلامی و نه شاگردانشان را بیان کرده است.

آیت‌الله واعظ زاده با توجه به این موضوع، کنگره بسیار معظمی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار و از علمای بزرگ جهان اسلام و کشورهای اروپایی مثل دانشگاه مک‌گیل کانادا و سایر استادان کشورهای مختلف برای شرکت در آن دعوت کردند. کنگره بسیار عظیمی شد و نقش بسیار مهمی در معرفی شیخ طوسی داشت، زیرا شیخ طوسی جایگاه شیخ الطائفة داشت. این

آیت‌الله واعظ زاده با من مشورت کردند که چه کسی را برای کارهای اولیه و تأسیس این دانشگاه -- که قبلاً به نام مجمع بود یا مجتمع -- انتخاب کنیم. من با توجه به آشنایی که با آقای دکتر تبرائیان پیدا کرده بودم، ایشان را پیشنهاد کردم و گفتم آقای دکتر تبرائیان فارغ‌التحصیل دانشگاه الأزهر مصرند و من ایشان را برای این کار مناسب می‌دانم

یادنامه‌ای برای گرامیداشت مقام علمی استاد آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۱۳

کنگره هم غیرمستقیم در جهت فقه مقارن و تقریب مذاهب اثرات مثبت فراوانی داشت.

◀ از تعامل آیت‌الله واعظ‌زاده با علمای اسلام در دیگر کشورها بگویید.

ایشان ۸ ماه با خانواده به مصر رفت و با علما و استادان مصر حشر و نشر داشت و ایده‌های فراوانی از آنها گرفت و راجع به اهل بیت مقاله‌ای نوشت. ایشان وقتی علاقه فراوان مصریان به اهل بیت را مشاهده کردند، به ایده‌های جالبی دست یافتند و بیان کردند که اهل بیت منحصر به شیعه نیست، بلکه جهان اسلام به اهل بیت علاقه‌مند هستند و اگر در گذشته افرادی به عنوان خوارج و ناصبی به وجود آمدند، اکنون دیگر از بین رفته‌اند و در حال حاضر اغلب مسلمانان جهان، مخصوصاً مصری‌ها، عاشق اهل بیت‌اند. خلاصه ایشان این موضوعات را خیلی جالب مطرح می‌کردند.

◀ زیست فرهنگی ایشان را توضیح دهید.

وقتی در تهران تشکیل مجمع جهانی تقریب مطرح شد، ایشان فعالیت‌های خود را آغاز و ابتدا تمام مجلات پراکنده رساله‌الاسلام مصر را جمع‌آوری کرد. تمام شماره‌های این مجله پراکنده بود و هیچ‌جا دوره کامل آن را نداشت. حتی در مصر هم این دوره‌ها کامل نبود. ایشان با زحمت فراوان همه شماره‌ها را از جاهای مختلف جمع‌آوری و یکجا چاپ کرد. جمع‌آوری این دوره‌ها کار بسیار مهمی بود، زیرا این مقالات را ۲۰ نفر از بزرگ‌ترین شخصیت‌های جهان اسلام نوشته و همه مقالات کاملاً علمی بودند و هنوز هم کاملاً نو و تازه هستند. چاپ این مقالات یکی از کارهای بسیار مهم آیت‌الله واعظ‌زاده بود.

از طرف دیگر، آیت‌الله بروجردی تفسیر مجمع‌البیان طبرسی را برای علمای الأزهر مصر، مخصوصاً شیخ عبدالمجید سلیم، که آن موقع شیخ الأزهر بود، فرستاد. شیخ الأزهر وقتی تفسیر مجمع‌البیان را خواند، متوجه شد که به طرز عجیبی در این کتاب تمام آرا و نظریات همه مذاهب در تفسیر آیات قرآن آمده

است. ایشان برای آیت‌الله بروجردی نوشتند که من پیشنهاد می‌کنم تفسیر مجمع‌البیان به عنوان بهترین تفسیر جهان اسلام در مصر چاپ شود. ۳ نفر از علمای بزرگ الأزهر یکی شیخ عبدالمجید سلیم، یکی فرزند شیخ عبدالمجید سلیم و دیگری شیخ محمد مدنی، پاورقی‌های بسیار جالبی بر این تفسیر نوشتند و مقدمه بسیار عالی و تاریخی شیخ محمود شلتوت و شیخ محمد تقی قمی را بر این تفسیر افزودند به انضمام آنچه که شیخ عبدالمجید سلیم پیشنهاد داده بود و این تفسیر به بهترین وجه چاپ شد. آقای قمی به من گفتند هر قسمت این تفسیر که حروفچینی می‌شد، ۶ بار غلط‌گیری می‌شد و شاید کم‌غلط‌ترین چاپ‌های مجمع‌البیان همین کتابی باشد که در مصر چاپ شده است.

خلاصه این تفسیر چاپ شد و دیدم که آرا و نظریات مذاهب مختلف چقدر به هم نزدیک است و همه آرا در آن جمع است. درهرحال، یکی از کارهای مهم ایشان این بود که این تفسیر را در ۱۰ جلد به بهترین وجه در اینجا تجدیدچاپ کردند. کار فوق‌العاده‌ای بود. همچنین کتاب دیگری که آیت‌الله بروجردی به آیت‌الله اشنوه‌ای دستور داده بود روی آن کار کند، کتاب حدیث تقلین بود. بعد از به دست‌آوردن اسناد این حدیث آن را برای چاپ در دارالتقریب به قاهره فرستادند که در آنجا منتشر شد و ایشان هم نسخه‌ای از آن را چاپ کردند و این به نوبه خود خیلی جالب بود.

◀ شما برای کارهای تقریب چندین سفر همراه ایشان بودید. درباره این سفرها کمی برابمان می‌گویید.

گذشته از اینکه بنده عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب بودم، من را به‌عنوان معاون بین‌الملل مجمع هم انتخاب کردند. در این ایام، ما با آیت‌الله واعظ‌زاده برای شرکت در سمیناری درباره حقوق در اسلام به اردن رفتیم. شخصیت‌های مهمی مثل آقای دکتر رمضان بوطی و مفتی عمان آقای خلیلی و همچنین آقای دکتر درینی، آقای سیدفاضل میلانی، آقای دکتر



حجتی و آقای دکتر آذرشب هم در آن سمینار شرکت داشتند. در سفر دیگری به اردن برای افتتاح بارگاه و آرامگاهی که برای جعفر بن ابی طالب ساخته بودند، از ما و آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی دعوت کردند و ما هم شرکت کردیم. بعد از آنجا به دیدار مفتی اعظم سوریه آقای شیخ کفتارو رفتیم. روز جمعه بود و ایشان خطبه نماز جمعه می‌خواندند. وقتی که وارد شدیم، روی همان منبر از ما بسیار تجلیل کرد. بعد هم که موقع نماز شد، با علاقه فراوانی ما را به قسمتی بردند که یک فرش حصیری آنجا پهن کرده بودند. آن فرش حصیری عمداً برای شیعه بود. خود مفتی اعظم و ماها که شیعه بودیم و عده‌ای دیگری که جا می‌شد، روی آن فرش حصیری نماز جمعه را خواندیم، چون ما معمولاً روی فرش، قالی و اینها سجده نمی‌کنیم. درهرحال، در همان سفر سوریه به دیدار آقای دکتر رمضان بوتی و آقای دکتر وهبه زحیلی در دانشگاه دمشق رفتیم. خلاصه ما این برنامه‌ها را با آیت‌الله واعظ‌زاده داشتیم و ایشان به‌طور کلی بیش از همه به دانشگاه مذاهب اسلامی علاقه‌مند بود.

آیا آیت‌الله واعظ‌زاده در ریاست شما بر دانشگاه مذاهب اسلامی نقشی داشتند؟

یک روز با آقای دکتر تبرائیان و استادان دیگر به منزل من در لوسان آمدند و از من خواستند ریاست این دانشگاه را بپذیرم. البته آن موقع به نام دانشگاه نبود، به نام مجتمع بود و من و آقای واعظ‌زاده تلاش‌های فراوانی کردیم تا این مجتمع را به دانشگاه تبدیل کنیم. تلاش کردیم مسامی دانشگاه را برایش تهیه کنیم و بسازیم. مسامیش این بود که باید حداقل سه تا دانشکده باشد و هر دانشکده‌ای هم حداقل سه تا گروه داشته باشد و ما سعی کردیم مسمی را به عمل آوریم و برایش ساختمان‌هایی تهیه کردیم. هزینه این ساختمان‌ها را خود آیت‌الله واعظ‌زاده و آیت‌الله تسخیری از رؤسای جمهوری آن زمان گرفتند و آنها را تهیه کردند. من هم به‌سبب آشنایی که با آقای دکتر ایروانی داشتم، زمینی را در کرج برای این دانشگاه به صورت اقساط ۴۰۰ میلیون تومان خریداری کردیم و اکنون الحمدلله ارزش بسیار بالایی پیدا کرده و قرار است آن را بفروشند و با آن دانشگاه بزرگی خریداری شود یا اینکه دانشگاه بزرگی بسازند.

نقش آیت‌الله واعظ‌زاده در نهادینه‌سازی تقریب مذاهب اسلامی، چه در دانشگاه مذاهب اسلامی و چه در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی چه بود؟

ایشان ذاتاً به تقریب و وحدت اسلامی علاقه فراوانی داشتند و از سوی دیگر، از طریق آیت‌الله بروجردی، سفرشان به مصر و مطالعات فراوان و تدریس‌هایی که در دانشگاه فردوسی مشهد داشتند، معلومات فراوانی کسب کرده بودند. خیلی‌ها هستند که دم از وحدت می‌زنند اما خیلی عقیده ندارند یا دم از وحدت می‌زنند و عقیده هم دارند اما حرفی برای گفتن ندارند، فقط می‌گویند وحدت خوب است؛ اما ایشان کسی بود که در این زمینه حرف زیادی برای گفتن داشت.

مسأله دیگر این بود که ایشان می‌گفتند، من نماینده مقام معظم رهبری هستم. باید ببینم ایشان چه می‌خواهند و افکار و عقایدشان را منتشر کنم. تا وقتی که ایشان از طرف

مقام معظم رهبری دبیرکل دارالتقریب بودند، سعی می‌کردند حرف‌های خودشان را نزنند. سعی می‌کردند درباره چیزی صحبت کنند که با ایده و افکار مقام معظم رهبری مطابقت داشته باشد. در صورتی که هستند کسانی که نماینده مقام معظم رهبری اند ولی حرف خودشان را می‌زنند. ایشان حتی به ما توصیه می‌کردند که در این دانشگاه و حتی در جاهای دیگر، سعی کنیم ببینیم مقام معظم رهبری چه می‌خواهند، ایشان چه نظری دارند و ما هم سعی می‌کردیم این کار را بکنیم. این یکی از ویژگی‌ها و امتیازهای بسیار خوب ایشان بود.

آیت‌الله واعظ‌زاده اختلافات تاریخی در مذاهب اسلامی را با همراهی مرحوم آیت‌الله بروجردی چگونه مدیریت می‌کرد؟

درمورد مسائل تاریخی خیلی‌ها اطلاعاتشان ناپخته است؛ یعنی آنچه را در کتاب‌ها نوشته شده، عیناً تقلید می‌کنند و می‌گویند. در تاریخ خیلی‌ها هستند که حرف‌هایشان عیناً همان چیزهایی است که در کتاب‌ها آمده و درباره چیزهایی است که به گوش‌شان رسیده، دیگر مطالعه نمی‌کنند که آیا این موضوع واقعیت دارد یا خیر. اما ایشان مطالعه می‌کردند. البته این حرف به آن معنا نیست که بگوییم هرچه ایشان دریافت و تجزیه و تحلیل کرده‌اند، حتماً درست و مطابق با واقع بوده است، ما چنین چیزی را ادعا نمی‌کنیم. ایشان معصوم نبوده و ادعای عصمت هم نداشته‌اند؛ اما تمام کارهای تاریخی‌شان با تجزیه و تحلیلی بود که خودشان کرده بودند. ایشان به مسافرت‌های زیادی رفته و تحقیقات فراوانی انجام داده بودند. بسیاری هستند که درمورد مسائل تاریخی حرف می‌زنند اما نه سفری کرده و نه جایی دیده‌اند، فقط همان چیزهایی را که از این و آن شنیده‌اند تکرار می‌کنند.

مقام معظم رهبری فرمودند: صحیح نیست که برای عموم مردم این مسائل تاریخی تحقیق نشده را مطرح بکنیم و بعد مردم کوچه و بازار را به قضاوت بکشانیم. خیلی‌ها متأسفانه کارشان این است و فوراً بر سر این مسائل تاریخی هیاهویی را هم به راه می‌اندازند؛ ولی آیت‌الله واعظ‌زاده سعی می‌کردند که در مسائل تاریخی این تجزیه و تحلیل را انجام بدهد؛ همچنان که شخصیت‌های دیگری هم بودند که تجزیه و تحلیل می‌کردند. حالا ممکن است این تجزیه و تحلیل‌ها با واقعیت هم کاملاً مطابق نباشد؛ ولی دیگران می‌آیند و آن را تکمیل می‌کنند، این کار باعث رشد می‌شود. اما اگر ما غوغاسالاری کردیم و گفتیم نه همان حرفی که عوام‌الناس می‌گویند، درست است و هرکسی به حرفی غیر از آن برسد فوراً او را می‌کوبیم، این واقعاً درست نیست، این یعنی ما درب تحقیق را روی مسائل تاریخی بسته‌ایم. به قول شهید مطهری «تاریخ تاریک است»؛ یعنی چیزهایی است که دستگاه‌های سیاست ساخته‌اند تا مبنای کارشان شود. درحالی‌که ما می‌خواهیم چیزهایی بسازیم براساس آن حرف‌های شایعه و بعد هم تقاضش را از این مردمی بگیریم که بعد از ۱۴۰۰ سال آمده‌اند و هیچ دخالتی در آن مصایب و مشکلات نداشته‌اند. اسلام آمده که کینه‌ها را از بین ببرد، نه اینکه کینه‌ها را تقویت کند. برخی با این مسائل تاریخی می‌خواهند کینه‌پروری کنند. ایشان به‌شدت مخالف این کینه‌پروری‌ها بودند.

وقتی در تهران تشکیل مجمع جهانی تقریب فعالیت‌های خود را آغاز و ابتدا تمام مجلات پراکنده رساله‌الاسلام مصر را جمع‌آوری کرد. تمام شماره‌های این مجله پراکنده بود و هیچ‌جا دوره کامل آن را نداشت. حتی در مصر هم این دوره‌ها کامل نبود. ایشان با زحمت فراوان همه شماره‌ها را از جاهای مختلف جمع‌آوری و یکجا چاپ کرد

یادنامه‌ای برای گرامیداشت مقام علمی استاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۱۵



تأملی بر وجوه وحدت‌گرایانه اندیشه آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی

عالمی که «علم تقریب» را به دوش کشید

آیت‌الله واعظ‌زاده، راه را بر مشتاقان تمدن اسلامی هموار کرد



۱۶

آیت‌الله دکتر احمد میلانی

عضو مجلس خبرگان و رئیس اسبق دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

علامه واعظ‌زاده خراسانی ذهنی بیدار و روحی پویانده داشت؛ قدرت تحلیل او چنان ژرف بود که حتی در سال‌های کهنولت نیز از اوج نیفتاد. به عمق دیدگاه‌های اجتماعی واقف بود و نکته‌های بدیع در تفسیر قرآن را با شوقی خاص درمی‌یافت. قرآن برای او نه تنها منبعی برای تدبیر، بلکه محور اصلی فعالیت‌های علمی، وحدوی و فرهنگی‌اش بود. او درس وحدت را از استادانی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی آموخته بود.

میان او و علامه طباطبایی مرادده‌ای علمی درخصوص فهم نکات قرآنی مربوط به امت اسلامی وجود داشت. از این ارتباط، نکات فراوانی آموخت و علامه طباطبایی نیز به استعداد ویژه او در کشف مفاهیم قرآنی مربوط به امت واقف بود. گرایش او به وحدت اسلامی، برخاسته از باوری کلامی و ریشه‌دار بود. او از تفرقه سخت بیزار و در تعامل صادقانه میان مذاهب اسلامی صادق بود. برای اهل سنت احترامی ویژه قائل بود و به پیروی از آیت‌الله بروجردی، اعتقاد داشت اهل بیت (ع) نقطه اشتراک میان شیعه و سنی‌اند. نگاه او، نگاهی بود که از دل ایمان برخاسته و در مسیر همدلی و همزیستی اسلامی گام می‌نهاد.

علامه واعظ‌زاده نمادی بود که دانش را با نگاه به امت، در افق فهم خود آورده بود. در فقه و کلام، حدیث و تفسیر، مشعل دانش بر دوش داشت و نه تنها ناقلی صرف، بلکه اهل بینشی بی‌بدیل بود که افق دانش‌ها را به سمت وحدت جامعه اسلامی روشن می‌ساخت و راه‌ها را بر مشتاقان تمدن اسلامی هموار می‌کرد. نگاه او به دین، نگاهی مبتنی بر وحدتی تمدنی بود.

در عرصه قرآن، دائرةالمعارفی ژرف و گران‌سنگ پدید آورده بود که از بلندای اندیشه‌ای بی‌بدیل بهره‌مند بود. گفت‌وگوهای فقهی در گستره جهان اسلام، برای او چون گوهری درخشان لذت‌بخش می‌نمود، و من خود شاهد حضور او در برخی مجامع فقهی بودم و این شوق را در سخن و سیمای او می‌دیدم. اهل سنت به او چون گوهری عظیم می‌نگریستند و مجمع فقه جده او را به عنوان عضو شاخص پذیرفته بود. او از سرزمین‌های بسیاری دیدن کرده و با شخصیت‌های گوناگون اسلامی روبه‌رو شده بود. آثار بی‌شمار را دیده و گنجینه‌ای از تجربه‌اندوزی در سفرهایش به کشورهای اسلامی فراهم آورده بود. خود می‌گفت که سفرنامه‌ای مفصل از این گردش‌ها نگاشته است؛ سفری که ماه‌ها به طول انجامیده و می‌گفت مرحوم علامه شهید مطهری از آن سفرنامه بهره می‌برد و نکاتی از آن را در مجامع نقل می‌کرد. او برای شیخ طوسی و پایه‌گذاران فقه مقارن در تاریخ

شیعه احترامی عمیق قائل بود و این درس را از آیت‌الله بروجردی بدرستی آموخته بود. آیت‌الله بروجردی فقه مقارن را مسیری راهگشا می‌دانستند و او نیز به این نگاه، عمق بخشید. مقدمه‌هایی به عربی فصیح و دل‌نشین بر برخی از آثار قدما نگاشت که از نکاتی دقیق و درخور توجه سرشار بود.

در تعاملات خود، از شخصیت‌های وحدت‌گرا بود و در مقاطع مختلف عمر، با عالمان اسلامی از مصر و دیگر بلاد اسلامی مرابده داشت. او خود چون کتابی زنده از تجربه‌های تعاملی و رفتاری بود. نگاه تمدنی‌اش وسیع و ژرف بود؛ تمدن را متعلق به همه جهان اسلام می‌دید و راهی جز وحدت، تعامل و همگرایی برای احیای تمدن اسلامی نمی‌شناخت.

از مفسران نکته‌پرداز معاصر به شمار می‌رفت و یقیناً تمرکز بر آرای تفسیری او، در پیچه‌های تازه‌ای به روی پژوهشگران خواهد گشود. به زیبایی‌های زبان عربی معاصر عشق می‌ورزید و بهره‌گیری از آن را در مقاله‌ها و گفت‌وگوها توصیه می‌کرد.

از نظر اخلاقی، انسانی سرشار از حسن ظن بود؛ این حسن ظن نه تنها در رفتار شخصی او بلکه در توصیه‌هایش به دیگران نیز آشکار

بود. تقریرات آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) را نگاشته بود و در واپسین سال‌های عمر، مرا به حفظ این آثار توصیه می‌کرد. خاطره‌ای از سفری که با او به الجزایر داشتم، هرگز از یاد نمی‌برم؛ در اتوبوسی که از پایتخت الجزایر به شهری دوردست (وهران) می‌رفت، در کنار او نشسته بودم. از خاطرات زیبای خود سخن می‌گفت؛ سخنانی که شیرینی جهان اسلام را در جان او نشان می‌داد. او از «امت» می‌گفت، و دلش با امت می‌تپید، چرا که آرزوی وحدت، در عمق جانش ریشه داشت. او برای خود حریمی از حیث اخلاقی نمی‌ساخت و در برابر پرخاش‌ها و سخت‌گیری‌ها سکوته نمی‌ساخته به وقار پیشه می‌کرد. ظاهر و باطنش یگانه بود؛ هرگز گمان نمی‌کردی که در درون، چیزی غیر از آنچه در ظاهر می‌نمایاند، نهفته باشد. خوش‌سخن و خوش‌زبان بود، با تحلیلی ژرف و نکته‌هایی شیرین که دل را می‌ربود.

همایشی برای احیای هزاره شیخ طوسی برپا کرده بود و از آن طریق با علمای برجسته رابطه‌ای عمیق برقرار ساخت. برگزاری این هزاره نقشی مهم در نوع نگاه به میراث فقهی و هویتی و فقه مقارن بر جای نهاد. به کلاس درس عشقی وافر داشت و تا واپسین دم حیات، فرصت حضور در محافل علمی را مغتنم می‌شمرد. گاه در نشست‌های علمی، بی‌آنکه سخنران باشد، حاضر می‌شد و هرگز اصراری نداشت که در جایگاهی بنشیند که دیده شود.

عاشق کتاب و کتاب‌خوانی بود و کتابخانه‌ای پرمایه داشت که در سال‌های پایانی عمر، با شوقی بی‌پایان، آن را به بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی هدیه داد. خود با دقت و علاقه، زمینه انتقال این گنجینه را فراهم کرد و با نهایت اهتمام بر این کار نظارت داشت. و این را از نزدیک من در سفری که به مشهد داشتم خود دیدم.

تعاملش با دوستان و هم‌صحبتانش لطیف و سرشار از صفا

**واعظ‌زاده آموزگار
استواری در وحدت
در پراکندگی بود.
علامه واعظ‌زاده را
می‌توان تجسمی از
هم‌افزایی علم، اخلاق
و نگاه وحدت‌گرایانه
دانست. او نه تنها
عالمی ژرف‌اندیش و
متفکری دوراندیش،
بلکه الگویی اخلاقی و
عملی برای نسل‌های
آینده بود. راه او در
تقریب، تعاملی تمدنی و
انسانی بود که همچنان
الهام‌بخش پژوهشگران
و وحدت‌طلبان است**



بود. در ارائه نکته‌های ارزشمندی که به ذهنش می‌رسید، هیچ بخل نمی‌ورزید و با سخاوتی کم‌نظیر، دانش خود را به اشتراک می‌گذاشت. خاطراتی از علمای خراسان و مشهد، از کودکی و مجالست با پدرش، با شور و شوق نقل می‌کرد.

از جمله خاطراتش، دیدار با آیت‌الله بروجردی در مشهد بود؛ هنگامی که آن بزرگ از بروجرد به مشهد آمده بود. او با جزئیاتی دلنشین از تمرکز آیت‌الله بروجردی بر کتب قدما سخن می‌گفت و نظریه اصول متلقاة او را با تبحری شگفت شرح می‌داد؛ چنان که او را می‌توان از بهترین مفسران این نظریه دانست. سیرت او، آمیخته به فروتنی، داناایی، و بخشندگی بود، و از یادگاری‌های علمی و اخلاقی‌اش، چراغی برای هدایت نسل‌های بعد ساخته است.

او به اینجانب لطفی فراوان داشت و همواره مرا در مسیر وحدت اسلامی تشویق می‌کرد. کتاب‌هایی که خود نوشته بود، با دقت و عشق برابرم شرح می‌داد و علاقه‌ای خاص داشت که این آثار، پس از وفاتش، منتشر شوند. به نسل جدید وحدت‌گرای روحانیت علاقه‌ای عمیق داشت و شور و شوقی که در نگاه‌های تحسین‌آمیز او نسبت به این جوانان و کسانی که در راه همگرایی گام می‌نهادند، دیده می‌شد، الهام‌بخش بود. او همواره از رهبر معظم انقلاب با کلامی پر از احترام و اعتقاد عمیق یاد می‌کرد. این باور راسخ و محکم به انقلاب اسلامی و رهبری آن، در گفتار و رفتار او به روشنی آشکار بود و نشانه‌ای از اخلاص و ارادت قلبی او به این مسیر بود.

او به نسل وحدت‌گرای دارالتقریب مصر تمرکز ذهنی و احساسی ویژه‌ای داشت و در اولین فرصت تشکیل مجمع تقریب مذاهب اسلامی، مجله «رسالة الاسلام» را به چاپ رسانید و همواره بر مقالات آن تمرکز فراوان می‌کرد. این اهتمام به نشر اندیشه‌های وحدت‌گرا نشان از علاقه عمیق او به تقویت روابط برادرانه میان مسلمانان داشت.

در مورد مرحوم محمدتقی قمی، او توصیفاتى بلندپایه و شایسته ارائه می‌کرد و به‌گونه‌ای از او سخن می‌گفت که گویی این دو، یکی هستند و همچنان در فضایی مشترک و هم‌جهت در مسیر تقریب حرکت می‌کنند. این سخنان نشان از پیوندی معنوی و فکری میان آن دو داشت که فراتر از زمان و مکان، به اتحاد و هم‌افزایی در حوزه‌های علمی و دینی می‌انجامید.

آیت‌الله واعظ‌زاده مردی بود که شانه‌های سنگینی چالش‌ها را تاب می‌آورد. او علم تقریب را به دوش کشید. جرأت آن را داشت که بایستد و از اتحاد سخن بگوید. امروز، بسیاری از پرسش‌هایی که در مسیر تقریب مطرح می‌شوند، پاسخی یافته‌اند؛ اما آن زمان، او بود که به‌تندی درختی از این اندیشه در دل خاکی سنگلاخ کاشت و به امید فردایی روشن، آن را آبیاری کرد.

واعظ‌زاده آموزگار استواری در وحدت در پراکندگی بود. علامه واعظ‌زاده را می‌توان تجسمی از هم‌افزایی علم، اخلاق و نگاه وحدت‌گرایانه دانست. او نه تنها عالمی ژرف‌اندیش و متفکری دوراندیش، بلکه الگویی اخلاقی و عملی برای نسل‌های آینده بود. راه او در تقریب، تعاملی تمدنی و انسانی بود که همچنان الهام‌بخش پژوهشگران و وحدت‌طلبان است.

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۱۷



گفت‌وگو با دکتر صادق واعظ‌زاده، فرزند آیت‌الله واعظ‌زاده و رئیس مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

مجاهدت علمی با رویکرد تقریبی

سلوک اجتماعی آیت‌الله واعظ‌زاده همدلی و صمیمیتی ایجاد می‌کرد
که برای شکل‌گیری تقریب ضروری بود



دکتر صادق واعظ‌زاده، فرزند آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی است که اکنون رئیس مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. در کارنامه علمی او، استاد دانشکده مهندسی برق دانشگاه تهران، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت علمی ریاست‌جمهوری، دبیر شورای عالی آموزش، پژوهش و فناوری و رئیس بنیاد ملی نخبگان به چشم می‌خورد. این کارنامه علمی و اجرایی پربار و بار به خوبی گویای این است که او از منش فرهنگی و سلوک علمی پدر بسیار بهره برده است.

اما مسأله اعتبارسنجی منابع و تأیید هر یک از داده‌ها و درستی نتیجه‌گیری‌ها و ساختارمندی تخصصی و انسجام متن و فقدان نوآوری و... به صورت مشکلاتی اساسی ظاهر شده است. بنابراین ضرورت و ارزشمندی این اثر که کلیات و جزئیات آن از انتخاب منابع معتبر و تعیین و طبقه‌بندی مدخل‌ها تا گزینش و اعتبارسنجی و تناسب داده‌ها و تألیف متون همگی تحت اشراف ذهنی واحد با همکاری گروهی متخصص انجام شده، خود را بیشتر نشان می‌دهد؛ بویژه عمق، دقت و نوآوری در استنباط‌ها که از سوی ایشان صورت گرفته، مهم است. بنابراین موضوع کتاب که مفاهیم قرآنی است، ماندگار است. منابع مورد استفاده آن هم منابع ماندگار در تاریخ اسلام است. کیفیت تحقیق و تألیف کتاب نیز چنین است. پس علی‌القاعده می‌توان پیش‌بینی کرد که این اثر در آینده مورد توجه افزایشی قرار گیرد؛ بخصوص اگر ناشر محترم نسخه الکترونیکی آن را هم منتشر کند.

◀ جایگاه علمی آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی در جوامع علمی
داخل و خارج کشور چگونه است؟

حیات معنوی شخصیت‌های علمی پس از وفات آنها از طریق آثارشان در این جهان ادامه می‌یابد که منوط به استفاده دیگران از آثار آنهاست. بدیهی است که مهم‌ترین اثر ایشان کتاب الموسوعة القرآنية الكبرى: المعجم فی فقه اللغة القرآن و سر بلاغته یا همان دائرةالمعارف قرآنی است که بخش مهمی از وقت خود را از سال ۱۳۶۴ تا دو ماه قبل از وفات در طول ۳۱ سال صرف تحقیق و تألیف آن و هدایت گروه پژوهشی همکار در این امر کردند. مقدمات آن را با فیش‌برداری انبوه از برخی منابع مربوط و مقابله آنها از اواخر دهه ۱۳۴۰ شمسی فراهم کرده بودند.

امروزه با استفاده از هوش مصنوعی دسترسی به داده‌های فراوان و امکان تهیه متن درباره هر موضوعی فراهم شده است،

◀ ویژگی این اثر در میان تألیفات اسلامی چیست؟

الموسوعة القرآنية تقریباً همه مواد لازم را برای تحقیقات و تألیفات محققان در خصوص مفاهیم قرآنی یکجا جمع کرده است، از این رو ممکن است با استفاده از آن، کتاب‌های زیادی در دنیای اسلام تألیف شود. بنابراین جایگاه اثر و مؤلف آن را در افق زمانی بلندمدت می‌توان دید. کتاب از همه منابع معتبر اسلامی اعم از شیعه و سنی و قدیمی و معاصر استفاده کرده و بنابراین برای همه جهان اسلام قابل استفاده است. اصولاً تحقیق و تألیف کتاب از ابتدا با چنین دیدگاه گسترده زمانی، مکانی بوده است. دو تألیف دیگر ایشان تحت عنوان نصوص فی علوم القرآن در ۱۰ جلد و نصوص الاقتصاد الاسلامی کتاباً و سنة و فقهاً در ۱۶ جلد و بیش از صد اثر دیگر ایشان در مراتب بعدی، جایگاهی در تحقیقات و تألیفات اسلامی دارد و ان‌شاءالله خواهد داشت.

◀ مدیریت اختلافات تاریخی از منظر علامه واعظ‌زاده خراسانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایشان معتقد بودند هدف تقریب مذاهب اسلامی آن است که مسلمانان با حفظ اعتقادات مذهبی بر مشترکات فراوان میان خود تأکید کنند و با همدلی و اخوت اسلامی به همفکری و همکاری در جهت مصالح خود بپردازند. برای تحقق این هدف ایشان به تبعیت از آیت‌الله بروجردی بر این نظر بودند که اکنون مسأله اصلی ما در دنیای اسلام این نیست که در خصوص خلافت پس از پیامبر(ص) به مجادله برخیزیم، بلکه آن چیزی که مسأله اصلی است و ممکن و مورد نیاز است، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام است.

این نظر بعضاً درست دریافت نشده است. کسانی گمان کرده‌اند که نظر ایشان بر عدم اهمیت خلافت پس از پیامبر اکرم(ص) است. در صورتی که مسأله برعکس است. ایشان یادآوری می‌کردند که ما دلایل متقنی بر نظر خود در این باره داریم که مهم‌تر از همه حدیث غدیر است. این نیز معلوم است که غیر شیعه از ابتدا مفهوم ولایت در این حدیث و نیز سایر دلایل را به صورت متفاوت تفسیر کرده‌اند و لذا مذاهب دوگانه پدیدار شده است. اکنون بحث بر سر این موضوع به مجادله بی‌نتیجه و مضر میان ما و اهل سنت مبدل خواهد شد، زیرا پذیرفتن نظر مقابل در این خصوص از سوی هر یک از دو طایفه به معنی دست کشیدن از مذهب خود است. در واقع به لحاظ اساسی بودن امر برای هر دو طایفه، برای هیچ‌یک از دو طایفه امر کوچکی به شمار نمی‌رود و دست کشیدن از آن میسر نیست. لذا این بحث به مجادله احسن نمی‌انجامد و به سود هدف تقریب نیست.

از طرف دیگر حدیث ثقلین که بر پیوستگی و همراهی علمی اهل بیت با کتاب و سنت برای همیشه تأکید دارد مورد اتفاق شیعه و سنی است و اختلاف زیادی در تفسیر آن نیست. مرجعیت علمی در امور دینی همیشه و از جمله امروز مورد نیاز مسلمانان است و استناد به روایات امامان علیهم‌السلام برای همه فرق مسلمان مفید و مجاز است؛ همچنان که مرحوم شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر در فتوای معروف خود بر آن تأکید کرده است. بنابراین تأکید بر مرجعیت علمی اهل بیت(ع) در امور دینی امری بر خلاف وحدت نیست و از سوی همه فرق اسلامی قابل پذیرش است. امامان شیعه علیهم‌السلام در زمان خود همواره

ایشان معتقد بودند هدف تقریب مذاهب اسلامی آن است که مسلمانان با حفظ اعتقادات مذهبی بر مشترکات فراوان میان خود تأکید کنند و با همدلی و اخوت اسلامی به همفکری و همکاری در جهت مصالح خود بپردازند



یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۱۹



به عنوان شخصیت‌های درجه اول علمی شناخته شده بوده‌اند و مقام علمی آنان بر همه عالمان آشکار بوده است و به عنوان خاندان پیامبر مورد احترام و محبت عموم مسلمانان بوده و هستند. با این همه هنوز رواج معارف اهل بیت و نقل روایت از آنان در جهان اسلام به تناسب جایگاه رفیع علمی و منابع فراوان منقول از آنان نیست. علت آن دوری مذاهب از یکدیگر بوده است. در پرتو ایده تقریب، این امر به همت عالمان شیعه و سنی قابل انجام است. این امر طریقی برای ارتقا و گسترش علوم و معارف دینی در جهان اسلام و گامی در جهت تقویت تقریب خواهد بود.

بر این اساس، نظر آیت‌الله بروجردی و ایشان این بود که در تعامل با برادران و خواهران اهل سنت، به جای مجادله در خصوص خلافت سیاسی پس از رسول اکرم (ص) که به نتیجه نمی‌رسد، روی مرجعیت علمی اهل بیت تأکید کنیم که منتج به نتایج علمی و تقریبی می‌شود و برای همه مسلمانان مفید است. در این جهت ایشان با صراحت و صمیمیت از معارف شیعه و مرجعیت علمی ائمه (ع) دفاع می‌کردند و با شجاعت و اعتماد به نفس به نقد آرای مخالف می‌پرداختند. نمونه آن نامه مفصل ایشان به عبدالعزیز بن باز مفتی سعودی است که از او به عنوان بزرگ‌ترین مفتی سلفی نام برده شده است.

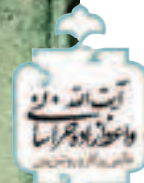
ایشان این نامه مستند را با ارجاعات دقیق به منابع اهل سنت و در هنگام حضور در مکه مکرمه و با اتکا به حافظه نوشتند و بعداً پاسخ کلی نامه را دریافت کردند. از ایشان شنیدم که در همایشی بین‌المللی که اشخاص غیرتقریبی از شیعه و سنی در آن حاضر بودند، یکی از سخنرانان مطالب خلافتی را درباره شیعه ابراز داشت. هیچ‌کس پاسخ نداد. ایشان برخاستند و پاسخ مستدلی به سخنران دادند و او سکوت کرد.

◀ نظر شما درباره آثار علمی ایشان در حوزه تقریب و همگرایی جوامع اسلامی چیست؟

ایشان مقالات و مباحث متعددی خاص موضوع تقریب دارند که به صورت مقالات و کتاب‌هایی به چاپ رسیده است، اما آثار تحقیقی ایشان همگی ماهیتی تقریبی دارد. به عنوان نمونه در الموسوعة القرآنیة هر واژه در چهار بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همه این بخش‌ها، منابع معتبر شیعه و سنی مورد استفاده قرار گرفته و به آنها ارجاع شده است. از جمله سخنان امامان شیعه و نیز نظرات دانشمندان شیعی گذشته مانند شیخ طوسی، راوندی، طبرسی و ابن شهر آشوب، با دانشمندان سنی گذشته مثل فخر رازی، زمخشری، بیضاوی، طبری و میبدی مورد نقل و استفاده و استناد قرار گرفته است. به همین ترتیب، آرای دانشمندان معاصر شیعی مانند شرف‌الدین عاملی، طباطبایی و فضل‌الله با دانشمندان معاصر سنی مانند عبده، رشید رضا و المراغی ذکر شده است به طوری که کتاب برای همه علمای مسلمان اعم از شیعه و سنی به عنوان منبعی تحقیقی به شمار می‌رود. لذا همه می‌توانند از آن استفاده کنند و شناخت وسیع‌تری از معارف اسلامی به دست آورند، بخصوص که تفاوت آرای علمای مسلمان، لزوماً تابع تفاوت مذهب آنها نیست. اصولاً شیعه و سنی در اکثر مباحث اعتقادی و اصول احکام و آداب اشتراک زیادی دارند.

گذشته از الموسوعة القرآنیة، همه آثار ایشان، چه مستقیماً درباره موضوع تقریب نگاشته شده باشد و چه درباره سایر موضوعات، جهت تقریبی دارد.

◀ رویکرد آیت‌الله واعظ‌زاده در تحقق گفتمان «همزیستی برادرانه» مذاهب اسلامی چیست؟
موارد زیر را می‌توان به عنوان برخی از این رویکردها که در آثار



و رفتار ایشان دیده می شود، ذکر کرد: شناخت عقاید و احکام و آداب مذاهب اسلامی با استناد به منابع مورد قبول علمای شناخته شده و اکثریت پیروان هر مذهب به جای استناد به منابع مجعول، شاذ یا حاشیه‌ها که معمولاً در اطراف هر طایفه‌ای هست؛ تأکید بر مشترکات و تشابه‌ها میان مذاهب اسلامی، به جای برجسته کردن اختلاف‌ها؛ همفکری و بحث و مذاکره و همکاری علمی میان علمای مذاهب اسلامی با حسن نظر و اخلاق اسلامی و علمی؛ ارتباطات پیوسته میان علما و نخبگان مذاهب اسلامی به منظور ایجاد همدلی و صمیمیت، بویژه به طور چهره به چهره. استفاده پژوهشی از منابع و مطالب معتبر مذاهب اسلامی و معرفی و ترویج معارف و مرجعیت علمی امامان شیعه علیهم‌السلام در دنیای اسلام

در تاریخ ما، برخی دانشمندان علاوه بر تدریس و تألیف، ارتباطات و مذاکرات وسیع علمی و مسافرت‌ها و ملاقات‌های زیادی داشته‌اند و برخی غیر از این بوده‌اند. در دهه‌های اخیر در ایران شخصیت‌های برجسته علمی ما بیشتر از نوع دوم بوده‌اند. آیت‌الله واعظ‌زاده به طور بسیار زیادی از نوع اول بودند

طوسی در سال ۱۳۴۹ و مسافرت علمی یکساله به مصر و کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا آغاز کردند و در هنگام مسئولیت مجمع‌التقرب و پس از آن توسعه دادند و در ده‌ها همایش علمی شرکت و سخنرانی داشتند و با شخصیت فکری و علمی جهان اسلام ملاقات کردند. این کار در شناخت دست اول از افکار و پاسخ به سؤالات و ابهامات نقش داشت.

سلوک اجتماعی ایشان در این سفرها، همدلی و صمیمیت و محبتی را ایجاد می‌کرد که بدون آن امکان‌پذیر نبود. این همدلی و صمیمیت برای تقریب مذاهب مفید و بلکه ضروری بود. ایشان در مسافرت‌ها، علاوه بر مذاکرات علمی، به بازدید دانشگاه‌ها و مدارس دینی، مساجد، کتابخانه‌ها، مقبره علما و آثار تاریخی و موزه‌هایی که بعضاً مشهور نبود و ایشان معمولاً آگاهی قبلی از آنها داشتند، می‌رفتند و در محل با متولیان آنها به گفت‌وگو می‌پرداختند و با مشاهده و کتیبه‌خوانی و پرس‌وجوی محلی معلومات قبلی خود را با اطلاعات مستقیم تکمیل می‌کردند. یکی از کارهای معمول ایشان در مسافرت‌های خارجی خرید کتاب بود که به همراه می‌آوردند یا بعد از مسافرت از طریق پست به دستشان می‌رسید. این کتاب‌ها به همراه کتابخانه ایشان، هدایی به کتابخانه بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، برای استفاده در اختیار عموم است. ایشان تربیتی داده‌اند که پس از وفات ایشان خرید کتاب از کشورهای اسلامی ادامه یابد و هر کدام تحت عنوان کشور مربوط در کتابخانه نگهداری شود تا به تدریج این منبع گسترش یابد و در شناخت مذاهب و کشورهای اسلامی مؤثر افتد و به تقریب مسلمانان کمک کند.

◀ **همکاری و ارتباط آیت‌الله واعظ‌زاده با کشورهای جهان اسلام و تأثیر آن در همگرایی اسلامی چه بود؟** در تاریخ ما، برخی دانشمندان علاوه بر تدریس و تألیف، ارتباطات و مذاکرات وسیع علمی و مسافرت‌ها و ملاقات‌های زیادی داشته‌اند و برخی غیر از این بوده‌اند. در دهه‌های اخیر در ایران شخصیت‌های برجسته علمی ما بیشتر از نوع دوم بوده‌اند. آیت‌الله واعظ‌زاده به طور بسیار زیادی از نوع اول بودند. مسافرت به اکثر کشورهای اسلامی و سخنرانی و ارائه مقاله در مجامع علمی و مذاکره حضوری و مکاتبه با شخصیت‌های علمی و عضویت و همکاری در مجامع علمی برجسته در جهان اسلام بخشی از فعالیت‌های ایشان بود. این فعالیت را ایشان با برگزاری کنگره بین‌المللی شیخ

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۲۱



میراث ماندگار آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

دفاع عقلانی از مکتب اهل بیت (ع)

کتاب «المعجم» آیت‌الله واعظ‌زاده، مبنایی برای گفت‌وگوهای وحدت‌بخش است



گرایش مسیر علمی‌شان را تقریب انتخاب کردند: تسلط بر قرآن با مطالعه و تحقیق و بررسی‌های علمی و تسلط بر حدیث تحت تعالیم آن مرجع بزرگ که همه می‌دانیم در رابطه با حدیث و علوم مرتبط با آن، نگاه‌های ویژه‌ای داشتند و اهمیت فوق‌العاده‌ای برای این علوم قائل بودند.

آشنا با قرآن و علوم قرآنی

ویژگی مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده این بود که ایشان، هم با قرآن آشنا شد و هم با علوم قرآن، هم با حدیث آشنا شد و هم با علوم حدیث. اینها دو مقوله جداگانه است که اهمیت آن بر اهل فن پوشیده نیست. امروزه قرآن‌شناسان و قرآن‌پژوهانی سراغ داریم که به کار تفسیر و ورود به عرصه معارف قرآن وارد می‌شوند ولی چون تسلط و مهارت علمی در زمینه آگاهی‌های علوم قرآنی نداشته‌اند، در جاهایی با مشکل مواجه شده‌اند و

احیاناً دستاوردهای علمی‌شان ناقص و تک‌جانبه است. همچنین در علوم حدیث، آشنایی بسیار گسترده‌ای با حدیث پیدا می‌کنند. مثلاً تمام احادیث موجود را می‌خوانند، بررسی و حفظ می‌کنند اما در فقه‌الحدیث و جنبه‌های درابه‌ای و علوم‌الحدیثی مانند علوم قرآنی قوی نبودند. ایشان در فقه و حدیث و رجال و تراجم علوم قرآنی و تاریخ و کلام اهل پژوهش و

حسن حکیم‌باشی
مدرس و پژوهشگر علوم اسلامی

درباره آشنایی با شخصیت علمی مرحوم آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی و تلاش‌ها و دستاوردهای علمی ایشان، نکاتی را عرض می‌کنم. اولاً راجع به شخصیت ایشان سه جمله نمایه‌ای را می‌توانم به عنوان مشخصه‌های اصلی عرض کنم: برخاسته از خاستگاه فقاقت، تلاش در جهت بازگشت دوباره به قرآن، همراه با رویکرد و گرایش تقریبی.

به عقیده من، این سه مؤلفه اصلی در شناخت شخصیت ایشان است. اولاً ایشان علوم لازم و مصطلح را برای اینکه به یک کارشناس سطح بالای دینی، اسلامی و قرآنی تبدیل شود، آموختند. علوم حوزوی را تا بالاترین سطح ممکن فراگرفتند. در محضر برترین استادان مانند مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی در رشته‌های فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن و کلام و تراجم و برخی رشته‌های مرتبط، مهارت کافی کسب کرده بودند. در مسیر پویای علمی‌شان و قاعدتاً با تأثیرپذیری از استادانشان، در مجموع به این اعتقاد رسیدند که راه بازگشت به شکوفایی اسلام و نجات امت اسلامی این است که دوباره به قرآن بازگردیم. ایشان تحت تأثیر رهنمودهای مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی

تحقیق بودند. فراگیری نسبتاً قابل توجهی هم از شخصیت‌های تراز اول این عرصه داشتند و به صورت فعال تدریس هم می‌کردند.

◀ ارتباط با جهان اسلام

از سال ۱۳۳۹-۴۰، سه سال بعد از تشکیل رشته قرآن و حدیث در دانشگاه فردوسی-ایشان به عنوان استاد برتر در این عرصه به تدریس پرداخت. از نظر ارتباط با جهان اسلام و مسائل جهانی مرتبط با امت اسلامی، بیش از پنجاه سفر علمی به بیش از ۳۰ کشور جهان داشتند. نگرشی کلان، جامع، جهانی و فراتاریخی از رهگذر این تلاش و فعالیت علمی و پژوهشی به دست آوردند. ایشان در زمینه نگارش و تألیف بسیار موفق بودند و از همان آغاز فعالیت‌های قابل توجهی داشتند. علاوه بر کتاب و تحقیقات، بیش از یکصد مقاله علمی از ایشان به عربی و فارسی در مجلات مربوطه دیده می‌شود.

این راجع به جهات شخصیتی ایشان بود و همان‌گونه که ابتدا عرض شد، از خاستگاه فقاهت برخاسته، معتقد به لزوم بازگشت دوباره به قرآن همراه با رویکرد و گرایش تقریبی بود. در مجموع، شخصیت اندیشه‌ای ایشان را می‌شود در امتداد بزرگانی مانند مرحوم علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء، مرحوم آیت‌الله بروجردی، مرحوم امام خمینی(ره)، سید شرف‌الدین، سید عبدالحسین شرف‌الدین، سید جمال اسدآبادی، سید محمدباقر صدر و این‌گونه بزرگان ارزیابی کرد.

◀ تأثیر آیت‌الله بروجردی بر شکل‌گیری اندیشه آیت‌الله واعظ‌زاده

مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی که بیشترین تأثیر را در شخصیت علمی ایشان داشتند، صدها شاگرد می‌رز در سطح بالای علمی تربیت کردند ولی آن جامعیتی که در شخصیت مرحوم آقای واعظ‌زاده نمایان بود به نظر می‌رسد در بسیاری از شاگردان ایشان وجود نداشت یا کمتر وجود داشت و بیشترین در شخصیت علمی آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی تجلی کرد.

به عقیده من، آنچه در ارزیابی یک شخصیت مهم است، نحوه و رویکرد پویای علمی آن شخصیت است. آرا و دیدگاه‌ها در مرحله بعدی اهمیت قرار دارد، به دلیل اینکه شخصیت علمی که در حال پویایی علمی است، دائماً از رهگذر پیشبردهای فکری و اندیشه‌ای و علمی خودش، به آرای متفاوت و جدید دست می‌یابد. به عقیده من، در درجه اول، معیار و ملاک ارزیابی یک شخصیت، دیدگاه‌های او نیست بلکه همان نحوه پویایی و مبنای رویکردهای علمی او است.

◀ برخوردار از خلاقیت علمی و پژوهشی

محور دومی که درباره ایشان قابل توجه است، خلاقیت و ایده‌پردازی و گشودن مسیرهای جدید علمی، فکری، نگارشی و پژوهشی است. درباره ابعاد مختلف شخصیت ایشان و زمینه‌های مختلف تألیفاتشان، بزرگان سخنانی گفته‌اند. من خیلی صلاحیت هم ندارم، چندان ارتباط و آشنایی نزدیک هم به

طور پیوسته نداشتم که بخواهم در همه عرصه‌ها وارد بشوم. من اینجا می‌خواهم یکی از این عرصه‌ها را که به نظرم مهم‌ترینشان است و چه بسا کمتر هم در سخن دیگران به آن پرداخته شده است، مورد تحلیل قرار دهم.

◀ رجوع به قرآن

ایشان از سال‌های بعد از بازنستگی از دانشگاه، یعنی تقریباً حدود ۴۰ سال پیش، عمده فعالیت علمی‌شان را متمرکز کردند بر یک ایده خلاقانه‌ای با عنوان «المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغة»؛ یعنی پیشنهاد و طراحی و مدیریت و اجرا و راهبری یک طرح بزرگ علمی را در بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی برعهده گرفتند که بعداً عنوان همین نام را گرفت: «المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغة». به عقیده من، خاستگاه توجه به این مهم محوری است که باید مورد دقت و تحلیل ویژه قرار گیرد. من در این‌باره تحلیل و دریافت خودم را عرض می‌کنم. ایشان با اشرافی که به جهان خود و به زمان خود و به واقعه‌ها و واقعیت‌های امت اسلامی داشتند، متوجه این شدند که بزرگ‌ترین مشکل امت اسلام همان اختلاف و تفرقه‌ای است که از صدر اسلام شکل گرفته و تا امروز هم ادامه دارد و بیشترین آسیب‌ها را به قوت و عظمت و شوکت و سعادت و امنیت جامعه اسلامی وارد می‌کند و در واقع منظور و مقصود پیامبر اکرم(ص) از بنیانگذاری و تأسیس امت اسلامی را به بیراهه می‌برد و دچار خطر می‌کند.

از سوی دیگر، ایشان به خوبی و به درستی متوجه شدند که منبع اصلی و منشور یگانه و آبشخور اولین اندیشه‌ها و باورهای اسلامی که مورد اتفاق مسلمین است در ادعا، قرآن کریم است. با وجود قرآن و با وجود این کتاب یگانه و مورد اتفاق، چرا باید این همه تباعد و تقارن و افتراق و تفرق در امت اسلامی باشد و چرا ما باید با این آسیب‌ها مواجه باشیم؟

◀ عالم‌دوراندیش

از رهگذر این دوراندیشی و ریزنگری، به این نتیجه رسیدند که درباره قرآن باید یک کار کلان اساسی با رویکرد تقریب انجام داد. این است که ایشان به فکر تألیف این معجم افتادند. از سوی دیگر، با همان سیر جغرافیایی گسترده‌ای که عرض شد، در ده‌ها کشور اسلامی حضور فیزیکی داشتند و از نزدیک شاهد بودند و متوجه شدند و به صورت مشهود دیدند که در کشورهای سنی‌نشین غالباً کتاب‌های شیعه مهجور و متروک و بلکه ممنوع بود؛ یعنی استفاده از آن کتاب‌ها غالباً در فضاهای علمی حوزوی دانشگاهی اهل سنت کم بوده یا بسیار کم‌رنگ بوده یا متروک و مهجور بوده است. در بین عالمان و استادان علمی شیعی هم، نه اینکه ممنوع باشد یا وجود نداشته باشد، نه، همیشه در کتابخانه‌های شیعه کتب اهل سنت وجود داشته، حتی در کتابخانه‌های شخصی طلبه‌ها چه بسا نیمی از کتاب‌هایشان کتاب‌های اهل سنت هست؛ ولی آن‌گونه که باید و شاید مورد توجه نبوده و مورد استفاده قرار نمی‌گرفته‌اند. این واقعیت را ایشان دیدند و در نتیجه می‌بینیم که در باب قرآن هر کدام از دو گروه حرف‌های خودشان را می‌زنند، مبنای

مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی که بیشترین تأثیر را در شخصیت علمی ایشان داشتند، صدها شاگرد می‌رز در سطح بالای علمی تربیت کردند ولی آن جامعیتی که در شخصیت مرحوم آقای واعظ‌زاده نمایان بود به نظر می‌رسد در بسیاری از شاگردان ایشان وجود نداشت و بیشترین در شخصیت علمی آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی تجلی کرد

یادنامه‌ای برای گرامیداشت مقام علمی استاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

چهارم، الاستعمال القرآنی که در واقع تحلیل و جمع بندی و نگاهی کلان است به معنای کاربردی آن واژه در هر آیه و در مجموع آیات قرآن.

گاهی بخش‌هایی یا احياناً مطلب خاصی به عنوان وجوه و نظائر به ندرت دیده می‌شود والا ذیل هر مدخل از مداخل لغت و مفردات قرآن، این چهار بخش دیده می‌شود؛ نصوص لغوی، نصوص تفسیری، اصول لغوی و استعمال قرآنی.

به این شکل المعجم طراحی شد که امروزه تا جلد ۵۳ و آخر حرف ضاء رسیده و حرف عین از جلد ۵۳ تا ۶۰ را تشکیل می‌دهد که این کار ادامه دارد. ایشان تا جلد ۳۳ خودشان بخش استعمال قرآنی را می‌نوشتند و گردآوری نصوص و نصوص لغوی و تفسیری و نگارش اصول لغوی را گروه تحقیقی که زیر نظرشان کار می‌کرد، با اشراف و نظارت علمی ایشان تهیه می‌کردند.

آن سه بخش در واقع گردآوری و کنار هم چیدن بود ولی بخش استعمال قرآنی، نگارش و تولید علمی بود که اختصاصاً خودشان برعهده داشتند. بعد از درگذشت ایشان، کسانی که در آن ۳۰ سال با ایشان همکاری کرده بودند، این کار را ادامه دادند.

◀ تقارب فکری و علمی شیعه با اهل سنت

در مجموع این معجم اولاً سهم دانشوران شیعی را در کنار مفسران و لغت‌نگاران قرآن که اهل سنت بودند، نشان می‌دهد. ثانیاً راه را بر تقارب فکری و علمی میان شیعه و اهل سنت بر محور آموزه‌های قرآنی و رهنمودهای قرآنی باز می‌کند و آن هدف بلند و غایة‌القصوبایی که در اندیشه بزرگانی مثل مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود، در زمینه اندیشه‌های قرآنی محقق می‌سازد.

همه می‌دانیم که آموزه‌ها و رهنمودهای قرآنی زیرساخت همه اندیشه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی و زمینه‌های دیگر علوم اسلامی است و تقارب و اتحاد یا وحدت در زمینه مسائل اعتقادی علمی، طبعاً شکل‌گیری‌اش باید از زیرساخت‌ها شروع شود و نتایجش را در برساخت‌ها مشاهده کنیم.

این اهمیت ایده خلاقانه مرحوم استاد واعظ‌زاده خراسانی بود که از رهگذر پرورش علمی در مکتب آیت‌الله‌العظمی بروجردی و استادان بزرگ دیگر مانند امام خمینی و حتی استادانی مانند آیت‌الله‌العظمی میلانی، آیت‌الله‌الشیخ‌هاشم قزوینی و... حاصل شد. ایشان از رهگذر این دریافت‌های علمی و گرایش تقریبی و پوییش پژوهشی به این خلاقیت رسیدند و دستاورد یکی از ایده‌های خلاقانه‌شان همین المعجم شد. البته ایشان چندین موسوعه دیگر را طراحی یا رهبری کردند، مثلاً «نصوص فی الاعتقاد الاسلامی» یا «نصوص الاقتصاد اسلامی فی الكتاب و السنه» و چندین پروژه دیگر.

◀ دفاع عقلانی از مکتب اهل بیت (ع)

ایشان به بازگشت به قرآن و پناه بردن علمی به جایگاه ثقلین معتقد بودند. بنده می‌توانم ایشان را شخصیتی بدانم که در بهترین شکل به دفاع عقلانی از مکتب اهل بیت پرداختند؛ دفاعی عقلانی که به روح تعلیمات اهل بیت توجه داشته و مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) را که در واقع ایده بنیادین مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود، تجلی بسیار روشنی بخشیده است.

در فعالیت‌های علمی ایشان، جنبه خاصی وجود داشت که به نظرم با این تحلیل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ایشان تمام فرصت‌های علمی و تحقیقاتی ۳۰ سال آخر عمرشان را با همه جامعیتی که داشتند و با همه تسلطی که بر زمینه‌های

تفسیری خودشان را دارند، آرای برگرفته از قرآن و استدلال‌های مستند به قرآن‌شان متفاوت است و خود این، زمینه تفرق و افتراق را بیشتر فراهم می‌کند.

این است که ایشان راه چاره را در این دیدند که یک منشور بزرگ موسوعه قرآنی تألیف شود که هم واجد مطالب و آرا و دیدگاه‌ها و نکته‌های قرآنی عالمان شیعی باشد، هم اهل سنت، هم از گذشته هم از اکنون، هم نکته‌های فقهی را دربر بگیرد و هم نکته‌های لغوی و نکته‌های تفسیری را، با توجه به اینکه خاستگاه تفسیر و برداشت و تبیین جملات قرآنی، شناخت واژگان و مفردات الفاظ قرآن است و هم مجموعه‌ای که به جهان اهل سنت جایگاه و توان علمی بزرگان شیعه را بنمایاند و اندیشه‌ها و رهنمودهای آنها را در این عرصه در معرض استفاده آنها قرار بدهد و هم عالمان شیعی را بیشتر با نکات و رهنمودها و آورده‌های قرآنی تفسیری اهل سنت آشنا سازد. لذا ایشان موسوعه‌ای به نام المعجم را طراحی کردند.

◀ چطور پروژه عظیم «المعجم» طراحی شد

ابتدا کسانی که با ایشان از سال ۱۳۶۳ شمسی همراه بودند، مثلاً در یک موضوع با فیش‌برداری از تفسیر تبیان شروع کردند، بعد اینها تبدیل شد به چهار بخشی که امروزه در کتاب المعجم می‌بینیم. در بخش اول، نصوص لغوی از کتاب‌های لغت عام یا لغت قرآنی مطرح می‌شود؛ از خلیل بن احمد فراهیدی تا امروز. مرحله دوم، نصوص تفسیری است؛ یعنی عبارت‌ها و متون تفسیری که مفسران برای تبیین یک واژه، معنای یک واژه یا معنای همایشی واژه در جمله یا معنای ترکیبی جمله تشکیل شده از آن واژه و واژه‌های دیگر بیان کردند. و بخش سوم، اصول اللغویه که بسیار کوتاه است و بخش





یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۲۵

مثلاً کلمه صدق که در قرآن بسامد و ازگانی زیادی دارد تا پانصد صفحه مثلاً حدود نیم جلد از این کتاب را به خودش اختصاص داده است.

◀ تقویت‌کننده اندیشه وحدت

من در یک نگاه تحلیلی، این کتاب را یکی از مؤلفه‌ها و زمینه‌های ایجاد وحدت میان امت اسلامی در عرصه منابع کتابخانه‌ای می‌دانم. این کتاب همان چیزی است که ما به عنوان یکی از رویکردهای اندیشه‌وحدت و رویکرد مقبول و قابل دفاع به آن معتقد هستیم؛ یعنی دفاع از مکتب اهل بیت (ع). با توجه به رویکرد دنبال کردن و اثبات و به کرسی نشاندن مرجعیت علمی اهل بیت در جهت تفسیر قرآن و استفاده از قرآن به عنوان ثقل اکبر پیامبر اکرم، این کتاب می‌تواند یکی از منابعی باشد که آن وحدت مورد توجه و اشتیاق بزرگانی مثل مرحوم آیت‌الله بروجردی را تحقق بخشد و مبنایی قرار بگیرد برای همه مذاکرات و دادوستدها و گفت‌وگوهای وحدت‌بخش میان عالمان مذاهب اسلامی. بنابراین اهمیت این کتاب بیشتر از این جهت معلوم می‌شود.

◀ اثری مشهور در جهان اهل سنت اما مهجور در میان فرهیختگان ایرانی

یکی از مسائل قابل توجه این است که این کتاب آن گونه که باید در حوزه‌های علمی، حوزوی و دانشگاهی ما شناخته شده نیست و به تعبیری، دست‌اندرکاران نشر و تهیه این اثر، جهان عرب و جهان اهل سنت، بیشتر از فرهیختگان کشور ما از این کتاب بهره برده‌اند و با آن آشنا هستند. برای معرفی بیشتر این کتاب و طبعاً معرفی شخصیت علمی مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی و ایده خلاقانه‌ای که در این کتاب داشته‌اند، می‌توان تلاش بیشتری کرد و اگر مثلاً با شخصیت‌های صاحب‌نظر در این عرصه مصاحبه‌هایی شکل بگیرد، گمان می‌کنم خلأیی که تاکنون دیده شده، بیشتر بپوشاند.

مختلف علمی داشتند، صرف همین پروژه کردند و اهمیت زائد الوصفی برای آن قائل بودند، به گونه‌ای که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی تا آخرین مراحل به تلاش علمی مشغول بودند و همین نگارش استعمال قرآنی مدخل‌های مختلف پروژه بزرگ «المعجم فی فقه لغة القرآن» را تا آخرین روزهای عمرشان برعهده داشتند.

◀ میراث ماندگار

جنبه‌های مختلف دیگر در شخصیت علمی ایشان طبعاً از سوی بزرگان دیگر مطرح خواهد شد که بنده یا چندان اطلاعی ندارم یا برای اینکه وارد آن عرصه‌ها بشوم، شایستگی ندارم، کما اینکه زمینه‌های مختلف زندگی‌نامه علمی ایشان را از زبان خیلی از بزرگان شنیدیم و خواندیم و استفاده کردیم و در یادمان‌هایی که مطرح می‌شود، بهره برده‌ایم.

اما به گمان من، کتاب المعجم از موسوعه‌های علمی بسیار ارزشمند و ماندگار جهانی امت اسلام خواهد شد که برای کشور اسلامی ما و برای مکتب شیعه مایه افتخار است و دستاوردی برای جهان اسلام محسوب می‌شود.

رهبر معظم انقلاب در توصیف این مجموعه فرمودند که این کتاب «المعجم فی فقه لغة القرآن و سرّ بلاغة» را در واقع باید دایرة‌المعارف نامید؛ به لحاظ اینکه استفاده‌های مختلفی از این منبع می‌شود. البته در اصل فرهنگ لغت قرآنی است ولی خیلی جامع و بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. با اینکه ۵۳ جلد است، هر جلد در حدود هزار صفحه است. بعضی مجلدات هم به چاپ ششم یا هفتم رسیده است.

در کشورهای اسلامی و نمایشگاه‌های بین‌المللی مورد استقبال و تقاضای بسیار زیاد قرار گرفته و منتظر مجلدات بعدی آن هستند. اشراف و نظارت علمی این اثر با خود استاد بود. بعد از ایشان، در مجلدات اخیر، حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی، بر این کتاب اشراف علمی دارند و جمعی هم که مانند گذشته، در این طرح همکاری دارند. بعضی از مدخل‌های این موسوعه،



گفت وگو با دکتر محمدعلی رضایی کرمانی نسب پور، استاد دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

چهره شاخص وحدت حوزه و دانشگاه

آیت الله واعظ زاده خراسانی نماینده اندیشه حوزوی در دانشگاه بودند و خدمات ارزشمندی به دانشگاه ارائه کردند



❖ دکتر محمدعلی رضایی کرمانی، دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد که حدود ۳۰ سال افتخار شاگردی آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی را در کارنامه علمی خود دارد، در این گفت وگو در کنار ذکر خاطراتی از استاد، به نکته های قابل تأملی درباره این عالم تقریب اندیش اشاره می کند که چگونه آیت الله واعظ زاده نماینده اندیشه حوزه در دانشگاه شد و برای پیوند حوزه و دانشگاه گام های بلندی برداشت.

از نکات را عرض می کنم. استاد در سال ۱۳۰۴ به دنیا آمد و سال آینده یکصدمین سال تولد ایشان است. بنده و برخی دوستان در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی از سال ۱۳۸۰ توفیق حضور در ۳۰ جلسه با استاد را داشتیم. این جلسات که همگی ثبت و ضبط شده اند، آن زمان در اتاق رئیس دانشکده وقت، جناب آقای دکتر حائری و چند تن دیگر از اساتید برگزار می شد. ایشان حافظه بسیار قوی داشتند و مطالب جالبی از ۴ سالگی خودشان گرفته تا همان سال (یعنی ۱۳۸۰) برایمان نقل می کردند.

◀ آیا این خاطرات مکتوب هم شده اند؟
بله. حدود ۳۰ جلسه از این کلاس ها در قالب کتابی حدوداً ۴۰۰ صفحه ای پیاده سازی شده است. مقرر شده از این کتاب سال آینده در کنگره نکوداشت حضرت استاد واعظ زاده که به مناسبت یکصدمین سال تولد ایشان برگزار می شود، رونمایی

◀ جناب دکتر رضایی کرمانی، از چه دوره ای و چگونه با مرحوم آیت الله واعظ زاده خراسانی آشنا شدید؟
بنده از شاگردان دوره میانی حضرت استاد بودم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی توفیق آشنایی با آقا زاده های ایشان را داشتم و همین موضوع مقدمه ای برای نزدیکی بیشتر بنده با استاد شد. از سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ که تحصیل در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی را آغاز کردم تا سال ۱۳۹۵ که حضرت استاد را از دست دادم؛ تقریباً به مدت ۳۰ سال از شاگردان ایشان بودم.

◀ در طول ۳۰ سالی که شاگرد استاد بودید، سلوک اجتماعی و فرهنگی ایشان را چطور دیدید؟
درباره حضرت استاد واعظ زاده، هم در یادنامه هایی که منتشر شده و هم در مصاحبه های بعضی از بزرگان، مطالب زیادی آمده اما بنده هم به فراخور استعداد و توفیق شاگردی حضور استاد برخی

شود. در حال حاضر این کتاب در دست ویراستاری و بازنگری است.

◀ استاد واعظ زاده در این جلسات بیشتر چه نکاتی را طرح و در موردش بحث می‌کردند؟

صدها نکته شنیدنی، علمی، خاطراتی با بزرگان و علمای شیعه و سنی برایمان نقل می‌کردند. ایشان از ۱۴ سالگی با پدر گرمی‌شان، مرحوم شیخ مهدی واعظ زاده، به حوزه علمیه نجف می‌رفتند، ۳ سال آنجا بودند و درس‌های مقدماتی را فرا گرفتند. در آن دوره که همزمان با جنگ جهانی دوم بود، پدر ایشان با بزرگان و علمای حوزه نجف و مرجع تقلید علی‌الاطلاق آن زمان حضرت آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی جلساتی داشتند. ایشان هم که در این جلسات حضور داشته‌اند، خاطراتی را برای ما ذکر می‌کردند.

◀ ایشان چه زمانی به مشهد برمی‌گردند؟

سال ۱۳۲۱ به مشهد می‌آیند و تا ۱۳۲۸ یعنی حدود ۸ سال در این شهر می‌مانند. ایشان نقل می‌کردند در آن دوره در مشهد از شاگردان بزرگان حوزه علمیه آن زمان بودند و از محضرشان تلمذ می‌کردند. به گفته خودشان در اوایل جوانی و آغاز کار، از دروس معارف مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی، مؤسس مکتب معارفی خراسان یا همان مکتب تفکیک، جلساتی را ولو محدود استفاده کردند. البته در همین دوره، از دانش مرحوم شیخ هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی و بزرگان دیگر در مشهد نیز استفاده‌های زیادی بردند.

◀ حضور ایشان در قم و حوزه علمیه قم چطور رقم خورد؟

استاد واعظ زاده در سال ۱۳۲۸ به قم می‌روند و در کلاس‌های درس مراجع ثلاث حضرت آیت‌الله‌العظمی خوانساری، حضرت آیت‌الله‌العظمی صدر و حضرت آیت‌الله‌العظمی حجت کوه‌کمره‌ای و دیگر بزرگان، که آن موقع در قم حضور داشتند، شرکت می‌کنند. البته همان موقع خودشان هم تقریراتی از درس این بزرگان نوشته‌اند. تمام این تقریرات، درس‌های فقه و اصول، هم بزودی منتشر می‌شود.

بعد از این دوره در کلاس‌های درس حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی که مرجع تقلید علی‌الاطلاق بودند نیز شرکت کرده و از حضور ایشان بهره‌مند می‌شوند. همین موضوع سبب می‌شود استاد در آن جمعی که مربوط به تدوین جامع‌الأحادیث شیعه است، جایگاهی نقش‌آفرین پیدا کند.

◀ حضور ایشان در دانشگاه فردوسی مشهد چطور رقم خورد؟

در سال ۱۳۳۹ استاد به توصیه برخی بزرگان، که خودشان می‌گفتند مرحوم آیت‌الله بهشتی یکی از آنها بودند، به دانشکده معقول و منقول دانشگاه فردوسی مشهد می‌آیند که بعدها دانشکده الهیات و معارف اسلامی می‌شود و تا سال ۱۳۹۵، یعنی به مدت ۵۶ سال در آنجا به تدریس مشغول می‌شوند. البته ایشان سال ۱۳۷۵ بازنشسته شده بودند اما همچنان با دانشکده ارتباط داشته‌اند.

◀ در همین دوره استاد واعظ زاده کنگره هزاره تولد شیخ طوسی را در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌کنند، در این خصوص اطلاعی دارید؟

۱۰ سال بعد از اینکه ایشان وارد دانشکده الهیات می‌شوند یعنی در سال ۱۳۴۹ که ۷ الی ۸ سال قبل از پیروزی انقلاب بود با همکاری برخی از بزرگان دیگر کنگره هزاره تولد شیخ طوسی را در دانشکده الهیات برگزار می‌کنند. در این کنگره بین‌المللی شخصیت‌های والایی از جهان اسلام حضور داشته‌اند. طبق گفته‌های حضرت استاد و اسناد مکتوب، ریاست این کنگره بر عهده «علال فاسی»، رهبر حزب مشهور مراکش بود.

کنگره هزاره شیخ طوسی در حقیقت هزاره تولد شیخ طوسی بوده و حضرت استاد ایشان را به خاطر سبطه علمی و دیدگاه‌های خاص‌شان و همچنین سهمی که در رجال و حدیث داشت از میان همه علما انتخاب کردند تا برای معرفی ابعاد مختلف شخصیت فکری و علمی او این کنگره را برگزار کنند. از آنجایی که شیخ طوسی در کتب اربعه حدیثی ۲ سهم از ۴ سهم و در کتب رجالی قدیمی امامیه هم ۲ سهم داشت و مشهور است که یک قرن بعد از مرگ ایشان مجتهدان هم در فقه، اصول و حدیث به نوعی تحت سبطه آرای شیخ طوسی بوده‌اند، این کنگره بسیار عظیم برگزار شد. حتی سه جلد غیر از نسخی که احیا و تصحیح شده بود نیز به نام این کنگره منتشر شده است. این ۳ جلد بیش از هزار صفحه است که هنوز مجلدات آن در کتابخانه‌ها و حتی در برخی از کتابفروشی‌ها موجود است. جالب است بدانید این اتفاق مربوط به آخر سال ۱۳۴۹ است که ظاهراً به سال ۱۳۵۰ هم کشیده می‌شود.

◀ به غیر از مواردی که فرمودید از دیگر اقدام‌ها و کارهای استاد نیز اطلاعی دارید؟

در طول این سال‌ها استاد فعالیت‌های مختلفی را با نگاه تقریبی انجام دادند. البته نگاه تقریبی حضرت استاد به نوعی الهام‌گرفته از آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود و جزء رویکردهای همیشگی ایشان از زمان جوانی تا هنگام رحلت بوده است.

ایشان وقتی در دانشگاه فردوسی مشهد و مشخصاً در دانشکده الهیات بودند، مسئولیت‌های مختلفی را پذیرفتند. با اینکه استاد هم فقیه بودند و هم اصولی، ولی در گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث عضویت داشتند. البته ۲ یا ۳ دوره هم مدیریت این گروه را برعهده گرفتند.

◀ ورود ایشان به مجمع تقریب مذاهب اسلامی چگونه رقم خورد؟

بعد از رحلت حضرت امام (ره)، در سال ۱۳۶۹ مقام معظم رهبری برای ایجاد مجمع‌التقریب بین‌المذاهب الاسلامی حکمی به‌استاد واعظ زاده می‌دهند. آن موقع تقریباً ۱۰ سالی از انحلال دارالتقریب در مصر گذشته بود. دارالتقریب تقریباً ۸۰ سال قبل از این موضوع توسط شیخ محمود شلتوت، از بزرگان اهل سنت و رئیس دانشگاه الأزهر وقت، تأسیس شده بود و تقریباً بالغ بر ۲۰ سال فعالیت کرده بود. در آن زمان علامه شیخ محمدتقی قمی نماینده حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی بودند که در مصر حضور داشتند.

در سال ۱۳۳۹ استاد به توصیه برخی بزرگان، که خودشان می‌گفتند مرحوم آیت‌الله بهشتی یکی از آنها بودند، به دانشکده معقول و منقول دانشگاه فردوسی مشهد می‌آیند که بعدها دانشکده الهیات و معارف اسلامی می‌شود و تا سال ۱۳۹۵، یعنی به مدت ۵۶ سال در آنجا به تدریس مشغول می‌شوند

نتیجه و خروجی دارالتقرب چه بود؟

دارالتقرب حدود ۲۵ سال فعالیت داشت که برکات زیادی برای نزدیکی بین مذاهب مختلف اسلامی، خصوصاً امامیه و اهل سنت به ارمغان آورد. یکی از برکات و خروجی های دارالتقرب، انتشار مجله رساله الاسلام طی ۲۳ سال در ۶۰ شماره بوده است. نکته جالب این است که هنوز اولین شماره این مجله، مربوط به ۷۵ سال قبل، موجود است. البته برای اینکه این مجله به ایران برسد، مشکلاتی وجود داشت به همین دلیل حتی در کتابخانه ها هم نسخه های آن محدود بود.

استاد چند سال این مسئولیت را برعهده داشتند؟

با حکم رهبری، ایشان مسئولیت مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه را ۱۱ سال برعهده داشت. در حقیقت، حضرت استاد واعظ زاده مدیر تأسیسی این سازمان بزرگ بودند و اگر عملکرد مجمع را در این سال ها بررسی کنیم، نتایجش بسیار زیاد است.

به برخی از کارهای ایشان در مجمع تقرب مذاهب اسلامی اشاره می کنید؟

از کارهایی که استاد انجام دادند، جمع آوری تمام ۶۰ شماره مجله رساله الاسلام بود که در قاهره مصر طی ۲۳ سال چاپ شده بود. حتی بسیاری از شماره های آن گم شده بودند که همه آنها با تلاش استاد در یک کتاب پانزده جلدی با تیراژ بالا منتشر شدند. این کتاب اکنون موجود است و مقالات بسیار سودمندی نیز از آن استخراج شده است. به نظر من، خود آن مقالات نوعی دایرةالمعارف از شخصیت های بزرگ تقریبی آن دوره است. بعداً هم که استاد در جایگاه ریاست مجمع التقرب بودند، مجله ای با عنوان «رساله التقرب» راه اندازی کردند.

طی این ۱۱ سال مسئولیت شان، چه فعالیت های علمی دیگری انجام می دادند؟

در مدت یازده سالی که حضرت استاد در تهران بودند، سفرهای بسیار زیادی به کشورهای اسلامی داشتند که حاصل آن سفرها، دیدار با رؤسای جمهور، پادشاهان، بزرگان و علمای جهان اهل سنت بود. این سفرها داستان های خیلی ویژه ای داشت که بخش زیادی از آن در همان کلاس های ۳۰ جلسه ای که عرض کردم توسط استاد برای ما نقل می شد.

زمانی که استاد در تهران بودند، باز با دانشگاه فردوسی مشهد ارتباط داشتند؟

در یازده سالی که استاد واعظ زاده در تهران بودند، ارتباطشان با بنیاد پژوهش ها و دانشگاه رضوی و حتی با دانشکده هیات کمرنگ شده بود. البته ایشان پس از استعفا از مجمع التقرب در سال ۱۳۸۰ دوباره به مشهد آمدند و در دانشکده هیات در دوره کارشناسی ارشد در رشته قرآن و علوم و حدیث که در همان سال افتتاح شده بود، به تدریس پرداختند. بعد از آن، در سال ۱۳۸۵ هم در مقطع دکتری به تدریس ادامه دادند و شاگردان زیادی از محضر استاد استفاده کردند.

یکی از مقاطع زندگی استاد واعظ زاده، حضورشان در بنیاد پژوهش های اسلامی وابسته به آستان قدس بود. در این خصوص اطلاعی دارید؟

این بنیاد در سال ۱۳۶۳ تأسیس شد و خود استاد یکی از اعضای هیأت امناء و مؤسس گروه قرآن بود. این طرح در واقع یک ابرپروژه چند ده ساله بود که بعد از گذشت بیش از ۴۰ سال از افتتاح آن، همچنان ادامه دارد. به عبارت دیگر، استاد در همان ابتدا این طرح را در گروه قرآن بنیاد پژوهش های اسلامی با تدوین کتابی راجع به لغت شناسی قرآن با عنوان «المعجم فی فقه لغة القرآن» شروع کرد. بنده نیز توفیق داشتم سال ۱۳۶۹ تا اواسط ۱۳۷۰ در کنار شاگردی، در این طرح هم در خدمت استاد باشم.

آیا تدوین این اثر به پایان رسیده است؟

کتاب المعجم به عنوان بزرگ ترین کتاب لغت شناسی قرآن جهان اسلام، هنوز بعد از ۴۰ سال تمام نشده است. در این کتاب دیدگاه های مفسران و لغویون از صدر اسلام تاکنون درباره هر واژه قرآن بر اساس ریشه آن واژه، به تفکیک نوشته می شود. در پایان آن یک جمع بندی تحت ۲ عنوان الاصول اللغویة (که یکی از متخصصان ادبیات عربی و لغت شناس به نام جناب آقای ابوعلی سال هاست مشغول به فعالیت در این زمینه هستند) و الاستعمال القرآنی (که حضرت استاد واعظ زاده خودشان پس از مطالعه تمام آن دیدگاه های لغویون و مفسران و الاصول اللغویة، به جمع بندی درباره کاربرد این واژه و ریشه آن در قرآن پرداخته اند) آمده است.

نکنه جالب اینکه استاد درباره هر ریشه واژه قرآن که در نیم یا یک صفحه نوشته شده، حداقل یک یا ۲ هفته مطالعه انجام داده اند. من شاهد بودم که سال ها ایشان ۷ صبح در بنیاد پژوهش های اسلامی حاضر می شدند و تا ظهر یکسره کار می کردند. گاهی من مشاهده می کردم که مدت ها استاد از سر جایشان بلند نمی شدند و به مطالعه می پرداختند.

این کتاب یک بار کتاب سال جهانی شده و اگر به حرف (ی) انتها برسد، احتمالاً ۱۰۰ جلد می شود. البته تا

سال آینده ممکن است ۶۰ جلد از این کتاب برای کنگره نکوداشت حضرت استاد منتشر شود. در حال حاضر، حدود ۱۵ نفر برای تدوین این ابرپروژه قرآنی، که یکی از شاهکارهای قرآنی پس از انقلاب اسلامی است، همکاری می کنند.

از دیگر ویژگی های شاخص آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی بفرمایید؟

صحبت در مورد استاد واعظ زاده به عنوان یک شخصیت چندوجهی و به تعبیر مقام معظم رهبری «علامه»، بسیار طولانی خواهد شد. ایشان سزاوار لقب حضرت استاد است؛ چرا که فقیه، اصولی، محدث و قرآن پژوه بودند. در حال حاضر که ایشان را در ذهنم تداعی می کنم؛ عالمی از عالمان شیعه در دوران معاصر با این ویژگی ها که معتقد به تقریب بین مذاهب باشد و از همه مهم تر، توانسته جهان اسلام را از نزدیک ببیند و بتواند با نگاهی روشن و جامع به قضاوت بپردازد، خیلی کم سراغ دارم. ایشان کشورهای زیادی سفر کرده اند، البته در بعضی جاها گفته شده ۳۰ کشور، که به نظر من بیشتر است. در این سفرها با رؤسای جمهور،

از کارهایی که استاد انجام دادند، جمع آوری تمام ۶۰ شماره مجله رساله الاسلام بود که در قاهره مصر طی ۲۳ سال چاپ شده بود. حتی بسیاری از شماره های آن گم شده بود که همه آنها با تلاش استاد در یک کتاب پانزده جلدی با تیراژ بالا منتشر شد. این کتاب اکنون موجود است و مقالات بسیار سودمندی نیز از آن استخراج شده است





یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۲۹

داشته باشد که البته قابل نقد است اما اگر به علم رجال نگاه جامعی داشته باشیم، می‌بینیم که زندگی راویان در علم رجال به دو بخش سنوات زندگی و دیدگاه‌های ایشان تقسیم می‌شود. شخصیت‌های زیادی هم در کتب رجال معرفی شده‌اند که زندگی‌شان با دیدگاه‌هایشان متفاوت بوده است. انصاف این است که در مورد اطلاعات ۹۰ سال زندگی ایشان، از ۴ سالگی که حافظه‌اش بیاری می‌کرد تا نشست و برخاست با علما و بزرگان مذاهب اسلامی، تحقیق و پژوهش شود و فهرستی از علمای امامیه و شیعه در ۷۰ یا ۸۰ سال اخیر که ایشان با آنها بحث و گفت‌وگو داشته، تهیه شود.

◀ ایشان در کلاس‌هایشان از چه کسانی نام می‌بردند و درباره‌شان صحبت می‌کردند؟

ایشان در گفت‌وگوهایشان اسامی همه آن بزرگان و شخصیت‌ها که پیش از انقلاب و در دهه‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ با آنها مصاحبت داشته‌اند یا ایشان را درک کرده بودند، خوب به یاد می‌آوردند. باید از استادان و علمایی که جایگاه و سعه و گستره اطلاعاتی و تواضع ایشان را تأیید کرده‌اند، فهرستی تهیه کنیم. ما هر موقع استاد را می‌دیدیم و در محضر ایشان بودیم، از هر کلامشان استفاده می‌کردیم. ایشان یک عالم جامع بی‌نظیر بودند. ایشان بسیار متواضع بوده و هیچ‌گاه حریم خیلی خاص و ویژه‌ای قائل نبودند، چنانکه نتوانیم با استاد بحث کنیم.

◀ اغلب گفته می‌شود که دیدگاه‌های ایشان با رویکردهای مشهور متفاوت بوده است. آیا از نظر شما هم چنین است و دلیلش چیست؟

بله، من این را قبول دارم که در حوزه‌های مختلف برخی دیدگاه‌های استاد با دیدگاه‌های مشهور متفاوت است که این هم برخاسته از نگاه جامعی است که ایشان داشته، خصوصاً در مسأله تقریب.

پادشاهان و بزرگان از فرق مختلف مذاهب اسلامی گفت‌وگو و مناظره کرده‌اند و نشست و برخاست داشته‌اند. چنین کسی فرق می‌کند با عالمی که به علت‌های مختلف نتوانسته نقاط مختلف دنیا را ببیند و با دیدگاه‌های مختلف آشنا شود. در واقع گستره اطلاعات و نگاه جامع ایشان درباره مذاهب مختلف، دلیل برخورد و گفت‌وگو با علمای مختلف اسلامی بوده است.

◀ رویکرد تمدنی ایشان چگونه در آثارشان بازتاب پیدا کرده است؟

می‌توانیم شخصیت استاد را در رویکرد حدیث پژوهی، قرآن پژوهی و دیدگاه‌های ایشان را در حوزه فقه پژوهی و اصول پژوهی جست‌وجو کنیم. هر چند به علت نگاه تمدنی ایشان که تبلور زیادی در رویکردهایشان داشته، مطالعه درباره شخصیت ایشان باید از زوایا و منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

البته استاد واعظ زاده در بعضی از مباحث، خصوصاً در تاریخ صدر اسلام، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به دیدگاه‌های مشهور داشتند و گاهی در مجالس عمومی یا خصوصی آنها را مطرح می‌کردند که همین امر باعث شده بود بعضی از آقایان، رجال و علما برخی از این دیدگاه‌ها را نپسندند.

می‌توان این طور گفت که نقد دیدگاه حضرت استاد هم نوعی عدالت است، اما نباید خدمات و جامعیت ایشان را، که کمتر در شخصیت‌های دیگر سراغ داریم، نادیده بگیریم. همچنین باید در نظر بگیریم فردی مانند ایشان که برخاسته از حوزه علمیه بودند، به عنوان نماینده حوزه ۶۰ سال با دانشگاه ارتباط داشته‌اند و اقدامات ارزشمندی نیز انجام داده‌اند.

اگر به تعبیری که بسیاری از بزرگان در مقام علمی ایشان به کار بردند، رجوع کنیم، متوجه جایگاه و عظمت استاد واعظ زاده می‌شویم. ممکن است دیدگاه‌هایی که استاد در مورد برخی از خلفا و صحابه داشته‌اند، با دیدگاه‌های مشهور تفاوت

گفت‌وگو با دکتر غلامرضا رئیسیان درباره شخصیت فقهی و اخلاقی آیت‌الله واعظ‌زاده

مرزبان تقریب



۳۰

سمیه عباسی

از پربارترین دوره‌های زندگی آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی مربوط به زمانی است که از سال ۱۳۳۹ شمسی، به جهت تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از ایشان دعوت به عمل آمد و با تشویق آیت‌الله شهید دکتر بهشتی در دانشکده معقول و منقول سابق (دانشکده الهیات و معارف اسلامی کنونی) در زمینه‌های تفسیر قرآن، فقه، فقه الحدیث، تاریخ تفسیر، تاریخ حدیث، تاریخ علوم عقلی، تاریخ فقه، قواعد فقه، تاریخ علوم اسلامی، تاریخ اسلام به تدریس مشغول شد. از این رو، با حجت‌الاسلام دکتر غلامرضا رئیسیان که از اسفند ۱۳۹۲ تا اسفند ۱۴۰۰ ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد را عهده‌دار بود به گفت‌وگو نشستیم تا ابعاد مختلف شخصیت فقهی، اخلاقی و تقریبی این اندیشمند اسلامی را به بحث بگذاریم.

◀ ایشان چگونه از احادیث در راستای تقریب مذاهب اسلامی استفاده می‌کرد؟

به طور کلی از مهم‌ترین نکات برجسته شخصیت آیت‌الله واعظ‌زاده، نگاه تقریبی به مذاهب بود، البته این نگاه به اقتضای مسئولیتی که داشت، نبود، بلکه اعتقاد قلبی به این مسأله داشت و بر اهمیت آن واقف بود و هرچند گاهی مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت، اما هیچ‌گاه از این اصل اساسی کوتاه نمی‌آمد و حرف‌های خود را در این زمینه مستند به آیات، روایات و سیره ائمه (ع) می‌کرد.

در حقیقت این نگاه به این معنا نبود که استاد به این نتیجه رسیده بود که تقریب و وحدت کار خوبی است، بلکه با استناد به منابع اسلامی، معتقد به این مهم بود؛ یعنی مرحوم واعظ‌زاده معتقد بود: وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا

وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آيَاتِنَا مِن دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴): «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را. غیر از خدای یگانه. به خدایی نپذیرد»، چرا ما با پیروان مختلف دین اسلام و آیین خود، این رفتار را نداشته باشیم و بر مشترکات خویش تکیه نکنیم. البته این بدان معنا نیست که از اصول و باورهایمان دست برداریم، اما می‌توان بر مشترکات تأکید کرد و اختلافات را نیز مورد بحث علمی بدون توهین و شعارزدگی قرار داد.

◀ استاد در تألیف «جامع الاحادیث الشیعه» اثر آیت‌الله بروجردی چه نقشی داشتند؟

پیش از پاسخ به این سؤال، باید بگویم اصل ایده این کتاب از آیت‌الله بروجردی بود. ایشان معتقد بود: احادیث «وسائل

الشیعه» - که مرجع علما بوده و هست - تقطیع و تکه تکه شده‌اند؛ یعنی حرّعاملی این احادیث را تقطیع و در بحث‌های مختلف خود در ابواب گوناگون، ذکر کرده است. وقتی حدیثی تقطیع و تکه تکه می‌شود، نمی‌توان مفهوم کلی آن را به خوبی درک کرد؛ زیرا ممکن است در بخش‌های دیگر حدیث، قریبه‌ای آمده باشد که با تکه تکه شدن آن، نمی‌توان آن را درک کرد. بنابراین بر خود لازم دانست، تا کتابی تألیف و احادیث تکه تکه شده را به صورت کامل و یکجا جمع‌آوری کند.

براساس این منطق، مرحوم آیت‌الله بروجردی دست به تألیف این کتاب زد و از جمله افراد کمیته تألیف این اثر، آیت‌الله واعظزاده بود که در این زمینه تحقیق و بررسی انجام می‌داد. البته ناگفته نماند که مرحوم واعظزاده انسانی پرتلاش و اهل تحقیق بود. به طور مثال در همین اواخر - تقریباً یک ماه پیش از رحلت - همچون کارمندی معمولی، از صبح تا عصر در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی حضور می‌یافت و مشغول مطالعه و تحقیق می‌شد. همچنین تا سال پایانی حیات نیز در دانشگاه - مقطع دکترا - مشغول تدریس بود. این مسأله عزم راسخ او در تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد و در واقع بیماری او اواخر عمر شریفشان، موجب شده بود کمتر بتواند فعالیت داشته باشد.

**ایشان به سیره
اهل بیت (ع) بویژه
امام علی (ع)، مبنی
بر گفت‌وگو و تعامل با
اهل سنت، تکیه داشت
و معتقد بود: منش
امیرمؤمنان (ع) بیانگر
تقریبی بودن است،
نه انفکاک و جدایی،
بنابراین ما نیز به عنوان
پیروان حضرت، باید در
همین مسیر گام برداریم
و اگر شیعه ایشان
هستیم، در مقام عمل
نیز همین‌طور باشیم،
نه اینکه رفتار حضرت
را توجیه کنیم، با آنکه
عقل نیز توصیه می‌کند
بر مشترکات تأکید کرده
و اختلافات را مورد بحث
علمی قرار دهیم**

امیرمؤمنان (ع) بیانگر تقریبی بودن است، نه انفکاک و جدایی، بنابراین ما نیز به عنوان پیرو آن حضرت، باید در همین مسیر گام برداریم و اگر شیعه ایشان هستیم، نه اینکه رفتار حضرت را توجیه کنیم، با آنکه عقل نیز توصیه می‌کند بر مشترکات تأکید کرده و اختلافات را مورد بحث علمی قرار دهیم.

در واقع مرحوم آیت‌الله واعظزاده نیاز ضروری امروز جامعه را وحدت و تأکید بر مشترکات می‌دانست و اگر در پی کسب مقام و منصب بود، هرگز وارد این مباحث نمی‌شد. این اندیشمند گرانقدر معتقد بود: عالم دینی رسالت مهمی بر عهده دارد و باید روشنگری کند و راه درست را به مردم نشان دهد. راه درست نیز از نظر او، در جامعه ما (تقریب مذاهب) و «تعامل و گفت‌وگو با اهل سنت» بود و البته نیز می‌دانست این سخنان هزینه‌هایی دارد که این هزینه‌ها را نیز پرداخت کرد و ترس و واهمه‌ای در این مسیر نداشت.

◀ **با توجه به شناخت علمی که از شخصیت آیت‌الله واعظزاده دارید، آیا ایشان تفسیر خاصی از حدیث ثقلین داشتند؟**
استاد همچون دیگر علما و بزرگان، تفسیر و باور رایج و تحلیلی مانند دیگر اندیشمندان اسلامی را داشت. هرچند باید یادآور شوم که این حدیث، حدیثی است که مورد قبول اهل سنت و برخی وهابیان معتدل نیز هست که آن را به عنوان حدیث صحیح پذیرفته‌اند، اما اختلاف جزئی در برداشت آن، وجود دارد، به این ترتیب که شیعه معتقد است پیامبر (ص) فرموده‌اند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»، اما اهل سنت اعتقاد دارند آن حضرت به جای کلمه «عترتی»، فرموده‌اند «سنتی». گذشته از این مباحث، مرحوم واعظزاده نیز معتقد بود که از این حدیث، همراهی و همگامی قرآن و اهل بیت (ع) برداشت می‌شود و قرآن بدون اهل بیت (ع) قابل فهم نیست و اهل بیت (ع) نیز بدون پشتوانه قرآنی، مورد قبول و پذیرش ما نیستند.

◀ **دیدگاه استاد واعظزاده در خصوص وحدت جامعه مسلمین چگونه بود؟**

حقیقت این است که ایشان معتقد بود: باید با علمای اهل سنت گفت‌وگو کرد و افق‌های فکری نزدیک را پیش‌روی هم قرار داد و اختلافات فکری را در محیط و فضایی علمی مورد بحث و بررسی قرار داد که اگر بحث علمی و با منطق و بدون احساس‌زدگی باشد، طرف مقابل نیز آن را خواهد پذیرفت و در غیر این صورت، واکنش نشان خواهد داد. بنابراین باید با اهل سنت وارد گفت‌وگو و برگزاری جلسات، سمینار و همایش‌های مختلف شد و در برابر آنها، اتحاد و همدلی و یکدلی را در پیش گرفت و اگرچه شاید گاه طرف مقابل مجاب نشود، اما حداقل نتیجه این بحث‌های علمی، کاهش تنش و اختلاف است. از این رو، استاد واعظزاده در راستای رسیدن به این هدف و خالی کردن فضای جوامع اسلامی از خشونت، تشنج و اختلاف، سفرهای متعددی به کشورهای اسلامی داشت که منجر به تقریب بیشتر مذاهب می‌شد.

◀ **مرحوم واعظزاده در زمینه تصحیح و تحقیق کتاب‌های حدیثی چه نقشی داشتند؟**

ایشان مجموعه‌ای از نسخ خطی داشت که به دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی هدیه داد و مقرر بود این نسخ خطی در دانشگاه بماند. در واقع مرحوم واعظزاده به این موضوع بها می‌داد و برای آن ارزش قائل بود و به تصحیح نسخه‌ها و دست‌نوشته‌های قدیمی که در نگارش آنها خطا و اشتباهاتی پیش آمده بود، دست می‌زد.

در واقع از آنجا که در گذشته نوشتارها به صورت امروزی نبود و امکانات چاپی در دسترس وجود نداشت، گاه نگارنده احادیث، به لحاظ مختلف اعم از آدرس آیات یا روایات و... دچار خطا می‌شد که باید مورد اصلاح قرار می‌گرفت. در حقیقت مرحوم واعظزاده اهتمام خاصی نسبت به تصحیح نسخ و نوشتارهای حدیثی داشتند و در پاورقی این آثار، موارد مورد نیاز را اصلاح و ذکر می‌کردند. بنابراین بطور جد می‌توان گفت: این استاد فقیه هم در نگهداری و هم در تصحیح کتب و نوشتارها و تألیفات حدیثی تلاشی ستودنی داشت.

◀ **میزان اهتمام آیت‌الله واعظزاده به احادیث اهل سنت در شناخت معارف اسلامی تا چه اندازه بود؟**

اتفاقاً یکی از دروسی که سال‌های متمادی آن را در مقطع دکترا تدریس می‌کرد، بحث جوامع حدیثی اهل سنت بود. ایشان صرف اینکه حدیثی از اهل سنت روایت شده باشد را مردود نمی‌دانست، بلکه ملاک او اعتبار و وثاقت حدیث بود؛ یعنی راوی آن اهل دروغ نباشد و حدیث نیز از احادیث ثقه به حساب آید. او به سیره اهل بیت (ع) بویژه امام علی (ع)، مبنی بر گفت‌وگو و تعامل با اهل سنت، تکیه داشت و معتقد بود: منش

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید حامد علم‌الهدی

دیپلماسی دینی آیت‌الله واعظ‌زاده



سید محمد مهدی امامی

حجت‌الاسلام والمسلمین سید حامد علم‌الهدی در دوران دبیرکلی آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی بر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت امور ایران مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را عهده‌دار بود. او به دلیل ارتباط کاری نزدیکی که با ایشان داشت در این گفت‌وگو برایمان از فعالیت‌های تقریبی آیت‌الله واعظ‌زاده و دیپلماسی دینی ایشان روایت کرده است.

همان ابتدا از سال‌های آغازین انتصاب ایشان، کنفرانس سالانه وحدت و بسیاری از فعالیت‌های تقریبی و وحدتی، مأموریت مستقیم ایشان و مجمع بود.

اگر بخواهیم فعالیت‌های تقریبی ایشان را مورد ارزیابی قرار دهیم، چه مقدار از نظر عملیاتی موفق بودند؟

آیت‌الله واعظ‌زاده در دوران دبیرکلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی فعالیت‌های مختلفی داشتند. بنده افتخار این را داشتم که به عنوان معاون ایشان در امور تقریب داخل کشور فعالیت می‌کردم. ایشان در اکثر کنفرانس‌های بین‌المللی مقاله ارائه می‌کردند. خودشان شرکت می‌کردند، گاهی هیأتی را اعزام می‌کردند. هر سال هیأت علمی تشکیل می‌دادند و کنفرانس وحدت را با دعوت از بزرگان مذاهب اسلامی از کشورهای مختلف اسلامی در تهران برگزار می‌کردند که این حرکت تا امروز ادامه پیدا کرده و جزو مأموریت‌های مستقیم مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی شده است.

بعد از ایشان آیت‌الله تسخیری به عنوان دبیرکل معرفی شدند، اما در عین حال ایشان جزو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بودند و تا آخرین لحظات عمر خود مسأله تقریب و امت واحده دغدغه فکری‌شان بود. ایشان تظاهر به این امر نمی‌کردند، بلکه واقعاً فکر تقریبی داشتند و واقعاً برای تفرقه مسلمانان و مشکلاتی که در بین جوامع اسلامی

جناب علم‌الهدی، شما با استاد آیت‌الله واعظ‌زاده سال‌ها همکاری بودید. او را چگونه شخصیتی شناختید؟

اگر بخواهیم در مورد مرحوم استاد آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی صحبت کنیم، زندگی ایشان را می‌توان به چند برهه تقسیم کرد. استاد واعظ‌زاده شخصیت جامعی بودند که هم به عنوان استاد دانشگاه در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه تهران، هم به عنوان پژوهشگر موفق که آثار مختلفی از ایشان منتشر شده و هم به عنوان استاد حوزه فعالیت علمی داشتند.

تحصیلات ایشان در مشهد و قم بود. ایشان از شاگردان میرزا آیت‌الله بروجردی بودند و دقیقاً جزو افراد خاصی بودند که به آیت‌الله بروجردی نزدیک بودند. زمانی که آیت‌الله بروجردی مکاتباتی با شیخ محمود شلتوت شیخ الأزهر داشتند، ایشان جزو افراد ذی‌نفوذی بودند که بسیار متأثر از فکر تقریبی آیت‌الله بروجردی بودند. در حقیقت باید گفت افکار تقریبی ایشان از همان زمان که شاگرد آیت‌الله بروجردی بودند، شکل گرفت.

اما فعالیت‌های رسمی ایشان در مسائل تقریبی به بعد از انقلاب اسلامی و دقیقاً از سال ۱۳۶۹ برمی‌گردد که مقام معظم رهبری، مجمع جهانی تقریب را مجدداً تأسیس کردند، چون مجمع التقرب قبل از جمهوری اسلامی به عنوان دارالتقرب مطرح بود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۹ به دستور مقام معظم رهبری مجدداً تأسیس شد و اولین دبیرکلی آن را به مرحوم واعظ‌زاده دادند. از

آنچه مرحوم آیت‌الله بروجردی به ایشان و پیروان تقریب توصیه می‌کردند، این بود که مرجعیت علمی اهل بیت (ع) را برای جامعه معرفی کنید. بحث‌های غیر مفید را کنار بگذارید، تبیین محبت و جایگاه علمی اهل بیت (ع) می‌تواند باعث اجتماع و اجماع جامعه شود؛ این نیاز امروز جامعه است



پیش می‌آمد، غصه می‌خورد.

ایشان غیر از فعالیت‌های تقریبی کارهای پژوهشی تقریبی هم انجام می‌دادند و این در مکتوباتی که از ایشان منتشر شده، مثل حدیث تقلین و کتاب‌های دیگر نمایان است. غیر از تحقیقات تقریبی، پژوهشگر موفقی در علوم مختلف به خصوص علوم قرآنی بودند که اگر بخواهیم به آن اشاره کنیم، پژوهش‌های ایشان متجاوز از ۵۰ جلد مجموعه موسوعه قرآنی توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است که انتشار آن هنوز هم ادامه دارد و بسیاری از محققان روی آن کار می‌کنند و ادامه می‌دهند که مجموعه بسیار غنی از موضوعات قرآنی است که از جوانب و زوایای مختلف واژه‌های قرآنی را بررسی کرده و موسوعه علمی است که به درد کتابخانه‌ها می‌خورد و جزو کتاب‌های مرجع محسوب می‌شود.

همان‌طور که اشاره کردید آیت‌الله واعظ‌زاده طلایه‌دار تقریب در دوره معاصر هستند. با توجه به اینکه شما از نزدیک با ایشان آشنا و همکار بودید، دغدغه‌های اصلی ایشان در حوزه تقریب مذاهب اسلامی و وحدت جهان اسلام چه بود؟

استاد واعظ‌زاده در عین اینکه شخصیت علمی بودند، اما اگر فردی می‌توانست به ایشان نزدیک شود، مشاهده می‌کرد از نظر عاطفی انسان بسیار منعطفی هستند. در برخی از سفرهایی که خدمت ایشان بودیم و به مناسبت بحث‌هایی که از جهان اسلام پیش می‌آمد، مثلاً زمانی که حرکت داعش تازه شروع شده بود و قبل از آن طالبان در پاکستان و افغانستان فعالیت داشتند، ایشان بسیار برای این مسأله دل‌نگران بودند و می‌گفتند: ببینید ما چقدر تلاش می‌کنیم که بزرگان عالم اسلام را جمع کنیم، تا در مسائل فقهی، کلامی و... به هم نزدیک شوند و تقریب به وجود آید، اما حرکتی اینچنینی که در بعضی از کشورهای اسلامی پیدا می‌شود، باعث می‌شود بخشی از کار بدون نتیجه باقی بماند. دوباره باید تلاش کنیم تا بتوانیم اینها را به نقطه اجتماع برسانیم. در این موارد از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کرد، حتی ایشان در سنین بالا که مسافرت برایشان سخت بود، با هیأت‌ها به پاکستان و افغانستان می‌رفت و با علما و بزرگان مذاهب مختلف صحبت می‌کرد، تا آنها را به مسأله وحدت دعوت کند. واقعاً وحدت، دغدغه خاطرش بود و ایشان همیشه به ما توصیه می‌کرد و از قول آیت‌الله بروجردی می‌فرمود: ما نباید با بزرگان اهل سنت یا با پیروان مذاهب اسلامی سر مسأله خلافت و جانشینی پیامبر(ص) بحث کنیم، این بحث امروزه نمی‌تواند مفید باشد. آنچه مرحوم آیت‌الله بروجردی به ایشان و پیروان تقریب توصیه می‌کردند، این بود که مرجعیت علمی اهل بیت(ع) را برای جامعه معرفی کنید. بحث‌های غیرمفید را کنار

بگذارید، تبیین محبت و جایگاه علمی اهل بیت(ع) می‌تواند باعث اجتماع و اجماع جامعه شود؛ این نیاز امروز جامعه است.

در میان جامعه اهل سنت ایشان چه جایگاه علمی و دینی داشتند؟

استاد واعظ‌زاده ارتباطات گسترده‌ای با علمای کشورهای مختلف جهان اسلام به خصوص خاورمیانه داشتند. ایشان در میان جامعه ایران و به خصوص در میان خواص، جایگاه ویژه‌ای داشتند؛ یعنی علما به این امر اذعان می‌کردند و به جایگاه علمی ایشان توجه می‌دادند، حتی اساتید دانشگاه برای استاد واعظ‌زاده احترام خاصی قائل بودند. در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و فردوسی مشهد به خاطر طرح مباحث عمیق علمی، جایگاه والایی داشتند.

در خارج از کشور هرکس بر زبان مسلط باشد، بهتر می‌تواند خودش را با جایگاه علمی معرفی کند. شاید از این جهت آیت‌الله تسخیری جلوه بیشتری داشتند، ولی در اکثر سفرها آیت‌الله تسخیری، آیت‌الله واعظ‌زاده را معرفی می‌کردند و وقتی مباحث علمی پیش می‌آمد، جایگاه علمی و تسلط ایشان بر منابع علمی مشخص می‌شد و این‌گونه مورد استقبال جامعه علمی خارج از کشور قرار می‌گرفتند.

خاطره‌ای مربوط به بحث تقریب از ایشان دارید؟

یک بار به همراه آیت‌الله واعظ‌زاده به چابهار رفتیم و در نماز جمعه اهل سنت شرکت کردیم. ایشان سخنرانی کردند. وقت نماز مغرب فرا رسید و مولوی عبدالرحمن سربرازی گفتند: وقت نماز ماست، ایشان هم گفت: وقت نماز ما هم هست، فرقی ندارد و پشت سر ایشان به نماز ایستاد. برخی از شیعیانی که آنجا بودند، ابتدا تعجب کردند، بعد از نماز به ایشان گفتند: نماز خود را اعاده نمی‌کنید. گفتند: نه! چرا این کار را انجام دهم! من نماز مغرب را به جا آوردم. این اتفاق برای همه ما شیرین بود و خیلی هم مورد تشویق و استقبال اهل سنت آن منطقه قرار گرفت.

راه عالمان بزرگی چون آیت‌الله واعظ‌زاده

را چطور می‌توان امتداد بخشید؟

وقتی چنین عالمان بزرگی را از دست می‌دهیم جایگاه‌شان خالی می‌ماند. اگرچه هستند علمای دیگری که حوزه‌ها همواره آنها را پرورش داده مانند آیت‌الله تسخیری، آیت‌الله اراکی و... اما واقعیت این است تا چنین عالمی به ثمر برسد که جهان از وجودش استفاده کند، زحمت و رنج و مرارت بسیار می‌خواهد، اما فقدان این عزیزان تلمه‌ای برای عالم اسلام است، امیدوارم طلبه‌های جوان و دانشجویان عزیز بتوانند راه این بزرگان را بیمایند و در هر جایی حضور دارند، فعالیت تقریبی داشته باشند.

فعالیت‌های رسمی
ایشان در مسائل
تقریبی به بعد از انقلاب
اسلامی و دقیقاً از سال
۱۳۶۹ برمی‌گردد که مقام
معظم رهبری، مجمع
جهانی تقریب را مجدداً
تأسیس کردند، چون
مجمع تقریب قبل از
جمهوری اسلامی به
عنوان دارالتقریب مطرح
بود و بعد از پیروزی
انقلاب اسلامی از سال
۱۳۶۹ به دستور مقام
معظم رهبری مجدد
تأسیس شد و اولین
دبیرکل آن را به مرحوم
آیت‌الله واعظ‌زاده دادند



آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی؛

نماد وحدت در گفتار و عمل

فاروق امینی

دانش‌آموخته دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

را دوری از خرافات و اهتمام بیشتر به نص قرآن می‌دانستند و خود ایشان از قرآن‌پژوهان بزرگ معاصر بودند. شاید سال‌ها بگذرد تا شخصیت علمی و اخلاقی ایشان برای اهل علم و فضل کشف شود.

◀ سلوک اجتماعی آیت‌الله واعظ زاده

ایشان به قدری متواضع بود که در آن ایام، هم به صورت عمومی و هم به صورت جداگانه، با دانشجویان اهل سنت و شیعه نشست‌های خصوصی برگزاری می‌کردند و از نزدیک از مشکلات آنها آگاه می‌شدند. حتی زمانی که در معاونت فرهنگی مجمع التقریب، منشورات مجمع را برای ایشان به مشهد می‌فرستادم حتماً با دست خط مبارکش، وصول کتاب‌ها را با ادبیات خاص خودشان اعلام می‌کردند. شادروان حضرت آیت‌الله واعظ زاده خراسانی علاوه بر برگزاری و حضور در ده‌ها کنفرانس و کنگره بین‌المللی در داخل و خارج از کشور در زمینه‌های تفسیر قرآن، فقه، فقه‌الحديث، تاریخ تفسیر، تاریخ حدیث، تاریخ علوم نقلی و تاریخ علوم اسلامی، کلام و فلسفه به تدریس و تربیت دانشجویان مشغول بودند. ایشان بعد از دبیرکلی مجمع جهانی تقریب، همچنان یکی از اعضای فعال شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بودند و به‌طور مرتب در تمام جلسات آن شرکت می‌کردند و باعث پویایی و فعال بودن این شورا بودند.

◀ حکمت علمی و عملی آیت‌الله واعظ زاده

ایشان علاوه بر تألیف، تصحیح و مشارکت در نوشتن کتاب‌های زیاد با موضوعات مختلف برای حوزه و بعضی از مراکز علمی و دیگر دانشگاه‌ها، بیشتر آثارشان هم به‌طور اختصاصی از سوی انتشارات مجمع جهانی تقریب چاپ و بارها تجدید چاپ شد. از جمله کتاب‌های چاپ‌شده ایشان در مجمع التقریب عبارتند

از آشنایی این حقیر با علامه و اندیشمند معاصر، مرحوم حضرت آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی به اوایل دوران تحصیل در دانشگاه مذاهب اسلامی در مقطع کارشناسی برمی‌گردد. ایشان در آن زمان، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود، اما به دلیل تدریس دروس دانشگاهی، حداقل هفته‌ای یک بار به دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی می‌آمد و ما هم این افتخار و سعادت را داشتیم که با ایشان درس تفسیر قرآن داشته باشیم و تقریباً دو یا سه کلاس در یک سالن بزرگ تجمیع می‌شدند و در دو دوره متوالی به ما تفسیر قرآن درس می‌دادند و این کلاس به قدری برای دانشجویان شیرین، جذاب و مفید بود که کسی حاضر نبود یک جلسه هم غیبت کند. هنوز بعد از ۲۵ سال که درباره فتح مکه و صلح حدیبیه تفسیر می‌فرمودند، آهنگ و لحنی که با آن صحبت می‌کردند، در گوش و ذهن من جاری است.

◀ در افکار و رفتار آیت‌الله واعظ زاده «اعتقاد راسخ

به تقریب» مشهود بود

حضرت آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی که خود از مؤسسان مجمع التقریب و دانشگاه مذاهب اسلامی بودند، شخصیتی داشت که اعتقاد قلبی و راسخ به مقوله تقریب در افکار و رفتارشان کاملاً مشهود و نمایان بود و با توجه به تعاملات و مراوده‌هایی که با علمای تراز اول جهان اسلام داشتند، شاید بتوان گفت طلایی‌ترین دوران فعالیت‌های تقریب مذاهب در زمان ایشان بود، چرا که مرحوم واعظ زاده حتی با جناب بن‌باز، مفتی سابق عربستان سعودی هم ملاقات‌ها و مکاتبات فراوانی داشتند.



از: پیام وحدت، جایگاه اهل‌البیت (ع) در جوامع اسلامی، ندای وحدت، حیاة الامام البروجردی، کنز‌العرفان فی فقه القرآن (در دو جلد تحت اشراف ایشان)، الحج فی السنة (ایشان در این کتاب حج را از دیدگاه اهل سنت و شیعه بررسی کرده است)، دراسات و بحوث (در دو جلد)، رسالة الشيخین (حاوی مکاتبه استاد و شیخ بن‌باز، مفتی سابق عربستان سعودی)، الوحدة الاسلامیه، عناصرها و موانعها و ده‌ها مقاله در مجله رسالة التقریب. امید است دستگاه‌های متولی امر، نسبت به معرفی و شناساندن چنین شخصیت‌های اندیشمند و تأثیرگذاری در حوزه وحدت امت اسلامی اهتمام بیشتری از خود نشان دهند.

◀ توصیه آیت‌الله واعظ زاده به «پرهیز از تفرقه»

ایشان شخصیتی بودند که ظاهر و باطنش در امور تقریب یکی بود و چون به این مسأله اعتقاد راسخ داشتند، همیشه از بزرگان اهل سنت و صحابه گرامی پیامبر (ص) به احترام یاد می‌کردند. هرچند این افکار متعالی و تقریبی‌اش مورد نقد و حتی تکفیر برخی جریان‌های تندرو قرار می‌گرفت ولی ایشان تا آخرین روزهای حیات خود بروحدت امت اسلامی و پرهیز از تفرقه تأکید می‌کردند و در تمام صحبت‌هایش مسلمانان را برای همدلی و همکاری بیشتر به قرآن رجوع می‌دادند و حل‌شدن معضلات و مشکلات مسلمانان

حکمت علمی و مثنی عملی

«آیت الله واعظ زاده:
«حقیقت دین، حقی که
خداوند بر همه انبیا وحی
کرده، یک چیز است و آن
التسلیم لله، التوحید لله،
العباده لله و الاخلاص لله؛
تعبیراتی مختلف که حتماً با
تقوا هم ارتباط دارد. تا کسی
متقی نباشد، مخلص، موحد و
تسلیم پذیر نیست.»
(کتاب ندای وحدت، ص ۲۲)



از یاران نزدیک امام^(ع) و رهبر معظم انقلاب

دکتر حداد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

مرحوم آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی از علمای اعلم بود که عمر خویش را در مسیر خدمت به انقلاب و اسلام صرف کرد و از یاران نزدیک امام راحل (ع) و رهبر معظم انقلاب بود.

این شخصیت با تقوی تلاش و افری در تحکیم وحدت بین مذاهب مختلف اسلامی داشت بطوری که به عنوان اولین دبیر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی انتخاب شد. آثار حوزوی ایشان جزو مفاخر مکتب شیعه است که در حال حاضر در حوزه‌های علمیه برای تدریس استفاده می‌شود.



کنگره شیخ طوسی که آیت‌الله واعظ‌زاده برگزار کرد

بهترین همایش بود که در عمرم دیدم

دکتر مهدی محقق

استاد پیشکسوت دانشگاه تهران



من در یکی از سفرهای مکه به خدمت آیت‌الله واعظ‌زاده رسیدم در آن زمان سخنرانی در مسأله تقریب در آنجا برگزار شد. در این زمینه به خدمت آیت‌الله واعظ‌زاده عرض کردم که در خراسان غیر از مذهب اشعری مذهب مائزیدی هم بوده که آنها تابع ابو منصور مائزیدی بوده‌اند. سبکی، صاحب کتاب طبقات شافعیه قصیده‌ای در خصوص اختلافات مذهب اشعری و مائزیدی دارد. او در انتهای این قصیده بیتی سروده به این معنا که اختلاف بین اشعری و مائزیدی بسیار کم است و جای این نیست که یکی از این فرقه‌ها، فرقه دیگر را اهل بدعت یا کافر بدانند.

ابولعلای معری شاعر نابینای عرب هم قصیده‌ای در مرثیه یک فقیه حنفی دارد. در آخرهای این قصیده اختصاصات فقیه حنفی را ذکر می‌کند. یکی از مختصات او این است که بعد از این فقیه اختلاف بین عراقی که مذهب حنفی باشد و حجازی که مذهب شافعی باشد کم می‌شود. مجموعاً این مسأله مهم بوده، تا آنجا که می‌شود به مشترکات بپردازیم و موارد اختلاف را رها کنیم.

شیخ طوسی کتاب الخلاف را نوشته تا نشان دهد این اختلافات کم است. وهبه زحیلی یکی از دوستانم و استاد کرسی فقه در دمشق پس از خواندن این کتاب عنوان کرد که نظریه‌اش در بسیاری مسائل فقهی عوض شده است. از جمله به این نتیجه رسیده که اختلاف بین شیعه و سنی آنقدر نیست و اختلاف بین مذاهب اربعه بیشتر از اختلاف بین شیعه و سنی است.

از اینجا متوجه می‌شویم که چقدر مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده ژرف بین بودند که تکیه را بر مسأله تقریب گذاشتند و دنباله‌گیری کردند گام‌هایی را که قبلاً شیخ طوسی انجام داده بود.

مرحوم واعظ‌زاده از شاگردان مبرز آیت‌الله بروجردی بودند ایشان برخلاف سایر آخوندها تکلیف کتبی از شاگردان می‌خواستند. یک‌بار در یک کلاسی که ایشان تکلیفی را از ما خواسته بودند فقط دو نفر یعنی مرحوم واعظ‌زاده خراسانی و شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی تکلیف را انجام دادند. از امتیازات مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده این بود که از بهترین

شاگردان آیت‌الله بروجردی بودند و دیگر اینکه مرد زمان بود. متوجه بود برای چه جامعه‌ای خود را آماده می‌کند. از کسانی که با این کیفیت دیده‌ام یکی مرحوم آقا موسی صدر و مرحوم بهشتی بودند که قانع نبودند فقط درس بخوانند و در محله خود آخوند شوند. بلکه خود را برای فضای دیگری آماده می‌کردند. من متجاوز از ۹۰ کنگره بین‌المللی در ۲۰ کشور مختلف شرکت کردم، اما «کنگره شیخ طوسی» از بهترین کنگره‌هایی بود که در عمرم دیدم. این همایشی که مرحوم واعظ‌زاده خراسانی ترتیب داده بود، بهترین همایش بود از جهت افراد نخبه‌ای که انتخاب کرده بودند. از ایران شهید مطهری، مرحوم جعفری تبریزی و... از خارج هم افراد درجه یکی آمده بودند. خدمات بزرگ ایشان بود که توانست دانشمندان را از شرق و غرب عالم دعوت کند.

واعظ‌زاده متواضع بود و هیچ ادعایی نداشت همان سیره شیخ طوسی، سید رضی و... را داشت. مسأله تقریب را هم وظیفه شرعی بود که قبول کرد و گرنه کسی نمی‌توانست با این کیفیت این وظیفه را عهده دار شود؛ جاه طلب نبود. التقرب بین المذاهب الاسلامیه واقعاً لازم بود. زمینه آن فراهم است؛ اگر مستکبرین جهان بگذارند زیرا مستکبرین می‌خواهند همیشه بین شیعه و سنی اختلاف باشد.



آیت‌الله واعظ‌زاده از افق بالاتری به جهان اسلام نگاه می‌گرد

حجت‌الاسلام دکتر احمد واعظی

رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
و عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم



یکی از وجوه برجسته شخصیت استاد واعظ‌زاده این بود که به جای دریچه تنگ تعصبات مذهبی، در افق بالاتری به جهان اسلام و بشریت نگاه می‌کرد. ایشان خوانش تمدنی در دین داشت. آزاداندیشی و مجال دادن به بروز خلاقیت‌ها از لوازم تمدن‌سازی است. هرکجا تمدنی همچون تمدن اسلامی ظهور و بروز پیدا کرده، در فضایی بوده که فکر و اندیشه حرمت داشته، اگر فکر و اندیشه ناصواب باشد، حرمتش این است که با اندیشه صواب پاسخ داده شود.

عالم جامع علوم الهیه



آیت‌الله مصطفی محقق داماد

استاد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران

استاد واعظ‌زاده یکی از تربیت‌یافتگان مکتب قم و از نظر علمی بحق عالمی نمونه از عالمان جامع علوم الهیه بود و از نظر اخلاقی تندیس تواضع، فروتنی و کرامت نفس بود. به یقین سخن‌سنجان فردها با مطالعه آثار او به عظمت صاحب آثار پیش‌ازپیش پی خواهند برد.

مرحوم واعظ‌زاده عمده درس فقه را در دوره‌های اولیه درس، نزد پدرم آیت‌الله حاج سیدمحمد محقق داماد یزدی خوانده بودند، البته در زندگینامه‌شان نیاورده‌اند؛ بنابراین بنده گمان می‌کردم تنها راه ارتباطی با خانواده ما از طریق شاگردی‌شان نزد پدرم بوده است. خدا را شاهد می‌گیرم که گزاف نگفته‌ام اگر بگویم، بنده در زندگی‌ام کمتر شخصیت کاملی در اخلاق، علم و جامعیت در الهیات، همچون مرحوم مطهری و مرحوم واعظ‌زاده دیده‌ام.

حتی یکی از مقاصد برای آمدن به مشهد و تدریس در دانشگاه رضوی، نشستن در حضور وی بود. در آنجا بیشتر هم سؤال می‌کردم و بهره می‌بردم. آیت‌الله واعظ‌زاده داستان‌های

تاریخ معاصر مانند زندگینامه سیاسی آیت‌الله بروجردی را آن قدر زیبا و دقیق بیان می‌کردند که بنده آنها را ضبط می‌کردم و اکنون در لپ‌تاپ شخصی خود دارم. آیت‌الله واعظ‌زاده جامع علوم بود؛ فقیه، اصولی، مورخ، مفسر و ادیب به تمام معنا (مسلط کامل به ادبیات عرب) بودند. در واقع تسلط آیت‌الله واعظ‌زاده در سه جهت بود: رجال، تاریخ تمدن اسلامی و ادبیات. در رجال متأثر از آیت‌الله بروجردی بود؛ اما در دو مورد دیگر، حتی از ایشان هم مسلط‌تر بودند.

مرحوم واعظ‌زاده می‌توانست الگوی خوبی برای طلبه‌ها باشد. همان‌طور که گفتم جامعیت، عدم تعصب، فکر و دید بسیار وسیع، اطلاعات گسترده و حافظه بسیار قوی از شاخصه‌های بارز ایشان بود. هم دانشگاه و هم حوزه را خوب درک کرده بودند. با توجه به سن‌شان، خیلی از مسائل تاریخ معاصر در دوران پهلوی اول و دوم را از نزدیک دیده بود؛ بنابراین تاریخ معاصر را هم بسیار دقیق نقل می‌کرد.

به نظرم لفظ «علامه» را به هرکسی نباید اطلاق کرد. بنده علاقه داشتم بجز علامه طباطبایی، تنها به شهید مطهری، علامه بگویم. اکنون با خیال راحت می‌توانم این لفظ را برای آیت‌الله واعظ‌زاده نیز به کار ببرم؛ چون علامه به کسی می‌گویند که جامع چندرشته از علوم اسلامی باشد. همیشه به ایشان می‌گفتم شما پلاتشبیبه مثل خداوند، صفت فیاض را دارید. اصرار داشتند که هرچه را بیاد می‌گرفتند، به راحتی در اختیار بقیه قرار دهند. برای مثال وقتی با ایشان روبه‌رو می‌شدید، خلاصه‌ای از کتابی را که خوانده بودند منتقل می‌کردند. بنده نکته‌های فراوانی از ایشان شنیده‌ام که هنوز نتوانسته‌ام منبع آنها را پیدا کنم و تنها منبع من ایشان است.

آیت‌الله واعظ‌زاده در مشهد استوانه بسیار مهمی بود. کاری که ایشان همین اواخر در مورد قرآن انجام داد و آن تحقیقی که در سال‌های آخر خودشان ارائه داد، نشانه تسلط کافی به ادبیات و قرآن است. به هر حال من معتقدم که جای ایشان به‌سختی پُر خواهد شد.

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۳۷

چهره شاخص وحدت حوزه و دانشگاه

حجت الاسلام دکتر رسول جعفریان

استاد تاریخ دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان علوم



آن را می‌دانند. بسیاری از روی ملاحظات خاص سیاسی در این باره مطالبی گفتند و به صورت یک وظیفه روزمره از آن سخن می‌گویند. اما آقای واعظزاده در کنار همه کارهای علمی خود، در این زمینه فردی خلاق، مبتکر و فعال بود. این را هم باید اضافه کرد که ایشان در این زمینه، عنصری ذهنی نبود؛ بلکه مرد عمل هم بود و طی سال‌های متمادی که ریاست تقریب را داشت، کارهای جدی کرد.

آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی به تمام معنا، مصداق نوعی وحدت روبه میان علوم دینی و انسانی در حوزه و دانشگاه بود. هم درس حوزه را بخوبی خوانده و درک کرده بود و هم با روش‌های جدید دانشگاهی آشنایی داشت. به همین دلیل در فضای علمی بعد از انقلاب، توانست به یک عنصر مؤثر تبدیل شود. آقای واعظزاده اهل اندیشه و تفکر بود و می‌کوشید این تفکر را در جامعه ایرانی و همراه با انقلاب، در یک تصویر درست و معقول به مردم عرضه کند. به هر روی فکر می‌کنم اگر وحدت حوزه و دانشگاه معنایی داشته باشد و این بیشتر در علوم دینی مشترک میان این دو مرکز تلقی شود، آقای واعظزاده چهره شاخص آن خواهد بود.

شاید بشود گفت آقای واعظزاده تنها با از محدود کسانی در ایران بود که به درستی با معنای تقریب و لوازم آن آشنا بود. در ایران، افراد بسیاری از تقریب سخن می‌گویند که در واقع، نه معنای محصلی از آن در ذهن دارند و نه لوازم و تبعات واقعی

شاگرد مقرب و درجه یک آیت‌الله بروجردی

حجت الاسلام سید ابوالحسن نواب

مؤسس دانشگاه ادیان و مذاهب



بالا برود. ایشان صاحب سر آیت‌الله بروجردی بودند. همه مکاتبات ایشان را آماده می‌کردند و در امر تقریب معتمد آقای بروجردی بودند. ویژگی بعدی، نظم فوق‌العاده ایشان بود. چهره‌ای معمم بودند که مثل یک استاد دانشگاه منظم رفتار می‌کردند. فکر کنید ۴۰۳۰ سال در دانشگاه درس داده، ۱۰ سال در کار تقریب بوده و بعد از آن به مرکز پژوهش‌ها آمده و به طور منظم کار تحقیقی می‌کند. در این راه فرد باید اهل تحمل باشد و این ویژگی بارز ایشان بود. چون اهل سنت را خوب می‌شناختند، فاصله زیادی بین شیعه و سنی قائل نبودند. در خیلی از نقاط که با سنی‌ها مشکل داریم به خاطر این است که آنها را خوب نشناخته‌ایم. هر کس اهل سنت را خوب بشناسد، همه اهل سنت را بشناسد و بدنه اهل سنت را بشناسد و با فکر معتدل اهل سنت را بشناسد، درمی‌یابد که بدنه اهل سنت، همه عاشق اهل سنت هستند. وقتی آنها را دقیق بشناسیم اصلاً ذهنیت‌مان نسبت به آنها عوض می‌شود. ایشان «قرآنی» و «علامه» بودند؛ علامه به کسی می‌گویند که فقه، اصول، معارف کلامی، قرآن، تاریخ و سیره بدانند. البته جلوه قرآنی در ایشان پررنگ‌تر بود و در این زمینه خیلی قوی بودند، ایشان یک عالم پرکار، منظم، پرتحمل و خوش فکر بودند و ۵۵ سال پیش در مورد اهل سنت کتاب نوشتند و تفاوت‌های ما با اهل سنت را تبیین نمودند.

من آقای واعظزاده را تقریباً از سال ۱۳۵۰ می‌شناسم. ایشان در سال ۵۰ شمسی مسئول برگزاری کنگره هزاره شیخ طوسی در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی بودند. من هم جوان و کنجکاو بودم و با ایشان از آنجا آشنا شدم. البته این شروع آشنایی ما بود که به قبل از انقلاب برمی‌گردد و بعداً در مجمع تقریب در خدمت ایشان بودیم.

آیت‌الله واعظزاده از شاگردان مقرب و درجه یک آیت‌الله بروجردی بودند. برای مصاحبه در مورد تقریب و وحدت نزد آیت‌الله سبحانی رفته بودند، ایشان فرمودند: نزد آیت‌الله واعظزاده بروید که صاحب سر آیت‌الله بروجردی در مسأله وحدت بودند. وقتی آقای واعظزاده به آقای تسخیری حکم دهند، یعنی بعد از اینکه آقا اجازه دادند آقای واعظزاده استعفا بدهند و آقای تسخیری روی کار بیایند، برای ایشان نوشتند: «اکنون که علامه فرزانه، آیت‌الله واعظزاده از دبیرکلی مجمع تقریب استعفا داد، جناب عالی را...» این تعبیر «علامه» تعبیری فوق‌العاده است. محصول عمر ۸۰ تا ۹۰ سالگی ایشان معجمی است در قرآن که به عنوان یکی از افتخارات شیعه در خواهد آمد و هم‌اکنون در مرحله انتشار است. آقای واعظزاده در ۸۹۸۷ سالگی مثل یک جوان، صبحانه یک لیوان شیر می‌خورد و به مرکز پژوهش‌ها می‌آمد و تا ظهر ساعت ۲:۱ مشغول بود. ایشان ذهن و تمام وجودش را به میدان می‌آوردند و این اواخر کار اجرایی را کنار گذاشتند و بیشتر کار علمی می‌کردند. حجم انبوهی از تولیدات علمی و سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای ایشان موجود است.

ویژگی دیگر آیت‌الله واعظزاده این است که ایشان اهل سنت را عمیق و دقیق می‌شناختند؛ مسافرت‌های زیادی داشتند و این یکی از عواملی بود که باعث شد معرفت ایشان از اهل سنت سطحی نباشد. وجه انتخاب ایشان در مجمع تقریب هم اطلاع دقیق ایشان از اهل سنت بود. این ویژگی را آیت‌الله بروجردی در ۳۵ یا ۴۰ سالگی ایشان دریافتند. ایشان مقدمات ملاقات شیوخ الزهر با آقای بروجردی را فراهم می‌کردند. همان ارتباطات باعث می‌شد شناخت ایشان از اهل سنت





خاطراتی خواندنی از آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی

از شاگردی آیت‌الله بروجردی تا رفاقت با شهید بهشتی

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۳۹

استفاده از محضر آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره)

در اواخر تابستان ۱۳۲۸ وی عازم قم شده و تا سال ۱۳۳۹ در حوزه علمیه قم از محضر اساتیدی چون آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله سیدمحمد حجت، آیت‌الله سید صدرالدین صدر، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله اراکی و امام خمینی (ره) بهره برد. وی در اینباره می‌گوید: «سال ۲۸ آخر تابستان رفتم قم که همان هفته‌ای که ما رفتیم همین آقای سید علی سیستانی که حالا مرجع کل شده او هم همان وقت آمد که در قم او را دیدم؛ باهم مباحثه می‌کردیم. در قم درس‌های مختلف [را گذراندم] درس آیت‌الله بروجردی، درس امام خمینی (ره) یک درس، درس مرحوم گلپایگانی؛ تمام ۱۱ سالی که قم بودم، درس او می‌رفتم، درس آقای اراکی یک سال، درس آقا صدر پدر امام موسی صدر یک سال تقریباً.»

تدریس در دانشگاه فردوسی

مشهد

آیت‌الله واعظ زاده از سال ۱۳۳۹ تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد را آغاز کرد و در زمینه‌های تفسیر قرآن، فقه، فقه الحدیث، تاریخ تفسیر، تاریخ حدیث، تاریخ علوم عقلی، تاریخ فقه، تاریخ علوم اسلامی، تاریخ اسلام و فلسفه و کلام به تدریس و ارشاد دانشجویان همت گماشت. وی همچنین از اعضای شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود.

حمایت مالی آیت‌الله بروجردی

از مجلات اهل سنت

آیت‌الله واعظ زاده خراسانی در خاطرات خود که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی



آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی از اعضای شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب و از علمای بنام مشهد بود که سابقه تحصیل در حوزه علمیه نجف و قم را داشت. در سال‌های آغازین نهضت امام خمینی (ره) از نزدیک شاهد تحولات ایران بود و در دوران حیاتش به روایت خاطرات خود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی پرداخت. سیر شکل‌گیری مشی فکری و سیره عملی او درخور توجه است که در ادامه فرآههایی از آن به همراه خاطراتی از ایشان آورده شده است.

آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی در اول فروردین ۱۳۰۴ در مشهد به دنیا آمد. پدرش حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی از خطبای بنام مشهد به شمار می‌رفت. وی از ۵ سالگی به فراگیری قرآن در مکتبخانه پرداخت و تا ۱۴ سالگی به یادگیری دروس مقدماتی ادامه داد. در این دوران وی به همراه پدر به تهران عزیمت کرد و پس از سه ماه عازم عتبات شد و در مدت سه سال و نیم اقامت در کشور عراق، مقدمات و سطوح ابتدایی فقه و اصول را فراگرفت.

تحصیلات حوزوی در مشهد

وی در سال ۱۳۲۱ همراه پدر به ایران بازگشت و در حوزه علمیه مشهد تحصیلات حوزوی را تا سال ۱۳۲۸ ادامه داد. ایشان درباره بازگشت به ایران و ادامه دروس حوزوی می‌گوید: «در سال ۱۳۲۱ [به ایران] برگشتم و در مدرسه سلیمان خان اتاق گرفتیم و درس بقیه مقدمات و ادبیات را پیش افراد مختلف خواندم، بعد هم درس شرح لمعه حاج میرزا احمد، درس کفایه مرحوم آقا شیخ هاشم قزوینی، درس خارج او و درس خارج آقا شیخ مجتبی قزوینی و حاج میرزا احمد آقازاده را تا سال ۲۸ گذراندم.»



تبعید کنند، آنجا در حدود ۱۰۰ هزار شیعه آن وقت داشت، حالا بیشتر است، دور امام را می گیرند بعد به فکر رسید که یک شهر دیگری از ترکیه که مردم همه ترک هستند فارسی هم بلد نیستند، جریان امام خمینی و اینها هم به گوششان نرسیده ایشان را می برند آنجا تبعید می کنند. بعد از مدتی گفتند امام را بردند، درست این خواب ما تأویل شد.»

تشکیل مجمع تقریب مذاهب اسلامی به دستور مقام معظم رهبری

آیت الله واعظ زاده در بخشی از خاطرات خود در رابطه با نحوه تشکیل مجمع تقریب می گوید: «مقام معظم رهبری دستور دادند مجمعی به نام مجمع اهل بیت (ع) در تهران تأسیس شد که در جلسه اولیای که علما جمع شده بودند، من هم آنجا سخنرانی کردم. در همان جلسه صحبت شد که خوب است یک جایی هم برای تقریب درست کنیم، همین قدر صحبت شد. بعد از این ماجرا، روزی با آیت الله تسخیری خدمت مقام معظم رهبری بودیم، به ایشان گفتیم در جلسه ای که مجمع اهل بیت (ع) تشکیل شده بود، صحبت این شد که یک جایی هم برای تقریب درست کنیم، ایشان فرمودند: خیلی خوب است این را تأسیس کنید. بعد ایشان به آقای تسخیری فرمودند که خوب این را به عهده چه کسی بگذاریم و وی گفت که آقای واعظ زاده. این بود که مقام معظم رهبری یک نامه ای به من نوشتند که آن را دارم؛ فرمان ایشان است که شما مؤسسه ای را به نام تقریب تأسیس کنید.»

دانشگاه مجمع تقریب، از خود مجمع هم مهم تر است

آیت الله واعظ زاده درباره اهمیت دانشگاه تقریب در نظر مقام معظم رهبری می گوید: «بعدها به فکر افتادیم که یک دانشگاه تقریب درست کنیم، در هیچ جا چنین چیزی نبود، حتی در الأزهر هم که گفته می شد کسانی که طرفدار تقریب بودند، می خواستند رشته تقریبی در آنجا تأسیس کنند، ولی نشد، فقط استادانشان فکر تقریبی داشتند؛ یعنی وقتی درس فقه می گفتند آرای فقهی شیعه را هم در درسشان می گفتند، اما یک رشته ای به نام فقه شیعه در آنجا نبود. یک روز رفته بودیم خدمت مقام معظم رهبری، گفتیم به فکر افتادیم یک دانشگاهی تأسیس کنیم با مذاهب اربعه سنی و مذهب شیعه دانشجو بگیریم و افکار شیعه و سنی همه را برایشان درس بدهیم. ایشان گوش دادند و سپس فرمودند: این دانشگاه از خود مجمع مهم تر است. انصافاً همین است. هر مذهبی باید یک رشته داشته باشد و فقها و استادان خودشان بیایند، شاگردها هم از خودشان بیایند یا از دیگر مذاهب بیایند مثلاً حنفی ها بیایند فقه شافعی را بخوانند، بیایند گوش بدهند، بیایند فقه شیعه را گوش دهند، ولی هریک از اینها جدا. ایشان فرمودند: این دانشگاه از خود مجمع هم مهم تر است. علتش هم واضح است؛ برای اینکه مجمع آدم تربیت نمی کند، حالا واعظ و منبری تبلیغ می کنیم، اما اینجا دانشجو تربیت می کند، ۳ سال، ۴ سال عده ای می آیند اینجا باهم ارتباط دارند، شیعه و سنی هم باهم رفیق می شوند و در پایان تحصیلات هم ارتباطات ادامه خواهد داشت.»

ثبت و ضبط شده است، درباره حمایت های مالی آیت الله بروجردی از مجله «رسالة الاسلام الأزهر» مصر می گوید: «رفیق ما میردامادی می گفت: یک روز صبح در بازار به نماینده آقای بروجردی برخورد کردم، گفتم حاجی رسالة الاسلام که در مصر منتشر می شود، متعلق به چند تا آخوند از هری هست؛ اینها پول ندارند، تو پول بده ما بفرستیم برایشان اصلاً دارالتقريب پول می خواهد، چون دولتی نبود عنایت هم داشتند که از دولت هیچ کمک نگیرند.... باز یک روز توی بازار دیدم دارد از دور می خندد، گفتم حاجی چه کار کردی؟ گفت: رفتم به آقای بروجردی گفتم: آقای بروجردی گفت: هم خودت پول بده و هم از وجوهات بده و ایشان پول می داد و می فرستاد به مصر که رسالة الاسلام به وسیله این پول چاپ می شد.... بعد از رحلت آیت الله بروجردی، رسالة الاسلام که در مصر چاپ می شد، تعطیل شد؛ یعنی با پول او منتشر می شد. ما فهمیدیم که حتی آیت الله بروجردی پول رسالة الاسلام را می دهد که در مصر چاپ شود. این کارها که همه اش بحث شیعه نبود، بحث وحدت بود، افکار اهل تسنن مطرح بود، تعریف خلفا بود، همه چیز بود، درباره شیعه هم بود، این کاری بود که آیت الله بروجردی کرد و فوت شد.»

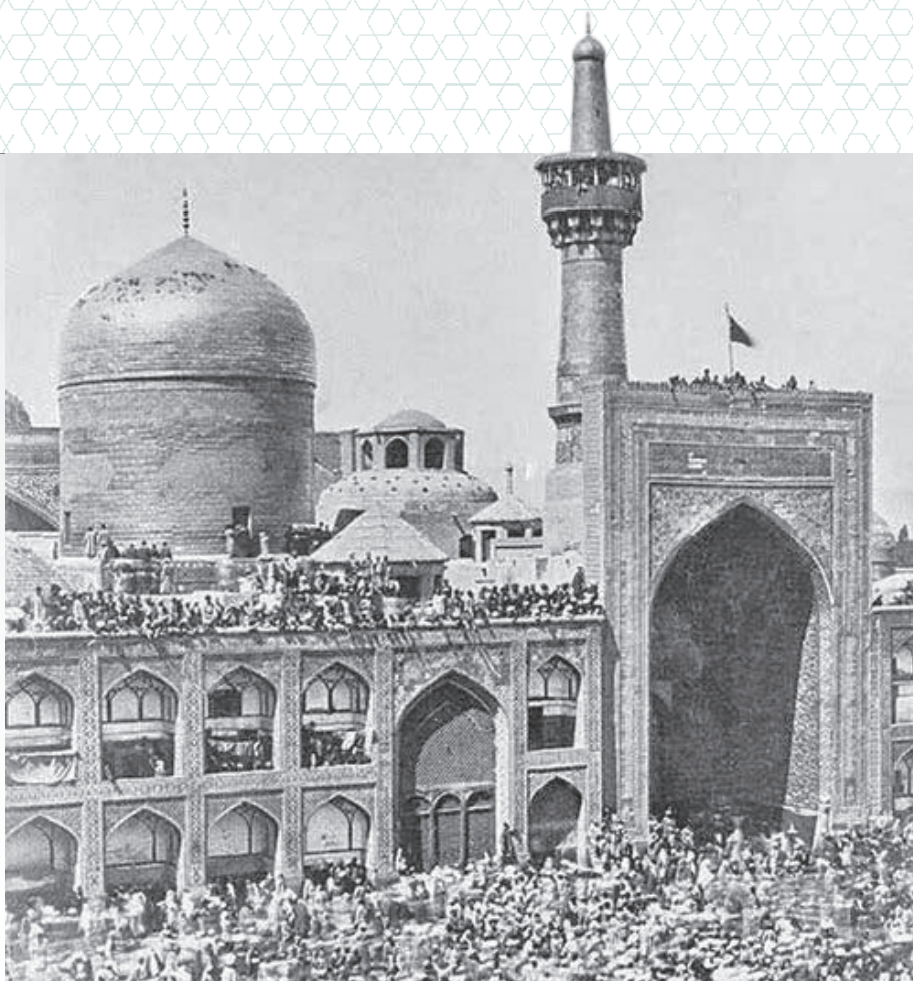
تربیت نیروی انقلابی توسط شهید بهشتی

آیت الله واعظ زاده درباره دوران پیشی آیت الله شهید بهشتی برای تربیت نیروهای انقلابی می گوید: «در قم ما بسیار با شهید بهشتی رفیق بودیم. وی دبیرستانی داشت که من آنجا می رفتم و او را می دیدم. اصلاً قبل از اینکه فقط طلبه مدرسه حجتیه بود، او را دیده بودم. عجیب این است که آن مرد از همان وقت مشغول تربیت افرادی در دبیرستان بود که اگر یک روزی انقلابی شد، اینها سرکار بیایند اقلادو هزار دبیرستانی که خودش تربیت کرده بود، وقتی روی کار آمد، کارها را به دستشان داد. این قدر او از قبل پیش بینی کرده بود و این خیلی مهم است. مردم نمی دانند که در دبیرستان ایشان افرادی را با فکر اسلامی و انقلابی تربیت می کرد.»

خواب آیت الله واعظ زاده درباره تبعید امام به ترکیه

آیت الله واعظ زاده در خاطرات خود درباره خوابی که قبل از تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه دیده بود، می گوید: «خواب دیدم که من آمدم توی خیابان حالا من طرف چپ خیابان هستم داریم به حرم می رویم. آن طرف خیابان امام با پسرش مرحوم آقا سید احمد دارند می روند و عبایشان را هم بالای سرشان انداختند. دیدم آنجا یک مسجدی است الان هم هست؛ در طبقه بالا، زیرش مغازه است. من دیدم ایشان آن بالا روی تخت هست و من هم روی یک تخت و من به خاطر اینکه ایشان را گرفتند گریه می کنم. از خواب بیدار شدم حالا این دفعه دوم است که امام را گرفته اند. من این خواب را خودم تعبیر کردم که دو نفر عبایشان را سرشان کشیدند؛ یعنی می روند به جایی که هیچ کس اینها را نمی شناسد و سلام و علیک هم نمی کند. گفتم: امام را به همراه پسرش تبعید می کنند. بعد فکر کردم در خارج ایران به کجا تبعید می کنند؟ در پاکستان الی ماشاء الله شیعه ها هستند دور امام را می گیرند، لبنان الی ماشاء الله شیعه ها، سوریه همینطور، ترکیه هم همینطور، مثلاً اگر به استانبول





روایت آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی از قیام مسجد گوهرشاد در دوران کشف حجاب رضاشاه

اعتراض به متحدالشکل شدن پوشش در ایران

داستان مسجد گوهرشاد برای اعتراض به کشف حجاب نبود

مثبت بدهد و این جمع برای حمایت از هدفی که آقای قمی به خاطر آن به تهران رفته بود، تشکیل شده بود. در مقطعی که این اتفاق روی داد، آیت‌الله قمی را در تهران محصور کرده بودند. رضاخان اجازه ملاقات با آیت‌الله قمی را نداد و ایشان گفتند: پس بگذارید من به عتبات بروم که رضاخان اجازه داد و گذرنامه هم به ایشان دادند و همراه با تعدادی از پسران شان به عتبات رفتند. من در آن زمان به مدرسه ابتدایی معرفت می‌رفتم. پدرم گفته بود که عصرها به مدرسه دودر بیا. برادر بزرگ من در آنجا اتاقی داشت و من در آنجا پیش یک شیخ دامغانی، گلستان می‌خواندم. در روز تجمع مردم، به مسجد گوهرشاد رفتم و دیدم جمعیت زیادی آمده و همه هم متوجه ایوان مقصوره هستند. نمی‌دانستم چه خبر است. پدرم همین که مرا دید، گفت: بیا این پول امروزت، امروز نمی‌خواهد در نماز جماعت اینجا شرکت کنی، برو خانه! من هم رفتم. بعد پدرم اخبار مسجد را برای ما آورد. پدرم منبر رفته و صحبت کرده بود و به همین دلیل بعد از این ماجرا، ۴ سال در خانه محصور بود و بیرون نمی‌آمد! رئیس شهربانی گفته بود: اگر بیرون بیایید، ما ناچاریم شما را دستگیر کنیم و من نمی‌خواهم این کار را بکنم. بقیه علما و وعاظ و منبری‌ها را گرفتند و به تهران تبعید کردند. روحانیون و علمای مشهد، عمدتاً از تجمع مسجد گوهرشاد حمایت کردند، منتها شکل حمایت‌ها متفاوت بود. بعضی‌ها جدی‌تر وارد جریان شدند و به شاه تلگراف زدند و به همین دلیل همه اینها دستگیر شدند...

برخلاف تصور عده‌ای، داستان مسجد گوهرشاد برای اعتراض به کشف حجاب نبود، بلکه برای مبارزه با متحدالشکل شدن لباس‌ها بود. رضاخان دستور داده بود که همه لباس‌های مختلفی که مردم ایران دارند، یک شکل شود. او کلاهی مثل کلاه‌هایی که الان فرانسوی‌ها دارند، درست کرده بود به نام کلاه پهلوی. به دلیل مخالفت با این کار رضاخان بود که حادثه مسجد گوهرشاد شکل گرفت. مرحوم آیت‌الله حاج آقا سید حسین قمی یکی از بزرگ‌ترین علمای مشهد در آن تاریخ بود که حتی بعضی از او تقلید هم می‌کردند. بعد از اینکه رضاخان این کارها را شروع کرد، ایشان تصمیم گرفت به تهران بروم و با رضاخان ملاقات کند. داستان این قضیه را پدر من نقل می‌کرد و می‌گفت: در حرم دیدم ایشان پشت سر من نشسته‌اند. تا مرا دیدند با دست اشاره کردند تا نزدشان بروم. رفتم و جلوی ایشان نشستم. گفتند: می‌خواهم بروم تهران و با رضاخان صحبت کنم. گفتم: فرض کنید من رضاخان هستم و شما آمده‌اید با من صحبت کنید، چه می‌خواهید بگویید؟ گفتند: اول به تو می‌گویم این کارهایی که می‌خواهی بکنی رها کن، چون همه اینها مخالف با اسلام است، اگر قبول کردی، زانویت را می‌بوسم و برمی‌گردم، اگر قبول نکردی، می‌گویم پس بگذار من با زن و بچه‌ام بروم به عتبات عالیات! به هر حال ایشان به تهران رفتند و نتیجه‌ای هم نگرفتند. بعد از آن کسانی که پیرو ایشان بودند، اعتراض مسجد گوهرشاد را سامان دادند و پهلول را به مسجد گوهرشاد آوردند و دورش را گرفتند. این اجتماع خواسته‌شان این بود که شاه باید به آیت‌الله قمی جواب

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۴۱

۱۳۱۸

ورود به حوزه علمیه

پس از گذراندن دوره مکتبخانه و مدرسه در سال ۱۳۱۸ شمسی همراه پدرش راهی نجف شد و تا اواسط سال ۱۳۲۱ در آنجا ادبیات و مقدمات و سطوح ابتدایی فقه و اصول را فراگرفت.



۱۳۰۴

تولد

آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی در اسفند ماه سال ۱۳۰۴ خورشیدی، (۱۳۴۳ قمری) در مشهد و در یک خانواده روحانی که تا چند نسل از مدرسان حوزه علمیه و واعظ نامی خراسان بوده‌اند دیده به جهان گشود.

۱۳۳۹

دانشکده معقول و منقول

با تشویق آیت الله شهید دکتر بهشتی در دانشکده معقول و منقول سابق (دانشکده الهیات و معارف اسلامی کنونی) به تدریس مشغول گردید. او در زمینه‌های تفسیر قرآن، فقه، فقه الحدیث، تاریخ تفسیر، تاریخ حدیث، تاریخ علوم عقلی، تاریخ فقه، قواعد فقه، تاریخ علوم اسلامی، تاریخ اسلام و گاهی فلسفه و کلام همت گماشت.



۱۳۵۰

همایش هزاره شیخ طوسی



حضرت آیت الله واعظ زاده خراسانی همچنین علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه، به فعالیت‌های فرهنگی دیگری اشتغال داشته که از جمله آن می‌توان به برگزاری کنگره هزاره شیخ طوسی در سطح جهانی در سال ۱۳۵۰ شمسی اشاره نمود که با شرکت علما و پیشوایان فرق مختلف اسلامی و عده‌ای از مستشرقین به مناسبت هزارمین سال ولادت شیخ طوسی برگزار گردید.

۱۳۹۵

عروج

سرانجام آیت الله واعظ زاده خراسانی صبحگاه روز یکشنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۹۵ در سن ۹۱ سالگی در مشهد درگذشت و در دارالعباده حرم امام رضا (علیه السلام) به خاک سپرده شد.



نگاهی به زیست فرهنگی
آیت الله محمد واعظ زاده
خراسانی

گاهشمار



۴۲

۱۳۲۱

حوزه علمیه مشهد

فراگیری دروس سطوح عالییه و دروس فلسفه و خارج فقه و اصول و معارف نزد استادان آن حوزه همچون: آیت الله سید یونس اردبیلی، آیت الله کفائی، آیت الله میرزا مهدی اصفهانی، آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی، آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی، آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی



۱۳۲۸

حوزه علمیه قم

در شهریور سال ۱۳۲۸ شمسی، به حوزه علمیه قم آمد و طی ۱۱ سال از درس های استادان بزرگ آن سامان و مراجع تقلید وقت همچون: آیت الله بروجردی، آیت الله سید محمد حجت، آیت الله سید صدرالدین صدر، آیت الله گلپایگانی، آیت الله اراکی و چند سال از درس اصول امام خمینی و از درس فلسفه سید محمد حسین طباطبایی استفاده نموده و در علوم نقلی و عقلی از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد.

۱۳۳۵

جامع الاحادیث شیعه

آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی در حوزه علمیه قم در تدوین کتاب «جامع احادیث الشیعه» نزد آیت الله بروجردی شرکت داشته است.



۱۳۳۳

اجازه نقل حدیث

آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی اجازه نقل حدیث را از شخصیت های بزرگ از جمله علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، علامه سمیانی، آیت الله رامهرمزی و اجازه شفاهی از آیت الله بروجردی اخذ نمود.



۱۳۲۰

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

محمد واعظ زاده خراسانی با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۰ به عنوان اولین دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی انتخاب شد. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در راه نزدیکی و تقارب میان فرق مختلف اسلامی از جمله شیعه و سنی واز بین بردن اختلافات ساختگی و تعصبات نادرست، فعالیت نموده، می کوشد میان مسلمین وحدت و الفت برقرار نماید.



۱۳۷۱

تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی

دانشگاه مذاهب اسلامی با ابتکار و اشراف وی در تهران تأسیس گردیده است. چند ماه پس از مرگ ایشان یعنی در اسفندماه ۱۳۹۵ کتابخانه دانشگاه مذاهب اسلامی طی مراسمی به نام مؤسس فقید دانشگاه مرحوم آیت الله واعظ زاده خراسانی نامگذاری شد.

۱۳۸۶

برنده جایزه جهانی کتاب سال

از دیگر افتخارات استاد واعظ زاده خراسانی کسب جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بخش پژوهشگران برتر در حوزه اتحاد ملی و انسجام اسلامی سال ۱۳۸۶ شمسی بوده است.



۱۳۸۲

شخصیت ماندگار سال

یکی دیگر از افتخارات استاد واعظ زاده خراسانی کسب عنوان چهره ماندگار سال در سال ۱۳۸۲ شمسی بوده است.

۱۳۸۱

استاد نمونه کشوری

یکی از افتخارات استاد واعظ زاده خراسانی کسب مقام استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۱ شمسی بوده است.

یادنامه ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت الله
محمد واعظ زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۴۳



مروری بر سیر علمی و فکری
آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

از تحصیل در حوزه تا تدریس در دانشگاه

آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی مؤسس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و اولین دبیرکل آن بود. وی در زندگی پرفراز و نشیب خود تلاش وافر را زمینه اتحاد امت اسلامی در مقابل دشمنان مسلمانان و در راه دفاع از سرزمین‌های اسلامی با باز نمودن شعار اتحاد و تقریب پیروان مذاهب اسلامی به انجام رسانیده است. آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر با ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۳ قمری در شهر مشهد مقدس در یک خانواده مذهبی و روحانی - که تا چند نسل از وعظ نامی خراسان بوده‌اند - دیده به جهان گشود. او پس از گذراندن دوره مکتبخانه و مدرسه در سال ۱۳۱۸ شمسی، همراه پدرش، مرحوم حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی راهی نجف اشرف شده و تا اواسط سال ۱۳۲۱ شمسی، در آنجا ادبیات، مقدمات و سطوح ابتدایی فقه و اصول را فراگرفت. در این سال به مشهد مراجعت نمود و در حوزه علمیه مشهد تحصیلات حوزوی را تا سال ۱۳۲۸ شمسی، در رشته‌های مختلف علوم اسلامی اعم از نقلی و عقلی و معارف و نیز سطوح عالی و بخش‌هایی از درس خارج فقه و اصول را نزد استادان آن حوزه همچون آیت‌الله سید یونس اردبیلی، آیت‌الله کفائی، آیت‌الله میرزاهمدی اصفهانی، آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی، آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی، آیت‌الله حاج شیخ کاظم دامغانی و دیگران طی نمود.



۴۴

معارف اسلامی کنونی) به تدریس مشغول شد. او در زمینه‌های تفسیر قرآن، فقه، فقه‌الحدیث، تاریخ تفسیر، تاریخ حدیث، تاریخ علوم عقلی، تاریخ فقه، قواعد فقه، تاریخ علوم اسلامی، تاریخ اسلام و گاهی فلسفه و کلام به تدریس و ارشاد دانشجویان همت گماشت و سال‌ها به‌عنوان استاد تمام وقت دانشگاه به تربیت نسل جوان این مرز و بوم پرداخت. چندی هم در دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و نیز در دانشگاه تربیت مدرس و دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس کرده است.

◀ فعالیت‌های فرهنگی

وی همچنین علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه، به فعالیت‌های فرهنگی دیگری اشتغال داشته که فهرست‌وار چنین می‌تواند اشاره کرد: برگزاری کنگره هزاره شیخ طوسی در سطح جهانی در سال ۱۳۵۰ شمسی، با شرکت علما و پیشوایان فرق مختلف اسلامی و عده‌ای از مستشرقین (به مناسبت هزارمین سال ولادت وی)، سرپرستی نشریه دانشگاه الهیات مشهد، همکاری با مجله آستان قدس رضوی و بعدها تصدی مسئولیت و مدیریت آن، شرکت در کنگره‌های مختلف در داخل و خارج کشور، قبل و بعد از انقلاب اسلامی که در یکی از همین کنگره‌ها ایجاد «مجمع تقریب» پیشنهاد و با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی دبیرکلی آن به‌عهده وی گذاشته شد و تا سال ۱۳۸۰ شمسی نیز در این سمت مهم فرهنگی به هدایت فعالیت‌ها

◀ هجرت به قم

در شهریور سال ۱۳۲۸ شمسی، به حوزه علمیه قم آمد و طی ۱۱ سال از درس‌های استادان بزرگ آن سامان و مراجع تقلید وقت همچون آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله سید محمد حجت، آیت‌الله سید صدرالدین صدر، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله اراکی و چند سال از درس اصول امام خمینی(ره) و از درس فلسفه سید محمد حسین طباطبایی استفاده نموده و در علوم نقلی و عقلی از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. همچنین اجازه نقل حدیث را از شخصیت‌های بزرگ از جمله علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، علامه سمنانی، آیت‌الله رامهرمزی و اجازه شفاهی از آیت‌الله بروجردی اخذ کرد. وی در حوزه علمیه قم در تدوین کتاب «جامع احادیث الشیعه» نزد آیت‌الله بروجردی شرکت داشته است و نیز ایشان از مؤسسين و نویسندگان مجله قدیمی و پربار «درس‌هایی از مکتب اسلام» بوده و همراه بزرگان حوزه - که برخی اکنون مرجع تقلید هستند، از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله اردبیلی، آیت‌الله نوری همدانی - در تئور افکار مردم خصوصاً نسل جوان می‌کوشیدند.

◀ تدریس در دانشگاه‌های مشهد

یکی از پربارترین دوره‌های زندگی ایشان مربوط به زمانی است که از سال ۱۳۳۹ شمسی، به جهت تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از ایشان دعوت به‌عمل آمد و با تشویق آیت‌الله شهید دکتر بهشتی در دانشکده معقول و منقول سابق (دانشکده الهیات و

آثار

از ایشان آثاری چند به رشته تحریر در آمده که به شرح ذیل است:

- ۱- تصحیح و تحقیق دو کتاب «المقنع والهدایة» از شیخ صدوق
- ۲- شرکت در تألیف «جامع احادیث الشیعه»
- ۳- تحقیق و ترجمه کتاب «الجمال والعقود فی العبادات» از شیخ طوسی
- ۴- گردآوری، تصحیح و انتشار مقالات کنگره شیخ طوسی در سه جلد
- ۵- تحریر مقالات فراوان در مجلات مکتب اسلام، نشریه دانشکده الهیات، نشریه مشکوة به زبان فارسی و در مجله‌الرشاد، رساله‌القرآن، رساله‌الثقلین، رساله‌التقریب به زبان عربی
- ۶- سخنرانی‌ها و تحقیقاتی درباره استاد مطهری که در یادنامه‌های ایشان و نیز در کتاب «سه گفتار درباره استاد شهید مطهری» چاپ شده است.
- ۷- سخنرانی‌ها و مقالات راجع به وحدت و تقریب که بخشی از آنها در کتاب «ندای وحدت» چاپ شده است
- ۸- مصاحبه‌های فراوان که بخشی از آنها در کتاب پیام وحدت و ویژه‌نامه‌های کنگره‌های وحدت و مجله حوزه و ویژه‌نامه‌های علامه جعفری و آقای فلسفی و جز اینها چاپ شده است
- ۹- تقریرات درس استادان وی در مشهد و قم در فقه و اصول در چند مجلد
- ۱۰- مقالاتی راجع به امام و انقلاب در کتاب «امام خمینی و انقلاب اسلامی»

- ۱۱- مقدمه و تقریب بر کتاب‌هایی چند از جمله مقدمه مفصل سلسله کتب رجالیه آیت‌الله بروجردی که زیر نظر استاد واعظ‌زاده در مشهد چاپ شده است. و نیز مقدمه «الرسائل العشر» از شیخ طوسی که از سوی انتشارات جامعه مدرسین در قم چاپ گردیده است، مقدمات «تفسیر هدایت»، ترجمه «جوامع الجامع فرهنگ لغات قرآن»، «فروغ قرآن»، «امیرالمؤمنین اسوه وحدت»، «کلمات قرآن» و کتاب «رسول الله از شیخ ابوزهره» و «فهرست» شیخ طوسی و «رجال کشی» چاپ دانشگاه مشهد به فارسی و مقدمه کتاب «قوارع القرآن»، «ناصریات»، «کنز العرفان»، «بداية‌المجتهد»، «المعجم فی فقه لغة‌القرآن»، «نصوص فی علوم القرآن»، «نصوص فی الاقتصاد الاسلامی»
- ۱۲- طرح و اشراف و مؤلف اصلی کتاب «المعجم فی فقه لغة‌القرآن و سر بلاغته» که زیر نظر وی در گروه قرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی در دست تألیف و یک جلد از آن چاپ شده و جلد ۲ و ۳ در دست چاپ است
- ۱۳- طرح و اشراف و مشارکت در تألیف کتاب «نصوص فی الاقتصاد الاسلامی کتابا و سنة و فقهها» که در گروه اقتصاد اسلامی آن بنیاد تألیف و تاکنون ۱۶ مجلد از آن چاپ شده است و بقیه در شرف چاپ است
- ۱۴- طرح و اشراف و مشارکت در تألیف کتاب «نصوص فی علوم القرآن» که در گروه قرآن آن بنیاد در دست تألیف است
- ۱۵- گردآوری احادیث عترت از طرق اهل سنت با شرکت دیگران که در قم زیر چاپ است
- ۱۶- کلیاتی در تاریخ فقه که بخشی از آن در مجله دانشکده الهیات مشهد چاپ شد و همچنان ادامه دارد

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۴۵

عربی منتشر می‌شد که حاوی مقالات و سخنرانی‌های عربی ایشان بود. همچنین کتاب‌هایی چند در مرکز تحقیقات قم وابسته به این مجمع با اشراف وی و بعضی از آنها با مقدمه ایشان تألیف و تحقیق شد.

«دانشگاه مذاهب اسلامی» در تهران با ابتکار و اشراف آیت‌الله واعظ‌زاده تأسیس شد. ایشان در هیأت‌های امنای دانشگاه مذاهب اسلامی، مدرسه عالی شهید مطهری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی و در شورای عالی کتابخانه ملی عضویت داشت و نیز چندی با سازمان سمت همکاری می‌کرد، علاوه بر اینها گروه‌های قرآن و اقتصاد اسلامی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تحت مدیریت ایشان بود.

افتخارات

استاد نمونه کشوری (سال ۱۳۸۱ شمسی)
چهره ماندگار (سال ۱۳۸۲ شمسی)
برنده جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۸۶ شمسی)

درگذشت

آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی صبحگاه روز یکشنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۹۵ در سن ۹۱ سالگی در مشهد درگذشت و در دارالعباده حرم امام رضا (علیه‌السلام) به خاک سپرده شد.

و اهداف آن همت گماشت. وی از اعضای شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به‌شمار می‌آید. ایشان از بسیاری از کشورهای اسلامی دیدار و با اندیشمندان و شخصیت‌های برجسته جهان اسلام تماس حاصل کرده و در کنگره‌ها سخنرانی نموده است.

تأسیس مجمع جهانی تقریب

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در راه نزدیکی و تقارب میان فرق مختلف اسلامی از جمله شیعه و سنی و از بین بردن اختلافات ساختگی و تعصبات نادرست فعالیت کرده، می‌کوشد میان مسلمین وحدت و الفت برقرار نماید. از سوی این مجمع مجله «رساله‌التقریب» به اشراف وی به زبان



تأملی بر آثار و آرای آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

سپهر فرزادگی

شکیبا امیرخانی

آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، به‌عنوان اندیشمندی شناخته می‌شود که علاوه بر مدیریت علمی، در حیطه نگارش و تدوین کتب علمی هم از خود کارنامه پربراری به جا گذاشته است. آثار متعدد ایشان در حوزه‌های مختلف علوم قرآنی، حدیث، فلسفه، تاریخ، تراجم، اقتصاد اسلامی و... از منابع مرجع برای محققان این حوزه‌ها به‌شمار می‌رود. همچنین مدیریت چند طرح عظیم پژوهشی را می‌توان به سوابق علمی ایشان افزود. این سوابق علمی و عملی، ایشان را به یکی از صاحب‌نظران ممتاز حوزه علوم قرآنی و تفسیر بدل کرده است.



۱. کتب قرآنی

۱-۱. الموسوعة القرآنية الكبرى: المعجم في فقه لغة القرآن و سبب بلاغته

این کتاب موسوعه‌ای عربی در لغات، مفاهیم و اسرار بلاغی قرآن مجید است که تاکنون در بیش از ۴۶ مجلد، به چاپ رسیده است. این مجموعه دربردارنده نصوص لغوی و تفسیری، وجوه قرآن، اختلاف قرائات و معضلات اعراب، به انضمام تحقیقاتی بی‌سابقه و وسیع در فقه‌اللغه قرآن و اسالیب آن است و طالبان تفقه در الفاظ قرآن را از سایر کتب لغت، تفسیر، غریب‌القرآن، وجوه‌القرآن و اعجاز و بلاغت قرآن، بی‌نیاز می‌کند. نام کتاب حکایت از محتوای آن دارد. این عنوان از نام کتاب ابومنصور ثعالبی، دانشمند قرن چهارم و پنجم «فقه‌اللغة و سبب‌العربیة» اقتباس شده است. از این عنوان دانسته می‌شود که قرآن خود دارای فقه‌اللغة خاصی است که با اعجاز آن در ارتباط است و این همان چیزی است که قدما و پیش از همه جاحظ، از آن به نظم قرآنی و متأخران به «البیان القرآنی» یا «الاعجاز البیانی» تعبیر کرده‌اند.

این کتاب از یک سو در شمار کتب «غریب القرآن» و «مفردات القرآن» است و از سوی دیگر زیرمجموعه کتب «اعجازالقرآن» قرار می‌گیرد. از طرفی می‌توان این کتاب را یک تفسیر موضوعی به حساب کلمات نیز نامید و آن را در زمره کتاب‌های «اعلام‌القرآن» نیز به‌شمار آورد، چه آنکه هریک از اعلام قرآن در این کتاب، به ترتیب حروف معجم، در جای خود مورد بحث قرار گرفته است. امتیازات این اثر تحقیقی را چنین می‌توان برشمرد:

۱- گردآوری نصوص لغوی مهم در زمینه لغات مذکور در قرآن، از قدیمی‌ترین معاجم لغوی به ترتیب زمان زندگی مؤلفان تا زمان حاضر؛ بی‌تردید این ویژگی نوعی ابتکار در علم لغت عرب و تطور آن درخصوص لغات قرآن محسوب

می‌شود که مفسران را از رجوع به کتاب‌های لغت بی‌نیاز می‌سازد.
۲- گردآوری نصوص تفسیری راجع به هر لغت، به ترتیب مذکور در بند اول؛ بدین ترتیب سیر تفسیر هر لغت روشن می‌شود و محقق از رجوع به تفاسیر مفصل و بدون فهرست بی‌نیاز می‌گردد.
۳- دربرداشتن فقه‌اللغه هر واژه قرآنی از لحاظ لفظ و معنا، جهت دستیابی به ریشه کلمه و معنای اصلی که مادر سایر معانی است.
۴- شناخت مشتقات هر واژه قرآنی و سبب‌تنوع آنها در قرآن با رعایت مناسبت‌های لفظی و معنوی.
۵- گردآوری همه نصوص متفرقه وجوه و نظائر در کتاب‌های «وجوه‌القرآن» با رعایت ترتیب زمانی که پژوهشگران را از مراجعه به این کتاب‌ها بی‌نیاز می‌کند.
۶- شرح اعلام قرآنی از لحاظ لفظ و معنا و مباحث تفسیری و تاریخی مربوط به آنها، از جمله آنچه در معاجم یهود و نصاری آمده است و کوشش در شناخت درست اعلام قرآنی.

شاید بتوان شاخص‌ترین امتیاز این کتاب را شرح و توضیح سبب اعجاز قرآنی در کلمات و شیوه به‌کارگیری آنها دانست. در این معجم، حجم کلمات هر ماده به حسب اهتمام قرآن به آن، اندازه‌گیری می‌شود. گاهی لفظ یا ماده‌ای زیاد و گاهی کم و حتی فقط یک بار در قرآن آمده است، یا آنکه یک معنا یا الفاظ گوناگون آمده که بررسی آنها ما را به اسراری آگاه می‌کند. به‌طور کلی در این بحث که از آن با عنوان «الاستعمال القرآنی» تعبیر شده، سبب اعجاز کلمه و رمز سیاق قرآن نهفته است و به این کیفیت در مآخذ دیگر مانند کتب «مفردات» و «اعجاز القرآن» وارد نشده است. بدین ترتیب بابت جدید و شیوه‌ای نو در فهم قرآن و اطلاع از اسرار بلاغی آن گشوده شده و علمی به علوم قرآن به نام «علم فقه لغت قرآن» افزوده شده است.



۴۶



یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظزاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۴۷

علوم قرآنی وجود دارد، اما آنها کافی نیست، بلکه باید به همه کتب تفسیر و بلاغت و تاریخ و فهرست، بخصوص فهرست با ارزش ابن ندیم سرزد و از لایه‌های آنها هرچا نصی و نقلی راجع به یکی از مباحث علوم قرآن یافت می‌شود، آنها را جمع کرد و این کاری است که در این کتاب صورت گرفته است و امتیاز آن به حساب می‌آید.

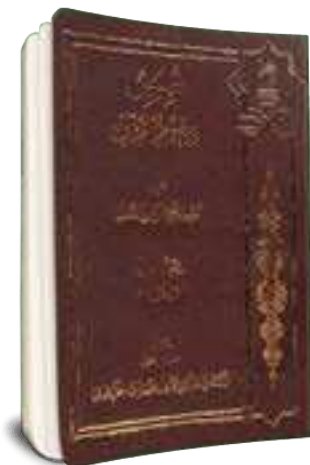
ممکن است گفته شود این اقوال، نظرات و روایات در چند کتاب علوم قرآنی مبسوط از جمله کتاب معتبر «الاتقان فی علوم القرآن» اثر سیوطی آمده است و دیگر نیاز به تألیف و جمع‌آوری آنها نیست. در پاسخ به این اشکال باید گفت: بیشترین نصوص مربوط به علوم قرآنی در کتاب‌های حدیث و تفسیر آمده که در جایی گردآوری نشده است. از طرفی مؤلفان علوم قرآنی اکثراً از اهل سنت بوده و از روایات و اقوال علمای شیعه بی‌اطلاع بوده‌اند. در این کتاب آرا و نظرات شیعه در کنار اقوال علمای اهل سنت آمده است که بهترین وسیله برای مقارنه و مقایسه میان این دو مذهب در بعد علوم قرآنی است و در حقیقت این کتاب یک نوع علوم قرآن مقارن محسوب می‌شود.

قسم اول این کتاب درباره نزول قرآن است که به کیفیت نزول، اولین و آخرین آیات نازل شده و ترتیب نزول سوره‌های مکی و مدنی پرداخته است. در قسمت دوم بحث از جمع قرآن و مصاحف و قرائت‌ها مطرح شده است. به همین ترتیب موضوعات مختلف قرآنی از یکدیگر تفکیک و نصوص مربوط به هر موضوع به ترتیب سیر زمانی، از قدیمی‌ترین نص موجود آغاز شده و تا عصر حاضر امتداد یافته است. از آنجا که آنچه از یک دانشمند نقل می‌شود، اعم از نظرات شخصی او و منقولات وی از دیگران است، عنوان جامعی در نظر گرفته شده است که شامل همه آرا و اقوال مضبوط در یک اثر باشد برای مثال «ما عند البخاری فی کیفیت النزول»، «ما عند الطبری فی کیفیت النزول»...

۲-۱. نصوص فی علوم القرآن

مقصود از «نصوص» کلیه آرا، روایات و اقوالی است که در کتاب‌های تفسیر، علوم قرآن، حدیث، تاریخ قرآن و... درباره مباحث علوم قرآنی وجود دارد و این آرا از کتب اهل سنت و شیعه، تنها با رعایت سیر زمانی و بدون در نظر داشتن هیچ امتیاز دیگر گرد آمده است.

این کتاب با هدف جمع‌آوری آرا و کمک به محققان نوشته شده است، تا پژوهشگران بدون صرف وقت در جست‌وجوی مطالب، همه را یکجا و آماده برای تحقیق خویش بیابند. بدیهی است بیشترین اقوال در مقدمات تفاسیر و در کتب





۲. کتب فقهی

مورد نظر قرار گرفته است. همین رویه در کتب تفسیری و حدیثی نیز پیگیری شده است؛ به گونه‌ای که در حوزه تفسیر «التبیان» شیخ طوسی و «الجامع لأحكام القرآن» قرطبی مورد استناد قرار گرفته و در حوزه احادیث، به کتبی نظیر «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» در کنار کتاب «کنز العمال» متقی هندی، از محدثان بزرگ اهل سنت، مراجعه شده است.

در آثار فقهی امامیه پس از تفکیک ادوار فقهی، به ۱- دوره متقدمان، از عصر غیبت (۳۲۹) تا زمان درخشش محقق حلی، ۲- دوره متأخران از وفات محقق حلی (۶۷۲) تا زمان درخشش شهید ثانی، ۳- دوره متأخر متأخران، از وفات شهید ثانی (۹۶۵) تا درخشش ابوالحسن اصفهانی (۱۳۷۵) و ۴- عصر حاضر، برجسته‌ترین کتب و آثار فقهی که بتوان نمونه‌ای از آرا و اقوال اغلب فقیهان امامیه را از خلال مطالعه آنها دریافت، مورد استناد قرار گرفته است. به موازات منابع فقهی شیعه، مهم‌ترین آثار مکتوب فقهی اهل سنت نظیر «المغنی»، «الام» و «بدایة المجتهد» مطالعه شده و مقارنه میان آرا و اقوال فقیهان به عمل آمده است. این مجموعه در ۱۶ مجلد به چاپ رسیده و همه ابواب فقهی مرتبط با اموال و معاملات نظیر بیع، اجاره، مضاربه، جعاله، موارث و... را دربر گرفته است. ترجمه و تحقیق «الجمل و العقود فی العبادات» شیخ طوسی، تصحیح و تحقیق «المقنع» و «الهدایة» شیخ صدوق و آثاری نظیر آنها، نیز از دیگر آثار فقهی ایشان است.



کتاب فقهی «نصوص الاقتصاد الاسلامی؛ کتاباً و سنهً و فقهاً» یکی از مهم‌ترین آثار آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی است. این کتاب با هدف جمع‌آوری مصادر و نصوص اصلی مرتبط با اقتصاد اسلامی به رشته تحریر درآمده و شامل آیات و تفاسیر آنها و روایات و نصوص فقهی متعلق به مسائل مالی و اقتصادی است و همه ابواب فقهی مربوط به معاملات و اموال را دربر می‌گیرد.

جامعیت این کتاب پژوهشگران را از مراجعه مستقیم به بسیاری از مصادر بی‌نیاز می‌کند؛ زیرا در حوزه‌های مرتبط با اموال و معاملات، تلاش شده است نصوص اصلی مورد نیاز از کتاب، سنت و فقه، از منابع اصلی همه مذاهب اسلامی گردآوری شود و در اختیار محققان قرار گیرد. بنابراین جمع‌آوری آرا، اقوال و فتاوی فرق مختلف اسلامی که محقق را به کتب و منابع اصلی هر فرقه رهنمون می‌کند، از امتیازات بارز این کتاب است و از این رو کتاب حاضر را می‌توان یکی از واسطه‌های سریع دستیابی به نصوص اصلی اسلامی در حوزه فقه معاملات و اموال نامید. چنانکه گفته شد، رویکرد این کتاب در گردآوری نصوص مربوط به حوزه فقه معاملات، توجه به آرا و اقوال همه مذاهب فقهی است. از این رو در حوزه کتاب، سنت و فقه استدلالی جنبه مقارنه به خوبی لحاظ شده است. در زمینه مطالعه آیاتی که خطوط کلی معاملات و اقتصاد اسلامی را می‌نمایانند، کتاب «کنز‌العرفان» فاضل مقداد، از دانشمندان بزرگ شیعی، و کتاب «احکام القرآن» ابوبکر جصاص، از علمای بزرگ اهل سنت



۳. کتب تقریبی

۳-۲. ندای وحدت

موضوع این کتاب گفتارها و سخنرانی‌های آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی در رابطه با «وحدت اسلامی» پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران در سال ۱۳۷۰ است. در مقدمه این کتاب به قلم ایشان آمده است:

«وقتی ستاد نماز جمعه تهران از من دعوت کرد، مناسب‌ترین و مهم‌ترین موضوع را مسأله وحدت اسلامی تشخیص دادم. پس بحث خود را با یک مقدمه که شامل فهرست و مطالب مربوط به وحدت اسلامی بود، آغاز کردم.»

اگرچه استاد با توجه به ترتیب موضوعی، سلسله بحث‌های خود را در ۱۰ گفتار پیش‌بینی کرده بودند و به شایستگی از عهده طرح هر بحث در فرصتی کوتاه همچون خطبه‌های نماز جمعه برآمدند، اما با توجه به ناتمام ماندن کل بحث و نیاز به تکمیل آن، نگارش موضوع یازدهم را نیز عهده‌دار شدند، بنابراین کتاب در ۱۱ گفتار تنظیم شد.

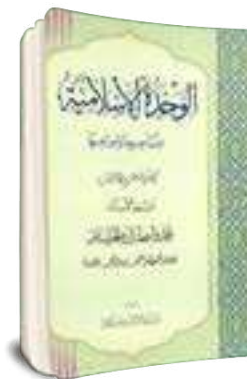
مسأله تجرید اختلافات مذهبی از سیاست‌های گذشته، پیشنهاد و راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی، از جمله مهم‌ترین موضوعات طرح شده در کتاب حاضر است.



از آیت‌الله واعظ‌زاده در حوزه تقریب نیز آثار ارزشمندی برجای مانده است:

۳-۱. الوحدة الإسلامية؛ عناصرها و موانعها (مجموعه من المقالات و المحاضرات)

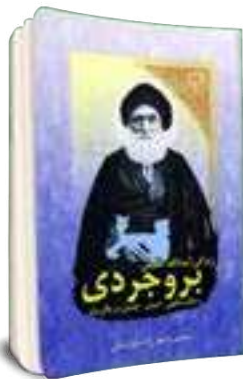
آنچنان که از نام و محتوای کتاب روشن است، ضرورت تحقق وحدت اسلامی، محور و هدف نوشتار قرار گرفته است. کتاب در چهار بخش تنظیم شده که در بخش نخست آن، از عناصر و موانع وحدت، همچنین چشم‌اندازها و خطرات تهدیدکننده جهان اسلام، صحبت شده است. در بخش دوم تقریب میان مذاهب اسلامی با تأکید بر مشترکات فقهی، به‌عنوان یکی از راهکارهای وقوع وحدت اسلامی معرفی شده و در بخش سوم حج به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های مهم برای تحقق وحدت، مورد بحث قرار گرفته است و در نهایت در بخش آخر کتاب، حقیقت اسلام، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل وحدت‌بخش، معرفی شده و مورد بررسی قرار گرفته است.





۴. کتب تاریخی و شرح حال

مهم‌ترین کتاب در این موضوع «زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی و مکتب فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی وی» است. کتاب حاضر در اصل، گزارش روشنی است از دو اثر علمی از آثار پیشوای بزرگ اسلام، شیخ مشایخ زمان، استاد مدرسان و مراجع عصر، آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (ره). این دو اثر ارزشمند، پایه و اساس فقه امامیه است. یکی موسوعه و مجموعه «جامع احادیث الشیعة فی احکام الشریعة» که حاوی تمام احادیث فقهی است و دیگری سلسله آثار رجالی استاد، که جدیدترین و کامل‌ترین دستمایه شناخت راویان حدیث است. آیت‌الله واعظزاده از آنجا که در تألیف اثر اول شرکت و در طبع و نشر دومی مباشرت داشته‌اند،



معرفی آن دو را به طالبان سه فن فقه، حدیث و رجال بر ذمه خود دانسته‌اند و با سابقه شاگردی ۱۱ ساله ایشان در محضر آیت‌الله العظمی بروجردی، احساس وظیفه کرده‌اند که خاطرات و اطلاعات ارزشمند و فراوان خود را از شخصیت ایشان، مانند امانتی به دیگران منتقل کنند.

نسخه فارسی این کتاب در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است. پس از آن در سال ۱۳۸۵ نسخه عربی همین کتاب با نام «حیة الامام البروجردی و آثاره العلمیة و اتجاهه فی الفقه و الحدیث و الرجال» با اندکی تفاوت در ساختار، به چاپ رسید. در کتاب حاضر می‌توان با دیدگاه‌های آیت‌الله بروجردی در خصوص تقریب مذاهب اسلامی نیز آشنا شد.



۵. مجموعه مقالات

۱-۵. دراسات و بحوث

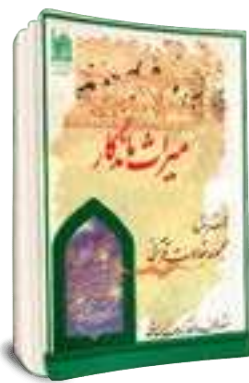
کتاب «دراسات و بحوث» مجموعه مقالات و مطالعات آیت‌الله واعظزاده به زبان عربی است که در دو جلد به شرح ذیل گردآوری شده است: جلد اول این کتاب مشتمل بر هفت فصل است که مقالاتی در باب قرآن، سنت نبوی، علم رجال و فقه و اصول را در خود جای داده است. در فصل ششم کتاب، مقالات تاریخی ایشان با تأکید بر جلوه‌های تقریب نزد ائمه (ع) و علمای شیعه و سنی در مناطق بصره، کوفه و بغداد، گردآوری شده است. فصل پایانی جلد اول نیز به مکاتبات میان آیت‌الله واعظزاده و شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مفتی عربستان سعودی، اختصاص داده شده است. جلد دوم هم مشتمل بر مقالاتی است که ایشان به زبان فارسی نوشته‌اند و در این کتاب به عربی ترجمه شده است. این جلد از کتاب دربردارنده مقالاتی در حوزه‌های علوم قرآنی، اقتصاد اسلامی، تقریب مذاهب اسلامی و تاریخ فقه و فقه است.



۲-۵. میراث ماندگار

میراث ماندگار، مجموعه مقالات فارسی و عربی و نیز سخنرانی‌های عربی استاد است که برحسب موضوع دسته‌بندی شده است. این مقالات و سخنرانی‌ها، در چند مجله از جمله «رساله التقرب»، نشریه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، «رساله الثقلین»، نشریه مجمع جهانی اهل بیت (ع) و... منتشر شده است.

خود ایشان در مقدمه جلد اول، در ارتباط با «میراث ماندگار» چنین می‌گویند: «مقالاتی که در طول بیش از ۵۰ سال منتشر شده و سخنرانی‌هایی که در همین مدت در مجامع گوناگون و کشورهای داخل و خارج موضوعات متنوع قرآنی، حدیثی، تاریخی، فلسفی، فقهی، کلامی و ولایی در توصیف اهل بیت (ع)، یا



گزارش سفرها و کنگره‌ها یا در معرفی کتاب‌هایی مانند کتاب کافی کلینی و نهج البلاغه سید رضی، همچنین شرح حال بزرگان و علمای اسلام یا خاطرات شخصی خودم از حوادث و وقایع مهم از جمله فاجعه مسجد گوهرشاد که تاکنون چاپ نشده است.

همه این آثار که به نام «میراث ماندگار» در چند مجلد منتشر می‌شود، در حقیقت حاصل زندگی علمی و فرهنگی من است. تجربه یک عمر تلاش علمی در حوزه‌های علمیه مشهد، قم و نجف و در دانشگاه مشهد و چند دانشکده در تهران و همچنین تجربه ۱۱ ساله اینجانب در سمت دبیر کلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و دانشگاه مذاهب اسلامی وابسته به آن مجمع است.»



۳-۵. امام خمینی و انقلاب اسلامی

بخش عمده این کتاب به مقالات پیرامون امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران اختصاص دارد، هرچند به گفته استاد: «چند مقاله هم راجع به جهان اسلام است که آنها نیز در فضای انقلاب اسلامی و در راستای حاکمیت انقلاب و الهام‌گرفته از افکار بلند امام خمینی (ره) و به‌منظور پیاده کردن آرمان‌های والی آن امام بزرگوار نوشته شده است.»

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظزاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۴۹



سلوک معرفتی آیت‌الله واعظ‌زاده به روایت خود ایشان

غیبت یک شخصیت؛ حضور یک میراث

بازخوانی مصاحبه‌ای از آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی درباره تجربه ایشان از سه حوزه علمیه نجف، قم و مشهد



۵۰

تهیه و تنظیم: حمید حبیبی

«مجله حوزه» در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ در ۴ شماره متوالی (۴۱ تا ۴۶)، مصاحبه مفصلی با آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی انجام داد که بازخوانی فرازهایی از آن، بعد از ۳۳ سال، خالی از لطف نیست. از خلال این گفت‌وگوها که آیت‌الله واعظ‌زاده به شرح مفصل زندگینامه خود می‌پردازد، می‌توان به فرهنگ حوزه در آن دوره و مقایسه شیوه علمی و مراودات حوزوی در سه حوزه علمیه نجف، قم و مشهد رسید. روایت دقیق ایشان از عالمان آن دوره و نوع تعامل و مواجهه‌شان با وقایع سیاسی-اجتماعی، برای پژوهشگران فرهنگ و عالمان علوم اجتماعی و حتی تحلیلگران تاریخ حوزه علمیه، نکات درخور تأمل بسیاری دارد. ذکر خاطرات ایشان از آیت‌الله بروجردی و همکاری علمی با او، از فرازهای خواندنی این مصاحبه است.

حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی فرزند حاج ملا احمد واعظ خراسانی فرزند حاج محمدحسین واعظ مشهدی فرزند محمدحسن مدرس از واعظ مشهور بودند. آن مرحوم هفتاد سال تمام به وعظ و ارشاد مردم مسلمان و مؤمن این دیار اشتغال داشتند. وی در منبر، کهنه‌کار و دارای سبک و روشی خاص بود. روش وی در منبر چنین بود که پس از ذکر آیات و روایات برای روشن شدن مطلب و هر چه بهتر فهمیدن مردم، داستان نقل می‌کرد و وارد مباحث علمی می‌شد. ساده و روان سخن می‌گفتند. شمرده‌شمرده مطلب را ادا می‌کرد. پیوسته و مسلسل‌وار سخن نمی‌گفت. ایشان دارای حافظه قوی بود، از این روی محفوظات ایشان زیاد بود. آخوند خراسانی رحمه‌الله از پدرم بسیار تجلیل می‌کرده

لطفاً شرح کوتاهی از زندگی تحصیلی و علمی خود بیان

دارید.

دوران کودکی مشهد بودم. برای تحصیل به حوزه علمیه نجف رفتم. بعد از بازگشت از نجف، در حوزه علمیه مشهد مشغول به تحصیل شدم، سپس در حوزه علمیه قم تحصیل را ادامه دادم و دوباره به مشهد مقدس بازگشتم. بنده در سال ۱۳۰۴ برابر ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۳ قمری در مشهد مقدس در یک خانواده مذهبی و روحانی دیده به جهان گشودم. پس از گذراندن دوره مکتبخانه و مدرسه، عازم تحصیل در حوزه علمیه مشهد شدم که ناگهان اوضاع دگرگون شد. در اینجا مفید می‌دانم شمه‌ای از زندگی علمی و تبلیغی پدر بزرگوارم مرحوم شیخ مهدی واعظ خراسانی را بیان کنم: پدرم مرحوم



یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۵۱

می‌کرد. وقتی در زمان رضاخان، روحانیت را محدود و اعلان کردند هر کس می‌خواهد منبر برود باید یکی، دو نفر از بزرگان اهل منبر تأیید کنند که او محدث است، مرحوم ابوی برای حفظ معممین و مناظر برای کسی که حتی دو شعر می‌توانست بخواند امضا می‌کرد که او محدث است. وقتی اعتراض می‌کردند که چرا برای این افراد امضا می‌کنید، می‌گفتند: شعر نیز در حدیث آمده است! اکثر اجازه‌های اجتهاد مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی نیز به خاطر حفظ معممین بود؛ زیرا رضاخان گفته بود هر کس اجازه اجتهاد دارد، می‌تواند عمامه سرش بگذارد. آن هنگام در مشهد جز سه نفر از جمله مرحوم نهاوندی، مرحوم سبزواری و حاج میرزا احمد آقازاده، کسی عمامه بر سرش نبود. مرحوم ابوی در سال‌های آخر عمر ایام محرم و صفر در تهران منبر می‌رفتند. منبرایشان در این شهر شدیداً مورد استقبال قرار گرفته بود. شنیدم آقای فلسفی روش ایشان را در منبر می‌ستودند و می‌گفتند: این سبک و روش ایشان کم‌کم دارد فراموش می‌شود؛ لذا باید بدان اهمیت داد و از فراموشی آن جلوگیری کرد.

◀ از مبارزات علمای مشهد علیه کشف حجاب توسط رضاخان اگر مطلبی به خاطر دارید، بیان بفرمایید.
رضاخان دستور کشف حجاب داده بود. مأموران دستگاه، چادر از سر زنان می‌کشیدند. مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین قمی رحمه‌الله علیه که در آن زمان از علمای سرشناس و بلکه از مراجع تقلید مشهد بودند به تهران مسافرت کردند تا

است. در سفری که مرحوم ابوی به نجف اشرف مشرف شده بودند با اینکه منبری جوانی بوده‌اند به توصیه مرحوم آخوند در صحن حضرت امیر(ع) بین در بازار بزرگ و در طوسی که مسجد خضرا در آنجا واقع است، شب‌ها منبر می‌رفت.
آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی رحمه‌الله علیه که از مراجع بزرگ بودند به مرحوم ابوی بسیار علاقه داشتند و هر سال ماه مبارک رمضان از آن مرحوم برای منبر دعوت می‌کردند. سالیان متمادی آن مرحوم در نجف اشرف منبر می‌رفتند. مستمعین و مجالس گوناگونی داشتند از این روی برای هر گروهی مطالبی مخصوص به آن گروه و درخور فهم آنان تهیه می‌کرد و این روش همیشگی ایشان بود. مرحوم آقا سید ابوالحسن به لحاظ علاقه خاص، او را به طور خصوصی می‌پذیرفت و ملاقات‌های خصوصی فراوانی با هم داشتند و من نیز گاهی در این ملاقات‌ها شرکت می‌کردم.
مرحوم ابوی در ماه محرم در کربلا منبر می‌رفتند و مجالس آنجا را اداره می‌کردند از جمله در مجلس‌هایی که در منزل آیت‌الله آقا سید ابوالحسن و مرحوم آیت‌الله قمی برگزار می‌شد به وعظ می‌پرداخت.

در زمان جوانی به بخارا هم مسافرت کرده است. امیر بخارا در آن زمان شیعه و از مریدان مرحوم آخوند خراسانی بود. امیر بخارا کمک‌های زیادی به حوزه‌های علمیه می‌کرد از جمله مرحوم آخوند با کمک امیر بخارا یک مدرسه بسیار مجلل ساختند.

مرحوم ابوی به عنوان یک روحانی سیاسی مطرح نبود، ولی علیه کارهای ضداسلامی رضاخان مثل کشف حجاب و... سخنرانی

**مرحوم ابوی چهار سال
مخفیانه در منزل به سر
بردند تا اینکه علما در
تهران آزاد شدند. در این
زمان بود که مرحوم ابوی از
مخفیگاه بیرون آمد. پس
از آن حادثه تصمیم گرفت
ایران را ترک کند**





در این برهه در حوزه علمیه نجف شخصیت‌ها و رجال برجسته‌ای مشغول تدریس و تربیت طلاب بودند و طلاب مستقیم و غیرمستقیم از آنان اثر می‌پذیرفتند. یکی از علمای نجف مرحوم سید علی، فرزند آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروة الوثقی بود که روش زندگی اش خاص خودش بود. از نظر شکل و شمایل مانند پدرش بود و از نظر علمی می‌گفتند مرد ملایی است. عالمی بود سرشناس، موجه و مورد احترام. مدتی هم مرجعیت پیدا کرده بود، اما به طوری که می‌گفتند طرفداران مشروطیت وی را عقب زده‌اند.

از چهره‌های سرشناس آن زمان مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بود. ایشان در آن زمان در اوج ریاست و زعامت بودند. مرحوم ابوی من نیز با ایشان دوست بودند. روش سید، ویژگی‌های ایشان و زیرکی و کباست آن مرحوم شدیداً مرا تحت تأثیر قرار داده بود. یکی از مدرسین نامور مشهور آن زمان مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی بود. آن مرحوم دارای بیان عالی و روان بود. در پاسخ اشکالات گهگاهی تندی می‌کرد و گاهی هم شاگرد را کتک می‌زد! تا جایی که این مسأله نقل محافل طلاب می‌شد. از دیگر چهره‌های برجسته این دوران، مدرس مشهور مرحوم آقا شیخ محمدحسین اصفهانی معروف به کمپانی بود. وی در ردیف آقا ضیا بود. گویا شاگردان این دو بزرگوار یک نوع رقابتی با یکدیگر داشتند. مبنای این دو بزرگوار متفاوت بود. داستان‌هایی از رقابت علمی و مباحثه بین شاگردان این دو بزرگوار نقل می‌کردند که در اینجا مجال ذکر آنها نیست.

مرحوم آقا شیخ موسی خوانساری از مدرسین بنام این زمان بود. درس آن مرحوم پس از درس آن بزرگوار در مرتبه دوم قرار داشت و همچنین درس مرحوم آیت‌الله سید محمود شاهرودی که بعدها از مراجع تقلید معروف شد. یکی از شخصیت‌های برجسته و مورد توجه مردم و دولت در آن دوره مرحوم کاشف‌الغطا بود. وی هم سخنور و هم اهل قلم و در عین حال

از رضاخان بخواهند از این مسأله صرف‌نظر کند. بیشتر در تأیید حرکت ایشان در مسجد گوهرشاد گرد هم می‌آمدند. در این مجالس بیشتر شیخ بهلول منبر می‌رفت. البته بقیه علما از جمله مرحوم ابوی نیز منبر می‌رفتند. من با برادرم کم‌وبیش در این جلسات شرکت می‌کردیم، اما در شب حادثه حضور نداشتیم، ولی صدای تیراندازی را در منزل می‌شنیدیم. همان شب مأموران راهی منزل ما شدند تا مرحوم ابوی را دستگیر کنند، ولی زن‌ها از دستگیری پدرم ممانعت کردند. پدرم از دیوار به خانه همسایه رفتند و از آنجا به مکان امنی رفته و مخفی شده بودند و ما مدت‌ها نمی‌دانستیم ایشان کجا رفته‌اند. در این حادثه بسیاری از علمای مشهور و مؤثر را تبعید کردند از جمله مرحوم میرزا احمد آقازاده پسر مرحوم آخوند خراسانی، مرحوم شیخ مرتضی آشتیانی، مرحوم آقا سید هاشم نجف‌آبادی و... مرحوم ابوی چهار سال مخفیانه در منزل به سر بردند تا اینکه علما در تهران آزاد شدند. در این زمان بود که مرحوم ابوی از مخفیگاه بیرون آمد. پس از آن حادثه تصمیم گرفت ایران را ترک کند؛ لذا با هم به تهران آمدم و از آنجا عازم کربلا شدیم.

◀ از تجربه خود در حوزه علمیه نجف برای ما بگویید.

مرحله دوم زندگی بنده برهه‌ای است که در نجف اشرف مشغول به تحصیل بودم. این اقامت حدود سه سال به طول انجامید؛ از ۱۳۱۸ تا پایان ۱۳۲۰. مقدمات و مقداری از مطول و شرح لمعه را در نجف فراگرفتم. یکی از اساتید من که شخصیت معروفی است مرحوم آقا شیخ مرتضی طالقانی بود. وی مردی زاهد و عالمی وارسته بود. ایشان ازدواج نکرده بودند؛ لذا در مدرسه سکونت داشتند. بیشتر اوقات مشغول عبادت بود. آن مرحوم همه متون درسی حوزه را تدریس می‌کردند؛ از مقدمات تا کفایه. گهگاهی مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی مرجع تقلید وقت، روی علاقه دوران تحصیلی به سراغش می‌آمد.

مجتهد و مرجع تقلید بود. او در حوادث مهم سیاسی نقش اساسی داشت.

در آن دوره آیت‌الله حکیم به جای مرحوم نائینی نماز می‌خواندند، درس خارج هم می‌گفتند، اما هنوز مرجع تقلید نبودند. در این درس حدود چهل نفر شرکت می‌کرد. شاگردان آن مرحوم از قومیت‌های گوناگون بودند؛ عراقی، لبنانی، افغانستانی، ایرانی و... مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی وقتی که از دنیا رفت چند نفر از جمله آیت‌الله حکیم به عنوان مرجع شناخته شدند.

از دیگر چهره‌های معروف آن زمان مرحوم محمدعلی کاظمینی بود که با مرحوم ابوی روابط دوستانه داشتند. وقتی که ما در نجف بودیم ایشان محفل درس رسمی نداشت، ولی پس از رحلت آقا ضیا عراقی که ما در ایران بودیم، شنیدیم محفل درس و بحث مفصلی دارد. آن مرحوم خوش‌بین، خوش‌قلم و خوش‌اندام بود. مردی وارسته و صریح‌اللهجه بود.

آیت‌الله خوئی نیز در آن زمان درس مختصری داشت که بعدها بسیار توسعه پیدا کرد. یکی دیگر از چهره‌های برجسته، محدث بزرگ مرحوم شیخ عباس قمی بود. مرحوم پدرم با ایشان سابقه دوستی داشت و بارها با هم از مشهد به سفر کربلا رفته بودند. ایشان در ابتدا در مشهد زندگی می‌کرد و بسیاری از آثارش در همین شهر به رشته تحریر درآمده است. مردی زاهد و ساده‌زیست بود. یکی دیگر از معارف مرحوم حاج شیخ علی قمی بود. ایشان در مسجد هندی نماز می‌خواندند و عمده مجتهدین و علما و طلاب در نماز آن بزرگوار شرکت می‌کردند. از دیگر معارف مرحوم حاج میرزا علی آقا قاضی بود. ایشان درس اخلاق ویژه‌ای داشتند که برخی از فضلا و بزرگان در آن شرکت می‌کردند از جمله آنان مرحوم آقا شیخ عباس قوچانی، آقا شیخ محمدتقی فومنی و جز ایشان بودند.

گویا در این برهه از زمان جنگ بین‌الملل شروع شده بود؛ لطفاً اگر ممکن است موضع علما و طلاب و به طور کلی حوزه‌های علمیه را برابر این جنگ خانمانسوز بیان کنید. وقتی می‌خواستیم از راه قصرشیرین وارد سرزمین عراق شویم، شنیدیم پادشاه عراق ملک‌غازی درگذشته است یا او را کشته‌اند. پس از وی، فیصل دوم فرزند ملک‌غازی در آن وقت رشید عالی‌گیلانی سیاستمدار معروف عراق به نخست‌وزیری رسید. وی در ابتدا دست به اصلاحاتی زد که خوشایند انگلیسی‌ها نبود از این روی کابینه‌اش را ساقط کردند و او به ایران فرار کرد. البته بعد، او را رام خود ساختند و از وجودش استفاده کردند. در این برهه بود که انگلیس به بهانه حفظ پایگاه‌های خود مداخله کرد و دولت سازگار با خود را روی کار آورد. علما به مبارزه برخاستند و علیه دولت انگلیس و دست‌نشانندگان او در عراق، مردم را به مبارزه دعوت کردند. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم آقای قمی، مرحوم کاشف‌الغطاء و... علیه نیروهای بیگانه و وجوب شرکت در مبارزه علیه انگلیس فتوا دادند.

**پس از شکست
مشروطیت و نقش برآب
شدن تلاش علمای
راستین و بهره‌وری
انگلیس و روی کار آمدن
کسانی که با دیانت
سروکاری نداشتند
ورق برگشت و ایادی
استعمار، جوی نامطلوب
و نابهنجار آفریدند
و بسیاری از علمای
خوشنام و فداکار را با
انگ‌های گوناگون از
صحنه خارج کردند**



◀ قدری از اوضاع و احوال حوزه علمیه نجف و فرهنگ حاکم بر آن حوزه را در زمانی که حضرت عالی در آنجا حضور داشتید، بیان بفرمایید.

در آن زمان ریاست و زعامت حوزه علمیه نجف با مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی بود. در ابتدای ریاست، ایشان از نظر مالی در مضیقه بودند و نمی‌توانستند با این بودجه کم طلاب و فضلا را از نظر مالی اداره کنند. بعد از جنگ جهانی و تغییر اوضاع، وضع ایشان از نظر مالی بهبود یافت و پس از این، شهریه‌ای را برای طلاب برقرار کردند. البته این شهریه به همگان و به طور منظم و مرتب داده نمی‌شد مگر به مقداری کم و غیرکافی؛ بلکه به افرادی خاص که از طرف بزرگان معرفی می‌شدند از ربع دینار تا دو دینار پرداخت می‌شد. این مقدار از شهریه برای اداره زندگی کافی نبود. طلاب به خاطر مشکلات مادی و نداشتن مسکن نمی‌توانستند ازدواج کنند، از این رو خیلی از طلاب در سن بالا ازدواج می‌کردند. مشکل ازدواج این‌گونه افراد را سرانجام مرحوم

سید حل می‌کرد و حتی اجاره‌خانه آنان را نیز می‌پرداخت. اما هر سال از مقدار طلاب و شاگردان مرحوم سید کاسته می‌شد. طلاب ایرانی به ایران برمی‌گشتند و کسی از ایران جای خالی آنان را پر نمی‌کرد. بسیاری از طلاب مسن ایرانی بلا تکلیف و حیران و سرگردان بودند که چه بکنند. از طرفی آمدن به ایران را صلاح خود نمی‌دانستند، زیرا حکومت رضاخان با روحانیت میانه‌ای نداشت و درصدد برانداختن این گروه بود و نمی‌گذاشت روحانی در بین مردم حضور بیابد و رشد کند و به تبلیغ دین بپردازد و در نهایت امرامعاش کند و از سوی دیگر، در نجف فارغ‌التحصیل شده بودند و کاری نداشتند.

کیفیت دروس در آن زمان به خاطر سن طلاب و محصلان از شادابی و رونق خاصی برخوردار نبود. اغلب محصلان بیش از ۴۰ سال سن داشتند و درس‌های لازم و معمول حوزه را فرار گرفته بودند و به فکر انجام وظیفه و سر و سامان دادن به زندگی خود بودند. البته افراد معدودی هم در همان سنین درس می‌خواندند و مباحثه می‌کردند. بهترین طلاب در این زمان شاگردان درس آقا ضیا عراقی بودند. این وضع نابهنجار ادامه داشت تا اینکه پس از جنگ بین‌المللی دوم و رفتن رضاخان از ایران، تشکیلات مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رونق گرفت و توانست طلاب را تقریباً به قدر کفاف اداره کند. این گشایش جدید سبب شد جوانان زیادی از ایران برای کسب تحصیل و فراگیری دانش دینی در حوزه علمیه نجف جذب شوند که برخی از اینان از فضایی بنام شدند و برخی هم به سبب گرفتاری‌ها و مسائل مادی و دیگر عوامل از حوزه‌ها خارج شدند و به شغل روحانیت و گاهی به شغل دیگری پرداختند.

◀ غیر از مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، آیا مراجع دیگری هم بودند که در اداره مالی طلاب نقشی داشته باشند. خیر. دیگر علما در این بعد نقشی نداشتند، تنها مرحوم آیت‌الله قمی بود که تشکیلاتی در کربلا وجود داشت و به طلاب

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظزاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۵۳

همان حوزه که البته محدود بود، شهریه می دادند و گهگاهی هم به طلابی که از نجف برای توقف به آنجا می رفتند، شهریه ای می داد. در همان زمان پولی از موقوفه سلطان (اود) هند بین طلاب توزیع می شد. بانی این موقوفه هدفش از وقف، اشاعه تشیع و کمک به طلاب شیعه و گسترش مذهب جعفری بود که پس از سلطه انگلیس در هند درآمد موقوفه را در راه نرم کردن برخی از طلاب و بسط و نفوذ امپراطوری خود به کار بردند. برخی روحانیون و بیوتات آگاهانه و ناآگاهانه از این پول استفاده می کردند؛ اما افرادی چون شیخ مرتضی انصاری (ره) و سید کاظم یزدی (ره) این پول را قبول نکردند. علاوه بر مرحوم انصاری، عده ای دیگر نیز از قبول موقوفه اود خودداری کردند. اما برخی از روحانیون و خاندان بزرگ و بیوتات به طور پنهان این پول را دریافت می کردند. این بیوتات و خاندان وابسته به بزرگان علم و دانش و مراجع بنام که پس از رحلت آن بزرگان هنوز پابرجا بودند و دارای تشکیلات قوی و غالباً از این مستمری موقوفه اود هم استفاده می کردند و در تعیین مرجع نقش داشتند و به اصطلاح مرجع تراش بودند. هرکس که می خواست مرجع بشود یا تشکیلات مرجعیتش حفظ شود باید با بیوت پیوندی می داشت. مرجع وقت ناچار بود به گونه ای بیوت و حواشی را مراعات کند. گویا پول های زیادی اختصاص به این طیف داشت. گاهی در ماه شاید از ۱۰ تا ۳۰ دینار به این بیوت اختصاص پیدا می کرد در حالی که یک طلبه فاضل درسخوان در حدود ربع یا نیم دینار شهریه می گرفت.

البته ناگفته نماند در طول تاریخ شیعه مراجع شیعه افراد خوش نام باصلاحیت عالم و باتقوا بوده اند. تماس با این قبیل بیوتات دلیل بر نقصان و خدای ناخواسته عدم تقوای آن عالم نبود؛ بلکه گهگاهی سیاست این بیوت و خاندان بانفوذ اقتضا می کرد که فلان عالم را مشهور کنند و رساله اش را چاپ و توزیع و از او تبلیغ کنند و گاه سیاست شان اقتضا می کرد عالمی را از شهرت و مرجعیت بیندازند. موضع مراجع در قبایل این گونه بیوت و خاندان بانفوذ مختلف بود؛ برخی احتیاط می کردند نه پول از کسی می گرفتند و نه پول به کسی می دادند و هیچ گاه حاضر نبودند از پول بیت المال به این گونه خاندان و بیوت چیزی بدهند؛ اما برخی مصلحت اندیشی می کردند و بر این باور بودند که اگر حوزه علمیه بخواهد اداره بشود، باید این بیوت اداره بشوند. این مطالب را من در آن وقت از طلاب می شنیدم و خودم شخصاً در جریان کار قرار نداشتم.

◀ آیا بیوت و افرادی که از موقوفه هند مستمری می گرفتند، نزد مردم موقعیت و منزلتی هم داشتند؟
 در بین طلاب، فضلا و علما این افراد وجهه خوبی نداشتند ولی مردم عادی خیلی در جریان این قضایا نبودند.

◀ آیا بیوت و روحانیونی که از موقوفه هند استفاده می کردند از سیاست انگلیس حمایت می کردند؟

شاید برخی بیوت و روحانیون که از موقوفه هند مستمری می گرفتند یک نوع گرایشی به آن سیاست داشتند؛ ولی بسیاری از افراد بی طرف بودند و در عین حال از موقوفه هم استفاده می کردند. شاید این گروه توجیهاتی برای خود داشتند که این موقوفه مخصوص حوزه های شیعه و ترویج شیعه است و ما کاری نداریم که چه کسی یا دستی فعلاً آن را پرداخت می کند.

◀ آیا دولت های دیگری هم بودند که در حوزه علمیه نجف در فکر پایگاه باشند و روحانیون را با پول و... طرفدار سیاست های خود کنند؟

غیر از دولت انگلیس بیشتر دولت ایران به فکر پایگاه بود. دولت ایران برای بقای خود به حامی نیاز داشت، از این رو در نجف عده ای را داشت که از سیاست های دولت ایران طرفداری کنند. برخی از این افراد شناخته شده بودند و برخی ناشناخته. آنان زندگی نسبتاً مرفه ای داشتند و معروف بودند که با دربار ایران مرتبط اند. این قبیل افراد هر سال به ایران مسافرت می کردند و بر اساس حواله های که به آنان می دادند، مبلغی دریافت می کردند.

◀ از فرمایشات حضرت عالی نتیجه می گیریم اگر روحانیون برجسته و علمای دلسوز می خواستند حرکتی علیه سلطه گران و دربار ایران داشته باشند چه بسا از طریق نفوذی ها و اطرافیان ناباب و اجیر، اخبار به دربار و... می رسید.

کاملاً درست است. دربار ایران و دولت انگلیس بسیاری از فعالیت ها و حرکت های علما و روحانیون را می دانستند و اصلاً روحیه، طرز تفکر، حساسیت ها و علاقه ها را می شناختند و بر همین اساس برنامه ریزی می کردند. در این جا برای روشن شدن مطلب یک نمونه ذکر می کنم: پس از به قدرت رسیدن رضاخان و حرکت های ضداسلامی و در سرتاسر کشور حوزه های علمیه کم و بیش دست به یک سری فعالیت ها زدند تا مگر به نحوی جلوی تدریجی های رضاخان را بگیرند. مرحوم آیت الله بروجردی و مرحوم حاج شیخ احمد شاهرودی که از علمای بزرگ شاهرود و مردی روشنفکر بود در برگشت از سفر مکه در نجف اشرف در منزل مرحوم نائینی با ایشان و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی دیدار می کنند. در این جلسه پسر آخوند میرزا مهدی که به شدت زیرک و هوشیار بود، شرکت داشته است و گویا کسان دیگری هم حضور داشته اند. در این جلسه از اوضاع ایران بحث به میان می آید که با رضاخان چه کار کنیم؟ هر یک از آقایان حرفی می زدند. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی که مرد شجاعی بوده گفته بود: ما باید افرادی را بفرستیم در میان عشایر و قبایل ایران و این افراد را علیه رضاخان تحریک کنیم و آنان را به قیام واداریم و از این طریق رضاخان را نابود کنیم.

مرحوم نائینی می گوید: ما باید از رضاخان استمالت کنیم و با وی با نرمش رفتار کنیم تا از تندی و صولتش کاسته شود و غیر از این راهی نیست. خلاصه جلسه تمام می شود و

در آن زمان حوزه علمیه مشهد دو امتیاز مهم داشت که دیگر حوزه ها از جمله نجف و قم نداشتند: نخست ادبیات قوی که بنیانگذار آن شیخ عبدالجواد ادیب بود. فضلالی بسیاری در حوزه درسی ایشان پرورش یافتند



رضاخان می‌بیند ممکن است این بی‌احتیاطی به قیمت شورش مردم تمام شود از این رو همان جا دستور می‌دهد که به تهران خبر بدهند تا ایشان را به منزل ثقة‌الاسلام وکیل بروجرد منتقل کنند. مرحوم بروجردی نقل می‌کردند، مرا پیش رضاخان بردند. او قبل از احوالپرسی خطاب به من گفت: میرزای نائینی آدم عاقلی است! من فهمیدم که اخبار جلسه‌ای که با آقایان؛ میرزای نائینی و سید ابوالحسن داشتیم به رضاخان منتقل شده است. بعد از یک‌سری صحبت‌ها، رضاخان از من استمالت کرد و گفت: خواسته و حاجتی نداری؟ گفتم: در این مدتی که من بازداشت بودم متوجه شدم که شما هفته‌ای یک شب به سربازان پلو می‌دهید اینان سرباز اسلام هستند؛ لذا دستور بدهید دو شب در هفته به اینان پلو بدهند! رضاخان از این سخن خیلی خوشش آمد. منظورم از نقل این قضیه این بود که دربار ایران و بیگانگان توسط نفوذی‌ها که بعضاً در لباس اهل علم هم بودند از حرکت علما علیه دربار و بیگانگان کاملاً آگاه می‌شدند.

◀ **وجه روحانیون و علمایی که در مسائل سیاسی دخالت می‌کردند و علیه استعمار سخن می‌گفتند یا مطلبی می‌نوشتند در حوزه علمیه نجف چگونه بود و حوزویان درباره آنان چه قضاوتی داشتند؟**

پس از شکست مشروطیت و نقش‌برآب شدن تلاش علمای راستین و بهره‌وری انگلیس و روی کار آمدن کسانی که با دیانت سروکاری نداشتند ورق برگشت و ایادی استعمار، جوی نامطلوب و ناپهنجار آفریدند و بسیاری از علمای خوشنام و فداکار را با انگ‌های گوناگون از صحنه خارج کردند و مردم را از اطراف آنان پراکندند. جمالات و تعابیری مثل آخوند انگلیسی، سیاسی، توده‌ای و... رواج تام داشت. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در اواخر عمر مریض شد و قصد سفر به

مرحوم آیت‌الله بروجردی و مرحوم شاهرودی به طرف ایران حرکت می‌کنند. این بزرگواران همین که به مرز ایران می‌رسند دولت ایران آنان را دستگیر و روانه زندان می‌کند. بر سر مرحوم شاهرودی چه می‌آید؟ نمی‌دانم؛ اما آنچه را که از مرحوم بروجردی می‌دانم و از افراد موثق شنیده‌ام نقل می‌کنم: پس از اینکه ایشان را در مرز قصرشیرین دستگیر می‌کنند، شبانه بدون اینکه کسی متوجه بشود به طرف تهران حرکت می‌دهند و در تهران در محل ارکان حرب بازداشت می‌نمایند. قضیه سریع و سری انجام گرفته بود از این رو کسی از قضیه مطلع نبوده تا اینکه عبدالله خان طهماسبی امیر لشکر در بین راه بروجرد - خرم‌آباد کشته می‌شود و این امر سبب می‌گردد که رضاخان برای بررسی علل قتل و اوضاع منطقه به لرستان مسافرت کند. در همین هنگام متوجه می‌شود که از طرف خاندان بانفوذ طباطبایی در بروجرد مجلس ختمی برای عبدالله خان طهماسبی برگزار می‌شود؛ لذا برای شرکت در مجلس ختم به بروجرد می‌آید. پس از مراسم ختم رضاخان از سید عبدالحسن طباطبایی شیخ الطایفه و بزرگ فامیل طباطبایی سؤال می‌کند: در میان شما سلسله طباطبایی چند نفر به نام سید حسین هست؟ ایشان با تعجب از این سؤال پاسخ می‌دهد: یک نفر است که مردی عالم و بزرگوار و از مراجع تقلید می‌باشد و اکنون در مراجعت از مکه مکرمه چند ماهی است در نجف اشرف اقامت فرموده‌اند. رضاخان بلافاصله در جواب می‌گوید: خیر ایشان فعلاً در تهران هستند. به عللی ایشان را از سرحد به تهران برده‌اند. این قضیه همه را به تعجب وامی‌دارد و همه سؤال می‌کنند: آقا چه کرده است؟ آقا که در امور غیردینی مداخله نمی‌کند. رضاخان که این اضطراب را می‌بیند، می‌گوید: بقیه دارم سوءتفاهمی شده است؛ چون من ایشان را می‌شناسم و به حدود ایشان واقفم. بعد از مراجعت به تهران ایشان آزاد خواهند شد.

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظزاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۵۵



ایران داشت که توده‌ای‌ها و وابستگان به قدرت شرق اینجا و آنجا تبلیغ می‌کردند که سید انگلیسی است. این حرف‌ها از حلقوم افرادی مثل توده‌ای‌ها طبیعی بود که خارج شود؛ اما آنچه که اکنون ما در پی آنیم در آن باره صحبت کنیم حرکت‌ها و سخنانی است که در حوزه علمیه نجف و از زبان برخی از اهل علم گفته می‌شد. اساساً هر کس مجله و روزنامه می‌خواند یا رادیو گوش می‌داد یا اطلاعات سیاسی، اجتماعی داشت در حوزه نجف و جاهتی نداشت و به تجددخواهی متهم بود. حتی مثل مرحوم نائینی با آن سابقه درخشان و مبارزه با انگلیسی‌ها در عراق و طرفداری جدی از مشروطیت و نوشتن کتاب تنبیه‌الامه برای تبیین مسائل حکومتی اسلام و... وقتی جورا این‌گونه دید و فهمید که درصدد خراب کردن وجهه‌اش هستند دستور داد که کتاب تنبیه‌الامه را جمع‌آوری کنند. با این حال به‌خاطر همان سوابق سیاسی تا حدودی عقب افتاد. به‌طورکلی افراد چیزفهم و مطلع را متهم می‌کردند. این نقشه استعمار بود که کانون‌های خطر را در هم می‌کوبید، منتهی عامل اجرا آگاهانه و ناآگاهانه از خودی‌ها بود.

حرکات ضد استعماری در نجف سابقه دیرینه‌ای دارد، از این روی استعمارگران این شهر و حوزه علمیه را شدیداً کنترل می‌کردند که مبادا فردی از دستشان در برود و مردم را علیه آنان بشوراند. اگر کسی از دستشان درمی‌رفت و برخلاف برنامه‌ریزی آنان قیام می‌کرد و علیه سلطه انگلیس تلاش می‌کرد یا او را مانند مرحوم صدر به قتل می‌رساندند و یا شخصیتش را ترور می‌کردند که بیشتر راه دوم را برگزیده بودند

همه اینان توده‌ای هستند و شاه در مقابل آنان ایستاده است و مقاومت می‌کند که کشور به دست آنان نیفتد.

◀ **باتوجه به سابقه طولانی استعمارگران و حرکت‌های خبیثانه آنان، چه چیزی حوزه‌های علمیه ما را تهدید می‌کند؟**
 استعمار تلاش می‌کند از افراد ناآگاه که در خط انقلاب نیستند بهره‌برداری کند. استعمار می‌داند هر کدام از آنان چگونه می‌اندیشند و ذوق و سلیقه آنان چیست و آیا اگر به موقعیتی رسیدند برای منافع قدرت‌های بزرگ خطری خواهند بود یا نه؟ آیا تهدید و ترساندن در آن مؤثر است یا خیر؟ اطرافیان هر یک چگونه می‌اندیشند و... در دوران گذشته همه علما و اطرافیان آنان پرونده داشتند و مورد شناسایی دقیق واقع شده بودند. بعید نیست که این برنامه اکنون هم اجرا شود.

◀ **حوزه علمیه نجف آیا از نظر تبلیغی و فرهنگی فعال بود؟**

تبلیغ در آن زمان در سخنرانی‌هایی خلاصه می‌شد که غالباً وعظ و خطبای ایرانی در مساجد، محافل و بیوت علمای ایرانی ایراد می‌کردند. سخنرانانی که گردانندگان این مجالس بودند بیشتر از ایران می‌آمدند، زیرا بخش مهمی از مردم مقیم کربلا، نجف و کاظمین ایرانی بودند. از تهران، شیراز، اصفهان، خراسان و...
 روحانیون عرب به کیفیت دیگر منبر می‌رفتند اول روضه‌ای می‌خواندند و بعد به نقل تاریخ و داستان می‌پرداختند. البته بعداً سبک سخنرانی ایرانیان در آنجا هم رواج پیدا کرد و گویندگان زبردستی میانشان پیدا شد. وعظ و خطابه و ارشاد مردم از طریق منبر در بین فضلا و طلاب ایرانی و غیرایرانی نجف معمول نبود؛ زیرا جو و محیط فکری اجازه نمی‌داد که طلاب به این فن بیاورند.
 «منبری» در آن جو فکری، باسواد و فقیه شناخته نمی‌شد و از موقعیت علمی و حوزوی بهره‌ای نداشت. به همین جهت تحصیلکردگان نجف وقتی که به ایران برمی‌گشتند غالباً سخنرانی بلد نبودند و باید خیلی طول می‌کشید تا یاد بگیرند که چگونه مطالب را برای مردم تشریح کنند؛ برعکس حوزه قم که علم و منبر را در خود جمع کرده بودند، اما از نظر فرهنگی در نجف روحانیون روشنفکری که غالباً عرب بودند فعالیت‌هایی داشتند. از جمله بیت مرحوم آل مظفر که چند برادر بودند با فضل و روشنفکر یک‌سری کارهای فرهنگی می‌کردند. این برادران مرکزی تأسیس کرده بودند به نام منتدی النشر که در آنجا به برخی از طلاب آموزش وعظ و خطابه می‌دادند به علاوه کتاب‌هایی را هم منتشر می‌کردند. با این گروه مخالفت‌هایی به‌ویژه از طرف برخی از طلاب ایرانی می‌شد. آخوندهای ایرانی این نوع کارها را از قماش دبیرستان‌های دولتی می‌دانستند. از این روی علیه آن تشکیلات، تبلیغ می‌کردند. این تشکیلات آقایان مظفر به‌خاطر همکاری افراد موجه کم‌کم رشد کرد و بعد به همت و پشتکار این آقایان دانشکده فقه تأسیس شد و عده‌ای در

◀ **فکر غالب در حوزه علمیه نجف بنا بر فرمایش حضرتعالی دعوت به انزوا و عدم مداخله در امور سیاسی بوده است. بفرمایید در قضایای جنگ جهانی مسائل مربوط به ایران و فلسطین و... حوزویان چگونه می‌اندیشیدند؟**
 جوی بود که هر کس برای حفظ وجهه‌اش راهی بجز انزوا و عدم مداخله در امور سیاسی نداشت. کسی هم که اطلاعات سیاسی داشت و می‌توانست بنویسد یا بگوید جرأت نمی‌کرد پا به میدان بگذارد.

حضرت امام (ره) گهگاهی از وضع نجف از این باب درد دل می‌کردند. طلاب، فضلا و علما موضع سیاسی خوبی نداشتند. در جنگ بین الملل دوم بگذریم از علما و مراجع و روحانیون روشنفکری که آگاهانه و با اخلاص تمام علیه انگلیس وارد کارزار شدند عموم طلاب در این باره چنین نبودند. بسیاری از طلاب و روحانیون هواخواه پیروزی آلمانی‌ها بودند و برخی طرفدار انگلیس! و بسیاری هم بی‌طرف. در مدرسه سید که من در آنجا می‌زیستم سید هندی بودی که طرفدار انگلیس بود. طلاب دور او جمع می‌شدند و او می‌خواست به هزار و یک دلیل ثابت کند که آلمان شکست خواهد خورد؛ اما طلاب حرف او را رد می‌کردند.

درباره اوضاع ایران مرحوم آیت‌الله طالقانی در سفری که در دوران خفقان شاه به مشهد داشتند به‌خاطر سابقه دوستی که با ایشان داشتم خدمتشان رسیدم. در آن جلسه می‌فرمودند: در سفری که به نجف داشتم خدمت یکی از مراجع رفتم که آدم متقی و باورعی بود، اما از اوضاع ایران بی‌خبر بود. ایشان گفت: آقا سید محمود شنیده‌ام مصدقی‌ها و توده‌ای‌ها در ایران شلوغ کرده‌اند. به ایشان گفتم این چه حرفی است که می‌زنید، توده‌ای‌ها و مصدقی‌ها؟! بعد از گفت‌وگو مشخص شد که در ذهن آن مرجع، توده‌ای‌ها و مصدقی‌ها یکی هستند و



یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظزاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۵۷

این حوزه شده بود. از جمله جذب روحانیون فاضل به ادارات دولتی مانند اداره ثبت، فرهنگ، اوقاف و... بسیاری از اینان لباس‌های روحانی خود را درمی‌آوردند و به شیوه مردم دیگر لباس می‌پوشیدند.

آنان که در ادبیات قوی بودند و مقداری فلسفه فراگرفته بودند سریع‌تر جذب کارهای دولتی می‌شدند. همین امور به‌اضافه تبعید علما و مدرسین مشهد پس از فاجعه مسجد گوهرشاد باعث انحلال آن حوزه شده بود تا اینکه پس از شهریور ۲۱ و فرار رضاخان از ایران دوباره حوزه تجدید و یا بهتر بگویم تأسیس شد.

◀ حوزه علمیه مشهد چه برجستگی‌ها و امتیازاتی نسبت به دیگر حوزه‌های علمیه داشت؟

در آن زمان حوزه علمیه مشهد دو امتیاز مهم داشت که دیگر حوزه‌ها از جمله نجف و قم نداشتند: نخست ادبیات قوی که بنیانگذار آن شیخ عبدالجواد ادیب بود. فضلی بسیاری در حوزه درسی ایشان پرورش یافتند از جمله آقایان فروزانفر، شهابی، فیض، گنابادی، قمشه‌ای و بسیاری دیگر از رجال نامی. «ادیب» جو ادبی بسیار خوبی در حوزه علمیه مشهد به وجود آورد. از آنجا که این جو مطلوب اداره فرهنگ و دانشگاه بود توانستند بهره‌های لازم را ببرند و شاگردان برجسته ادیب را به‌سوی خود جذب کنند.

پس از ادیب اول ادیب دوم، زمام ادبی حوزه را به دست گرفت و انصافاً اثر مهمی از خود به‌جای گذاشت. ادیب اول بیشتر با ادبا، شعرا و شاهزادگان نشست‌وبرخاست داشت؛ اما عمده شاگردان او همان طلاب حوزه مشهد بودند. ادیب دوم نیز فضلا و علمای زیادی را تربیت کرد به‌طوری که می‌توان گفت بیشتر علما و فضلی کنونی حوزه از شاگردان او هستند.

آنجا درس خواندند و لیسانس گرفتند که اکنون در گوشه‌وکنار عراق، ایران، لبنان و... در مصدر کار هستند.

◀ چرا استعمار روی حوزه علمیه نجف سرمایه‌گذاری فوق‌العاده‌ای کرده بود؟

حرکات ضد استعماری در نجف سابقه دیرینه‌ای دارد، از این روی استعمارگران این شهر و حوزه علمیه را شدیداً کنترل می‌کردند که مبادا فردی از دستشان در برود و مردم را علیه آنان بشوراند. اگر کسی از دستشان درمی‌رفت و برخلاف برنامه‌ریزی آنان قیام می‌کرد و علیه سلطه انگلیس تلاش می‌کرد یا او را مانند مرحوم صدر به قتل می‌رساندند و یا شخصیتش را ترور می‌کردند که بیشتر راه دوم را برگزیده بودند. از راه تخریب وجهه افراد بهتر و سریع‌تر به مقصودشان می‌رسیدند.

پس از استقلال عراق با موافقت انگلیس حکومتی روی کار آمد. در این حکومت از علما هم استفاده کردند از جمله از مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی که وزیر فرهنگ شده بودند. ایشان تحولاتی در حوزه کارش ایجاد کرده بود، اما پس از مدتی ناپینا شد و در عراق معروف است که انگلیسی‌ها وی را کور کرده‌اند. این سخن درست است یا نه، نمی‌دانم. مرحوم کاشف الغطا در کتاب المثل العلیا فی الاسلام لا فی بجمدون به سیاست استعماری انگلیس سخت حمله کرده و پرده از روی حوادث آن برهه از زمان برداشته است.

◀ لطفاً شمه‌ای از دوران تحصیلی خود در حوزه علمیه مشهد و اوضاع آن حوزه بیان بفرمایید.

دور جدید تحصیل من در حوزه علمیه مشهد که پس از بازگشت از حوزه علمیه نجف صورت گرفت مصادف بود با تجدید حوزه پس از ابتلا به مشکلات زیادی که قبلاً گریبانگیر



ماهیارنه پنج تومان پرداخت می‌کرد که من فقط یکبار آن را دریافت کردم. طلاب بیشتر از درآمد موقوفات مدارس اداره می‌شدند. مدرسه سلیمان خان به هر یک از طلاب از درآمد موقوفه ماهیارنه ۲۵ تومان شهریه می‌داد. مدرسه نواب از درآمد موقوفه‌ای که داشت به هر یک از طلاب ماهیارنه ۱۲-۱۰ تومان پرداخت می‌کرد. مدرسه میرزا جعفر از درآمد موقوفه سالیانه مبلغ مختصری به طلاب می‌داد موقوفات آن مدرسه سال‌ها در دست آستان مقدسه بود و مرحوم آیت‌الله کفایبی با زحمت فراوان هر سال مبلغی را وصول و بین طلاب تقسیم می‌کرد. این وضع نایسامان، عده‌ای از ما طلاب را بر آن داشت تا نامه‌ای به مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی بنویسیم و از ایشان بخواهیم شهریه‌ای برای طلاب حوزه مشهد مقرر بکنند. متن نامه را من نوشتم. مرحوم ابوی نقل می‌کردند: از قضا وقتی نامه شما به دست مرحوم سیدابوالحسن رسید من خدمت ایشان بودم. بالاخره ایشان موافقت کردند ولی نمایندگان اخذ وجوهات عمل نکردند و در این گیرودار، آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی درگذشت. پس از آنکه مرحوم بروجردی زعامت حوزه‌های علمیه را در دست گرفتند به طلاب مشهد به طور مستمر شهریه‌ای می‌پرداختند. درعین حال وضع شهریه طلاب مشهد تا این اواخر رضایت‌بخش نبود. طلاب از راه تبلیغ زندگی را اداره می‌کردند. بهترین دوران شهریه مشهد دورانی بود که حضرت امام رحمة‌الله علیه شهریه دادند و اینک آیت‌الله خویی هم شهریه نسبتاً خوبی می‌دهند.

◀ از کیفیت دروس حوزه علمیه مشهد و اساتید و روش‌های آنان بر ایمان بگویید.

چند نفر از بزرگان بودند که سطوح را تدریس می‌کردند از جمله مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی بود. یکی دیگر از مدرسین مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم دامغانی بود که

امتیاز دوم حوزه مشهد، فلسفه بود. در آن زمان چند نفر از بزرگان فلسفه تدریس می‌کردند. درس فلسفه از رونق و شکوهی خاص برخوردار بود. مدرسین عمده فلسفه در آن زمان مرحوم حاج فاضل خراسانی، مرحوم آقابزرگ شهیدی و فرزندش میرزا مهدی و شیخ‌الله یزدی بودند. اما در عصر ما مرحوم شیخ سیف‌الله آلیسی، سیدابوالقاسم الهی، شیخ مجتبی قزوینی و میرزا جواد آقا تهرانی بودند. حوزه مشهد هم از نظر علمی که در آن تدریس می‌شد و هم از نظر رجالی که در آن پرورش یافته بود ممتاز بود. بسیاری از فضلاء نجف که بعدها از مراجع بنام شدند در حوزه علمیه مشهد درس خوانده بودند از جمله آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی، مرحوم آقا شیخ محمدعلی کاظمینی، مرحوم حاج میرزا حسن بجنوردی و حضرت آقای خویی و...

◀ پس از قیام خونین گوه‌رشاد دربار رضاخان و دولت با حوزه علمیه مشهد چه برخوردی داشتند؟

پس از آن جریان مدارس را تعطیل کردند و طلاب به ناچار راهی حوزه علمیه نجف و قم شدند. مدرسه میرزا جعفر که از مدارس بزرگ و مهم مشهد بود مرکز سنگ‌تراشی برای سنگ‌فرش صحن‌های آستان قدس شده بود. البته قبل از بستن مدارس، دستگاه برای برچیدن حوزه علمیه مشهد برنامه‌ریزی کرده بود. طلاب را مجبور می‌کردند که برای تعیین رتبه و حقوق ماهیارنه طبق برنامه دولت امتحان بدهند.

◀ در آن برهه‌ای که حضرت‌تعالی در مشهد به تحصیل اشتغال داشتید وضع شهریه طلاب چگونه بود؟

در آن زمان شهریه درخوری به طلاب پرداخت نمی‌شد. مرحوم آیت‌الله نهایندی که بسیار با وجاهت بود و طلاب و فضلا در نماز جماعت وی شرکت می‌کردند و مرجع وجوهات هم بود فقط مدت کمی با اصرار فضلا به هر یک از طلاب

سال‌ها رسائل شیخ انصاری را برای ما تدریس می‌کرد. از حوزه مشهد چند تن درس خارج می‌گفتند که یکی مرحوم آیت‌الله کفایی بود. در درس او بیشتر طلاب قدیمی و مسن شرکت می‌کردند. من خودم یک سال به درس اصول او رفتم. او از زبان شیرین و ذکاوت بسیار برخوردار بود، ولی حافظه نداشت و ناچار بود در درس خارج همواره کتاب باز کند. او روی هم‌رفته مطالب پدر خود آخوند خراسانی را خوب می‌دانست، اما از درسش استفاده زیاد نمی‌شد و جنبه تشریفات بر او غلبه داشت.

از مدرسین دروس عالی، آقایان آیت‌الله سبزواری و آیت‌الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی بودند که گروه خاصی در درس آنان شرکت می‌کردند. یکی دیگر از مدرسین دروس عالی مرحوم آقا شیخ بزرگ شاهرودی بود. برخی از فضلا پس از اینکه ایشان به مشهد آمدند از آن مرحوم خواستند که درس خارج شروع کند آقای شاهرودی هم قبول کرد. آن مرحوم مبانی مرحوم نائینی را می‌گفتند.

از مدرسین دروس عالی مرحوم آیت‌الله سید یونس اردبیلی بود. وی قبل از قضیه مسجد گوهرشاد به مشهد آمده بود و بعد هم دستگاه ایشان را تبعید کرد. ایشان بعداً به مشهد مراجعت کردند و در آغاز خارج رسائل را تدریس می‌کردند. مرجع تقلید شد و شهریه‌ای هم می‌پرداخت. دستگاه با نبرنگ سعی می‌کرد ایشان را در برابر آیت‌الله بروجردی قرار بدهد از این روی او را تقویت می‌کرد.

من یک نوبت از مرحوم آیت‌الله بروجردی سؤال کردم: اعلم علمای مشهد کیست؟ ایشان او را با اشاره نام بردند و گفتند: ظاهراً او اعلم است. یکی دیگر از مدرسین فقه و اصول و معارف مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بود. او از شاگردان دوره اول درسی مرحوم نائینی بود. وی در جوانی به مشهد آمده بود و چون درسش حاوی مطالب نائینی بود مورد توجه فضلا قرار گرفت؛ از جمله مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی، مطالب نائینی را از او فرا گرفته بود و تدریس می‌کرد. مرحوم میرزا

مهدی بعداً به معارف اهل بیت (ع) متخذ از روایات پرداخت و دیگر از آن مطالب اصولی انصراف پیدا کرد. در این خصوص دارای مکتب خاصی بود که باید در آن بحث شود. یکی دیگر از چهره‌های برجسته آن دوران که در حدود سال ۱۳۲۸ هنگام هجرت من به قم، به مشهد آمدند مرحوم آیت‌الله میلانی بود. او پس از فوت مرحوم اردبیلی با کمی قبل از آن به مشهد آمد. ایشان حوزه درسی مورد استفاده‌ای داشتند. بیشتر فضلاء مشهد شاگرد آن مرحوم هستند. وقتی که از قم برگشتم با آن مرحوم ارتباط نزدیک داشتم و در حوزه استفتایی ایشان شرکت کردم. آن بزرگوار در قضیه پانزده خرداد به طور فعال شرکت داشت و خدمت کرد. از انقلابیون حمایت می‌کرد. منتهی در اواخر عمر متأسفانه در بیت ایشان مسائلی پیش آمد که برای انقلابیون ناگوار بود. درهرحال به نظر من تأثیر وی در حوزه مشهد بسیار چشمگیر بود. او در عصر خود یکی از مراجع تقلید بزرگ شیعه به شمار می‌آمد. علامه طباطبایی او را پس از رحلت آیت‌الله بروجردی

برای مرجعیت نام می‌برد.

یکی دیگر از مدرسین دروس عالی مشهد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی بود. ایشان چه قبل از حادثه گوهرشاد و چه بعد از تجدید حوزه مشهد یکی از بهترین مدرسین سطوح عالی، کفایه رسائل مکاسب بود. شاید بیش از هزار طلبه در این مدت مدید از درس او استفاده کرده باشند. او مردی روشنفکر، با تقوی و بسیار خوش‌بیان بود؛ اما از مردم عادی منزوی بود. تنها طلاب حوزه را او می‌شناختند. من چند سال از درس‌های سطح و خارج او استفاده برده‌ام. او درعین حال مرد انقلابی بود، اما زمانه به وی مجال عرضه وجود نداد.

◀ اساتید خود را در مشهد نام ببرید.

در سطح، مرحوم حاج میرزا احمد مدرس و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ حسین بجزستانی. در فلسفه، مرحوم شیخ سیف‌الله ایسی و حاج شیخ مجتبی قزوینی. در درس خارج عمدتاً مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و به طور پراکنده درس‌های آیت‌الله اردبیلی، آیت‌الله کفایی و برخی دیگر. یک سال هم از درس معارف مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و نیز یک دوره از درس معارف هم از درس خارج اصول مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده کرده‌ام.

◀ از دوران تحصیل خود در حوزه علمیه قم و اساتیدی که از آنان بهره گرفته‌اید صحبت بفرمایید.

مرحله چهارم زندگی تحصیلی من از سال ۱۳۲۸ که از مشهد راهی قم شدم آغاز می‌شود. در این حوزه در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت‌الله بروجردی شرکت کردم. هنگام شرکت بنده در درس فقه آن بزرگوار موضوع مورد تدریس کتاب صلاة مسافر بود. بنده درس را با دقت می‌نوشتم. روزی مرحوم مطهری که با یکدیگر رفت‌وآمد داشتیم و از قدیم آشنا بودیم نوشته مرا دید خیلی خوشش آمد. گفت می‌بایست نوشته شما را به آقا نشان بدهم. مرحوم مطهری در صدد این کار بود که روزی پس از درس آقا که پیاده به طرف منزل می‌رفت فرصت را غنیمت شمرد و بنده را به ایشان معرفی کرد و نوشته مرا هم به آقا نشان داد. آقا فرمود: خیلی خوب. (البته قبلاً در سفر مشهد مرا چندبار دیده بود و فوراً تشخیص داد) روز بعد، قبل از درس روی منبر فرمود: بلی آقا زاده واعظ خراسانی به قم آمده‌اند و بحث را خیلی خوب نوشته‌اند که قابل تقدیر است.

این امر باعث شد که آقا مرا بشناسد و شهریه‌ای که برای دیگر طلاب مقرر بود برای بنده هم مقرر شود. در بحث اصول ایشان که بعد از ظهرها داشتند بنده شرکت می‌کردم. به یاد دارم بحث حجیت ظواهر بود که مطلبی به ذهنم رسید، نوشتم و بعد از درس به ایشان دادم. فردای آن روز، آن مرحوم بدون ذکر نام اشکال مرا مطرح کرد و فرمود: این نوشته خیلی دقیق است. این مسائل سبب شد که رابطه بنده با آن بزرگوار بیشتر شود. در

از جمله درس‌هایی که توفیق یافتم شرکت کنم دوره اول درس اصول مرحوم امام خمینی (ره) بود. در این درس که موضوع آن، در آن هنگام استصحاب بود و تا پایان اجتهاد و تقلید ادامه داشت آقایان مطهری، منتظری، خوانساری، امینی، خندق آبادی و... شرکت می‌کردند. این درس خیلی پر بار بود و پیشرفت خوبی داشت. سؤال و جواب فراوان می‌شد. مسائل پخته مطرح می‌شد

همین هنگام بود که مرحوم پدرم به قم تشریف آورد و به اتفاق خدمت آیت الله بروجردی رسیدیم. مرحوم بروجردی خیلی به مرحوم پدرم عنایت داشتند.

استاد دیگر بنده در قم مرحوم آیت الله سید محمد حجت بود. ایشان ابتدا پایان کتاب الصلاة را تدریس می فرمود. پس از اتمام صلاة برخی از شاگردان عرض کردند، کتاب قضا تدریس کنید. برخی دیگر از شاگردان گفتند، کتاب مکاسب را تدریس کنید. ایشان فرمود: من برای هر دو آماده ام.

بالاخره خارج مکاسب را شروع کرد. بنده در این بحث شرکت می کردم. از کسانی که در این درس شرکت می کرد آقای سیدعلی سیستانی بود که الان در نجف و جزو بزرگان آن حوزه است و من با او در یک زمان از مشهد به قم آمدم و درس مرحوم حجت را با هم مباحثه می کردیم. درس مرحوم بروجردی خلوت تر از درس مرحوم بروجردی بود. درس مرحوم حجت تقریباً ۵۰۰ یا ۶۰۰ نفر شرکت می کردند و درس مرحوم حجت تقریباً ۲۵۰ یا ۳۰۰ نفر. درس مرحوم حجت خیلی مرتب و منظم بود. ایشان جزوه ها و نوشته های شاگردان را نگاه می کرد. حدود یک سال هم در درس مرحوم آیت الله صدر شرکت کردم. موضوع بحث ایشان خیارات مکاسب بود.

از جمله درس هایی که توفیق یافتم شرکت کنم دوره اول درس اصول مرحوم امام خمینی (ره) بود. در این درس که موضوع آن، در آن هنگام استصحاب بود و تا پایان اجتهاد و تقلید ادامه داشت آقایان مطهری، منتظری، خوانساری، امینی، خندق آبادی و... شرکت می کردند. این درس خیلی پربار بود و پیشرفت خوبی داشت. سؤال و جواب فراوان می شد. مسائل پخته مطرح می شد. یکی از مستشکلین درس همواره جناب آقای منتظری بود. پس از اتمام درس امام به اتفاق شاگردان که هفت هشت نفر بیشتر نبودند در درس مرحوم بروجردی شرکت می کردند. امام مقید بود که در درس مرحوم بروجردی شرکت کند و آن را بنویسد. مرحوم مطهری از امام رحمة الله علیه نقل می کردند که فرموده بود: مرحوم بروجردی سی سال به قم دیر آمدند و گرنه وضع حوزه بهتر بود.

در همین ایام بود که شنیدیم آقای علامه طباطبایی «شفای بوعلی» تدریس می کند و خیلی هم سریع پیش می رود. در درس آن بزرگوار شرکت کردم. درس خصوصی بود و در مسجد سلماسی قم با حضور آقایان مطهری، منتظری، بهشتی، جزایری، عالمی، اصفهانی و چند تن دیگر برگزار می شد و تا اواسط الهیات و امور عامه شفا ادامه یافت. مشغول درس و بحث بودم که خبردار شدم آیت الله گلپایگانی در منزل درس خصوصی می گویند. موضوع درس خارج حج بر اساس عروة الوثقی بود. روز اول که شرکت کردم ایشان تنها نشستند بود. مرا نمی شناخت. من خودم را معرفی کردم. معلوم شد والد مرا خوب می شناسد و داستانی هم مینی بر اخلاص آن مرحوم نقل کرد. به من فرمود: غرض این است که دور هم جمع بشویم و بحث کنیم و مسأله دیگری در کار نیست. گویا منظور ایشان این بود که نباید هدف مادی در کار باشد. بالاخره بنده تا وقتی که در قم بودم (حدود هشت - نه سال) در درس ایشان

شرکت کردم و چند کتاب فقهی را در محضر ایشان فرا گرفتم. ایشان در عین دقت سریع پیش می رفت. در همین زمان بود که حاشیه عروة را می نوشت. از آقایان شرکت کننده که به خاطر دارم آقا جلال گلپایگانی، مرحوم شیخ عبدالرحیم شیرازی، آقا سید محمد باقر ابطحی، آقای شیخ محسن حرم پناهی، آقای شیخ عبدالحمید شربانی و... بودند. حدود بیست نفر در این درس شرکت می کردند.

آیت الله گلپایگانی بحث را دقیق و عمیق ارائه می دادند و هیچ مسأله ای را بدون کنجاوی لازم رها نمی کرد. در کنار درس هایی که بیان شد یک سری کارهای فرهنگی هم داشتم از جمله جلسه فلسفه و کلامی بود که به نحوی دوره ای تشکیل می شد و بنده در آن شرکت می کردم. آرکان این جلسه عبارت بودند از: آقایان سید عبدالکریم اردبیلی، سید مهدی روحانی، آقای آذری قمی، آقای ناصر مکارم شیرازی و...

در این جلسه مباحث فلسفی مطرح می شد. گهگاهی برخی مباحث را از روی شفا می خواندند. درباره فلسفه مارکسیسم بحث و گفت و گو می شد. در این جلسه آقای مکارم هم می خواند و هم می نوشت. کتاب فیلسوف نماهای ایشان نتیجه همین جلسات است. این کتاب در آن زمان کتاب سال شد. از دیگر جلساتی که در کنار درس و بحث در آن شرکت می کردم جلسه مباحث فلسفی علامه طباطبایی بود. آرکان این جلسه عبارت بودند از: آقایان مطهری، منتظری، محلاتی، جزایری، قدوسی و... که مجموعاً ۱۰ تا ۱۵ نفر بودند. شب های پنجشنبه در خانه های اعضا به نوبت تشکیل می شد. مقاله به خط علامه روی کاغذ پیاده و تکثیر می شد. سپس علامه آن نوشته را برای جمع می خواندند و اگر مطلبی به ذهنشان می رسید مطرح می کردند. نتیجه این مباحث کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» شد که مرحوم مطهری این کتاب را با پاورقی های سودمند و محققانه خود چاپ و عرضه کرد. از مرحوم علامه طباطبایی پیش از انتشار این کتاب با حواشی مرحوم مطهری شنیدم که فرمود: آقای مطهری حقیقتاً در نوشتن این حواشی خودکشی کرده و رنج و مشقت فراوان را بر خود هموار نموده است.

از این مراحل که بگذریم کار اساسی که در قم شروع کردم شرکت در گروهی بود که به امر مرحوم آیت الله بروجردی برای رفع نواقص وسائل الشیعه تشکیل شد. قضیه از این قرار است که بارها مرحوم بروجردی در درس خارج از کاستی های وسائل صحبت کردند تا اینکه بحث ایشان رسید به صلاة الرجل بحذاء المرءه. در این جلسه گفت: وسائل نواقص مکررات و تقطیعاتی دارد. ما به فکر افتاده ایم که احادیث هر موضوعی را دقیقاً جمع آوری کنیم. آقایانی که مایل هستند همین باب را جمع آوری کنند و نزد بنده بیاورند. بنده با جدیت دنبال کار را گرفتم و در روز موعود نوشته ام را نزد ایشان بردم. همراه آن رساله ای نوشته بودم و نواقص کتاب های مذهبی و درسی از جمله کتاب خلاف شیخ طوسی را که برای اولین بار توسط ایشان چاپ شده بود مفصلاً یاد آور شده بودم. در این روز، حدود ۷۰-۶۰ نفر از آقایان فضلا که چند نفری هم خراسانی بودند از پیرو جوان

**تجلیل و تقدیر از
 عالمان منصف و روشن
 اهل سنت از دیگر کارهای
 تقریبی آیت الله بروجردی
 بود. از نامه هایی که بین
 آیت الله بروجردی و شیخ
 عبدالمجید سلیم و شیخ
 محمود شلتوت رد و بدل
 شده فهمیده می شود
 که مرحوم بروجردی
 از تلاش آنان در راه
 اتحاد و همبستگی بین
 مسلمانان تقدیر و تجلیل
 می کرده است**





یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۶۱

ضمناً روشن خواهد شد که اهل سنت چقدر روایت دارند و ما چقدر. البته نظر آن مرحوم شاید جنبه تألیف و تقریب بین‌المسلمین بود.

◀ آیا غیر از این فعالیت‌های فرهنگی که برشمردید در قم فعالیت دیگری هم داشتید.

بله. از جمله رساله‌ای نوشتم در بیست صفحه و در آن از برخی از کتاب‌هایی که چاپ شده بود و یا کتاب‌هایی که قابل چاپ بود ولی چاپ نشده بود انتقاد کردم. از جمله تکیه کردم روی کتاب خلاف که به همت آیت‌الله بروجردی چاپ شده بود. در آن مقاله نوشتم کتاب به این مهمی که بعد از هزار سال چاپ شده و در دسترس محققین قرار گرفته است معلوم نیست از روی چه نسخه‌ای چاپ شده است و در مقدمه توضیح داده نشده که شیوه کار چگونه است. این مطالب را با عباراتی محکم و علمی به زبان فارسی به رشته تحریر درآوردم و روش محققان عصر از جمله مرحوم محمد قزوینی را در تصحیح کتاب‌های قدیمی یادآور شدم و خدمت مرحوم بروجردی تقدیم کردم. ایشان در جلسه‌ای که گروه تحقیق و جمع‌آوری احادیث شرکت کرده بودند چند سطر از نوشته بنده را خواندند. بعد فرمودند آقای واعظ‌زاده از کار ما انتقاد کرده‌اند. بله من از زمانی که در بروجرد بودم علاقه داشتم کتاب خلاف چاپ شود. چاپ شد. به آقای واعظ‌زاده حق می‌دهم. خوب بود در مقدمه می‌نوشتیم که این کتاب از روی چه نسخه‌ای چاپ شده است تا کتاب مستند باشد.

◀ مرحوم آیت‌الله بروجردی در راه تقریب بین مذاهب تلاش بسیار کردند. از حضرت عالی خواهش می‌کنیم که درباره نظریات ایشان و اقداماتی که انجام داده‌اند صحبت بفرمایید.

نوشته‌هایشان را آورده بودند. جوان‌ترهای این گروه آقایان منتظری، میرزا حسین نوری، ابطحی، حرم پناهی، ستوده، ثابتی، همدانی، جلالی، گلپایگانی، بهشتی، بروجردی، موسوی، کرمانی و بنده و... بودند. برخی از آنان تا پایان کار ادامه دادند و برخی آن را رها کردند.

آیت‌الله بروجردی پس از ملاحظه نتیجه کار فرمود: معلوم می‌شود برخی از آقایان کارشان زیاد است و نشان مقتضی این کار نیست و برخی از آقایان سن و وقتشان مقتضی این کار است. از جمله نام بنده را بردند و به رساله یاد شده من هم اشاره کردند. بالاخره در همان جلسه نام افرادی را که مناسب این کار بودند اعلام و روزی را برای شروع کار تعیین کردند. در روز معین خدمت‌شان رسیدیم. ایشان برنامه کار را بیان فرمودند و سپس افزودند: وسائل الشیعه دارای نواقصی است از جمله تکرار مطالب و اسناد تقطیع احادیث، تأخیر و تقدیم، طولانی بودن عناوین و...

از این روی برای اینکه احادیث و اسناد تکرار نشوند می‌بایست روش کتاب وافی مرحوم فیض کاشانی را در پیش بگیریم. تقدیم و تأخیرها را اصلاح کنیم. عناوین را خلاصه و فشرده بیاوریم و... بعد کتابی را تقسیم کردند و هر کس عهده‌دار کتابی شد. من در موقع تقسیم کتاب نبودم، تابستان بود. به مشهد مسافرت کرده بودم؛ لذا با نامه به من اطلاع دادند که شما مسئول جمع‌آوری احادیث کتاب نکاح و طلاق هستید! بنده این مسأله را به فال نیک گرفتم؛ زیرا هنوز ازدواج نکرده بودم و در نامه خود به این امر اشاره کردم که آیت‌الله آن را برای رفقای حاضر در منزل ایشان خوانده بودند. گویا سال دوم کار این گروه روی احادیث بود که مرحوم بروجردی فرمود: از آنجا که روایات اهل سنت در باب احکام زیاد نیست اگر ما در ذیل هر باب روایات آنان را بیاوریم مناسب خواهد بود.



این طرز تفکر مجلسی و در امثال ایشان مخالفت می‌کرده‌اند. این تفکر یعنی اندیشه اتحاد و توجه به فقه اهل سنت تا همین اواخر در حوزه اصفهان ادامه داشت. مرحوم حاج آقا رحیم ارباب بر این باور بود. من جست‌وجوی مطالبی را از قول او شنیده‌ام. من احتمال می‌دهم که مرحوم آیت الله بروجردی تحت تأثیر تفکر این طیف از علما بوده وگرنه حوزه نجف جای این طرز تفکر نبوده است.

گویا مرحوم شریعت اصفهانی که تحصیل کرده حوزه اصفهان بود طرز تفکرشان همین بوده است. گویا آیت الله بروجردی از درس او استفاده کرده و اجازه اجتهاد از وی اخذ کرده است که در آغاز کتاب رجال ایشان منتشر خواهد شد.

◀ برمی‌گردیم به اصل بحث که صحبت درباره اقدامات مرحوم بروجردی در راه تقرب بین مسلمانان بود. حضرت عالی به روش فقهی ایشان به عنوان عاملی مهم در راه تقرب اشاره کردید. لطفاً دیگر عوامل را بیان فرمایید.

ایشان با دارالتقرب همکاری داشت و در این حرکت بزرگ سهیم بود. روزی در ضمن درس گفت: امر تقرب در حال پیشرفت است و خدا را شکر که ما هم در آن سهمی داشتیم. ایشان به دارالتقرب امیدوار بود، به آن کمک می‌کرد و با اعضای آن مراوده داشت.

وقتی مشغول تحقیق و جمع‌آوری احادیث جامع احادیث‌الشیعه بودم بارها آقا شیخ محمدتقی قمی را در بیرونی منزل آیت الله بروجردی می‌دیدم که منتظر ملاقات با آقای بروجردی بود. در همین جلسات و بعداً با تماس‌های مکرر با وی اطلاعات زیادی راجع به دارالتقرب کسب کردم. نقل می‌کردند: آیت الله بروجردی در آخرین لحظات حیات چشمانش را گشود و فرمود: آقا شیخ محمدتقی به مصرفت یا خیر؟ این سؤال را آن مرحوم به این خاطر کرده بود که در آن زمان رابطه بین مصر و ایران خوب نبوده، از این روی شیخ

یکی از ویژگی‌های ایشان در میان معاصرین عنایت و اهتمام خاص آن بزرگوار به تألیف و تقرب بین مسلمانان بود. ایشان معتقد بودند که این کار از وظایف علمای شیعه است. در دوران حیات پربرکت خود آئی از این وظیفه به عنوان یک عالم بزرگ شیعی غفلت نکرد. در اینجا نمونه‌هایی از منش و شیوه ایشان را نقل می‌کنم: یکی از عوامل تقرب روش فقهی ایشان بود. ایشان معتقد بود در فقه و استنباطات فقهی باید آرا و نظرات اهل سنت را بدانیم و آنچه را به دست می‌آوریم از منابع شیعی با نظرات و آرای آنان مقایسه کنیم.

بر این عقیده بودند که اهل سنت فقهی دارند که از کتاب و سنت مروی به طرق خودشان اخذ شده است و بر اساس یک سری از روایات و آیات تنظیم کرده‌اند؛ لذا باید با دقت به نظرات آنان توجه شود و مقایسه صورت بگیرد و ادله ایشان نقل و اگر لازم باشد نقد شود. با این پندار و طرز تفکر (که علمای عوام‌زده روی آن پا می‌فشارند) که علمای اهل سنت دور هم جمع شده‌اند و یک سری احکام جعل کرده‌اند و ربطی به کتاب و سنت ندارد، مخالفت می‌کرد.

◀ به نظر حضرت عالی مرحوم بروجردی خود به این نتیجه رسیده بودند یا اینکه اندیشه فرد یا افرادی در ایشان اثر گذاشته است.

من در تحلیل‌های خودم به این نتیجه رسیده‌ام که این طرز تفکر را ایشان از حوزه اصفهان گرفته است. در آن حوزه ایشان استادی داشته است به نام مرحوم سید محمدباقر درجه‌ای که این گونه می‌اندیشیده است. (البته مطالعات چهل سال ایشان در بروجرد و اطلاع وسیع از حدیث و رجال و فقه اهل سنت حتماً در این اندیشه مؤثر بوده است). ریشه این تفکر از زمان صفویه است. با آن همه تندروی‌هایی که دولت صفوی و علمای آن دوره از جمله مرحوم مجلسی داشته‌اند برخی از علما از جمله مرحوم میرلوحی فیلسوف معروف دوره صفویه با

محمد تقی به مصر نمی‌رفته است؛ ولی مرحوم بروجردی تأکید می‌کرده که بروود و کارش را ادامه دهد.

شناساندن فقه شیعه به اهل سنت از دیگر کارهای آیت‌الله بروجردی بود. ایشان به این نتیجه رسیده بود که ما در زمینه فقه مأخذ قوی داریم و باید آنها را به اهل سنت بشناسانیم. فقه ما اصلی دارد و مأخذی از پیامبر اکرم (ص) و آن حدیث ثقلین است: «انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتکم بهما لن تزلوا ابدأ، کتاب الله و عترتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛ من دو شیء گرانبها در میان شما می‌گذارم که تا وقتی به آن دو تمسک جوید هیچ‌گاه پس از من گمراه نمی‌شوید و آن دو، کتاب خدا و خاندان من هستند که تا روز رستاخیز از یکدیگر جدا نشوند و در حوض کوثر بر من وارد شوند.

بالاخره مرحوم بروجردی علاقه داشت فقهی را پی‌ریزی کند که روایات شیعه و سنی و فتاوی و استدلال‌های هر دو گروه در آن باشد تا برای همگان روشن شود که این نظریات و روایات چقدر با هم مرتبط‌اند.

در همین ارتباط نقل می‌کردند که مرحوم بروجردی کتاب مبسوط شیخ طوسی را به عنوان هدیه برای شیخ عبدالمجید سلیم، رئیس وقت الازهر فرستاده بود. این کتاب در او چنان اثر گذاشته بود که در اواخر عمرش گفته بود: چه آن موقع که مفتی سرزمین مصر بودم و چه بعد که عضو لجنه افتاء الازهر بودم هرگاه می‌خواستم به کمیسیون فتوا بروم برای نظر دادن در مسأله‌ای حتماً قبل از رفتن کتاب مبسوط را مطالعه می‌کردم.

تجلیل و تقدیر از عالمان منصف و روشن اهل سنت از دیگر کارهای تقریبی آیت‌الله بروجردی بود. از نامه‌هایی که بین آیت‌الله بروجردی و شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت ردوبدل شده فهمیده می‌شود که مرحوم بروجردی از تلاش آنان در راه اتحاد و همبستگی بین مسلمانان تقدیر و تجلیل می‌کرده است. در یک جلسه خصوصی حدیث فرمود: مرحوم شیخ عبدالمجید سلیم وقتی متذکر فاجعه کربلا می‌شد، می‌گفت: این فاجعه لکه ننگی در تاریخ اسلام است و بسیار متأثر می‌شد. همچنین روزی در ضمن درس به مناسبت از شرح نهج‌البلاغه و مقدمه عبده سخن به میان آورده و این بخش از مقدمه را خوانده به این مضمون: هنگام خواندن نهج‌البلاغه گاهی به نظرم می‌رسید، یک مرد عابد و زاهد و شب‌زنده‌دار به موعظه مردم پرداخته است و گاهی به نظرم می‌رسید، فرماندهی شجاع و غیور در میدان جنگ و کارزار سربازان خود را علیه دشمن بسیج می‌کند.

این تعابیر عبده در مقدمه، ایشان را به اعجاب واداشته و برای‌شان جالب بود. همین که یک مرجع بزرگ با آن همه احتیاط این مقدمه را در ضمن درس برای انبوه شاگردان فاضل نقل می‌کند دلیل بر اهمیت دادن ایشان به قضیه است و می‌خواهد وانمود کند باید از آنان که در راه اتحاد و اتفاق مسلمانان تلاش می‌کنند، تقدیر شود.

آیا نباید از عبده که بدون ذره‌ای تشکیک در اصل کتاب نهج‌البلاغه و حتی در خطبه

شفشقیه، نهج‌البلاغه را با آن زیبایی و کمال دقت شرح کرده است و در آن خطبه ذیل لقد تقمصها فلان می‌نویسد، «هو ابوبکر» تقدیر و تجلیل به عمل بیاید؟ این حرکت آیت‌الله بروجردی به متعصبین و آنان که هنوز در فکر چاپ و نشر برخی از کتاب‌های اختلاف‌برانگیز هستند و این کار را هم به پندار خود مقدس می‌انگارند، آموخت که باید چگونه مشی کنند.

◀ در برهه‌ای که حضرت عالی در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بودید، آیا بزرگان و فضلاء حوزه در جهت نظم و سامان دادن به اوضاع حوزه برنامه‌ای داشتند؟

برخی از طلاب و فضلاء روشنفکر در این اندیشه بودند که به اوضاع حوزه رسیدگی کنند و نظمی به آن دهند. در آغاز برنامه این گروه بود که مدرسه فیضیه زیر نظر هیأتی اداره شود و تشکیلات آیت‌الله بروجردی در امور مدرسه دخالت نکنند. برخی از افراد این گروه روشنفکر و دلسوز عبارت بودند از حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه، مرحوم آیت‌الله مرتضی حائری، مرحوم داماد و... بالاخره برای این حرکت اساسی مرحوم آیت‌الله بروجردی را آماده کرده بودند و ایشان هم نوشته‌ای به آقایان داده بود. ولی بعد گویا پشیمان می‌شود و آن نامه را هم از آقایان می‌گیرد! این امر سبب شد که آقایان حالت قهری پیدا کنند و در بین طلاب و فضلاء روشنفکر و طلب اصلاح حوزه از مرحوم بروجردی نارضایتی به وجود آید؛ ولی عظمت مرحوم آیت‌الله بروجردی این‌گونه مسائل را سریع حل می‌کرد و همه آقایان نامبرده تا آخرین لحظات حیات، مقام و عظمت او را حفظ کردند.

◀ موضع علما بویژه آیت‌الله بروجردی در قضیه نهضت ملی نفت چگونه بود؟

همان‌طور که می‌دانید، آیت‌الله کاشانی از پیشگامان این حرکت بود. در حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌الله خوانساری آشکارا از نهضت ملی نفت طرفداری می‌کرد و در انتخاباتی که منجر به ورود آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق به مجلس شورای ملی شد. نقش عمده‌ای داشت و طی فتوای صریح مردم را به شرکت در انتخابات وادار کرد. بالاخره این حرکت به پیروزی رسید و کار دست دکتر مصدق افتاد. دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی مدت‌ها با هم همکاری می‌کردند.

آیت‌الله بروجردی هم روحاً با نهضت ملی نفت موافق بود. جریانی از قم پیش آمد که به ناچار علناً از نهضت پشتیبانی کند. جریان از این قرار بود، دو نفر از روحانیون که یکی از آنان سید علی‌اکبر برقی بود در کنفرانس صلح وین شرکت کرده بودند. در موقع بازگشت وی به قم عده‌ای از نوده‌ای‌ها به استقبال ایشان شتافتند و انبوه طلاب و مقدسین هم تظاهرات مخالفی به راه انداختند و چیزی نمانده بود که بین طرفین درگیری رخ دهد. نیروی نظامی دخالت کردند و به‌زور متوسل شدند که من در بین جمعیت حاضر و ناظر بودم و بعداً معروف شد که در تیراندازی‌های پلیس برخی از طلاب کشته

برخی از طلاب و فضلاء روشنفکر در این اندیشه بودند که به اوضاع حوزه رسیدگی کنند و نظمی به آن دهند. در آغاز برنامه این گروه بود که مدرسه فیضیه زیر نظر هیأتی اداره شود و تشکیلات آیت‌الله بروجردی در امور مدرسه دخالت نکنند. برخی از افراد این گروه روشنفکر و دلسوز عبارت بودند از حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه، مرحوم آیت‌الله مرتضی حائری، مرحوم داماد و...



از دکتر مصدق شدیداً به آیت الله کاشانی توهین می کرد. طرفداری و گهگاهی تأیید آیت الله بروجردی از نهضت ملی نفت و دکتر مصدق به احتمال زیاد مورد علاقه دستگاه و افراد بیت ایشان نبود. آیت الله بروجردی به خاطر آن روح انقلابی که داشت از نهضت ملی نفت و دولت مصدق حمایت می کرد که این موجب نارضایتی دربار و شخص شاه شده بود و بعدها به نحوی انتقام گرفتند.

◀ تاکنون چهار مرحله از زندگی پربار و پرخاطره خود را برای ما بیان کرده اید، خواهشمندیم از مرحله پنجم زندگی خود برای ما بگویید.

مرحله پنجم زندگی من مربوط می شود به بازگشت از قم به مشهد. چگونگی بازگشت از این قرار بود: در سال ۱۳۳۹ طی نامه ای از من دعوت شد که در دانشگاه مشهد به تدریس بپردازم. با مرحوم شهید بزرگوار دکتر بهشتی که آن زمان مدیریت دبیرستان دین و دانش قم را به عهده داشت به خاطر سابقه آشنایی که با آن مرحوم داشتم مشورت کردم. ایشان تشویق کردند که این مسئولیت را بپذیرم. تابستان همان سال به مشهد آمدم و از اول مهرماه در دانشکده معقول و منقول (این دانشکده بعداً به دانشکده الهیات و معارف اسلامی تغییر نام داد) مشغول به تدریس شدم. زمینه تدریس من تفسیر قرآن، فقه، فقه الحدیث، تاریخ تفسیر، تاریخ حدیث، تاریخ علوم عقلی در اسلام و گاهی کلام و فلسفه و... بود. در حدود سال ۴۲ یا ۴۳ بود که طی مصوبه ای عده ای که در دانشگاه های ایران سابقه علوم حوزوی داشتند و دارای مدرک دانشگاهی نبودند دانشیار شناخته شدند که من هم جزو این گروه بودم. مراحل دانشیاری و استادی را گذراندم و از آن تاریخ ۳۰ سال با همین سمت مشغول فعالیت شدم.

شده اند. این جریان اوج گرفت و عده ای از علمای دربار به قم آمدند و به آیت الله بروجردی تأکید داشتند که شما دولت مصدق را به خاطر این بی احترامی به شما و حوزه علمیه قم محکوم کنید.

آیت الله بروجردی با کیاستی که داشت متوجه شده بود در این قضیه دست دربار برای تضعیف دولت مصدق در کار است از این روی به پیشنهاد علمای درباری توجه نکرد و دولت مصدق را مورد اعتماد قرار نداد و در جواب آقایان درباری گفت: من کاری ندارم، من خودم عده زیادی از وابستگان دربار و گویندگان دربار را دیدم که در اجتماعات عظیم آن روزها در قم که در صحن مطهر بر پا می شد علیه مصدق و آیت الله کاشانی سخنرانی می کردند. آیت الله بروجردی وقتی دید جوسازی ها علیه دولت به اوج خود رسیده است و درباریان می خواهند از این قضیه سوءاستفاده کنند در ضمن درس سخنانی به این مضمون گفت: رئیس دولت با اینکه گرفتاری های زیادی داشت شخصاً با من تلفنی تماس گرفت. ایشان تمام تقاضاهای مرا انجام داده است. من از ایشان هیچ شکایتی ندارم. رئیس دولت برای مملکت خدمت می کند. طلاب پی درسشان باشند و قضیه را دنبال نکنند.

ایشان با این حمایتی که از دکتر مصدق به عمل آورد آشوب را فرونشاند و نگذاشت از حوزه علمیه و وجود ایشان در راه عزل دکتر مصدق بهره برداری شود. این خدمت بزرگی بود که آیت الله بروجردی به نهضت ملی نفت کرد. در هر حال روح و نبض حوزه علمیه قم از نهضت ملی نفت حمایت می کرد بخصوص تا وقتی که بین دکتر مصدق و آیت الله کاشانی اتحاد و اتفاق بود. پس از اختلاف در حوزه علمیه قم هم بر سر این قضیه اختلاف پدید آمد: برخی طرفدار دکتر مصدق بودند و برخی طرفدار آیت الله کاشانی.

در همان ایام بازار سخنرانی ها علیه این و آن گرم شد. در مدرسه فیضیه بودم که از بلندگو می شنیدم سخنرانی به طرفداری

معرفی وبگاه آیت الله واعظ زاده خراسانی

برای اولین بار مجموعه آثار و اطلاعات راجع به آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی برای تسهیل دسترسی پژوهشگران و علاقه‌مندان به آن مرحوم با عنوان «پایگاه رسمی آیت الله واعظ زاده خراسانی» در بستر شبکه جهانی وب قرار گرفت.



گالری دیدنی



مجمع‌العین کفرانسن بین‌المللی وحدت اسلامی
۱۳۸۲



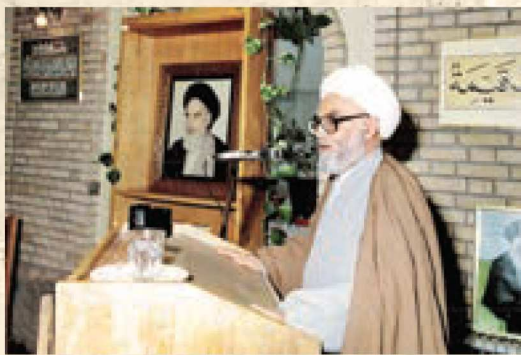
نیست و چهارمین کفرانسن بین‌المللی وحدت اسلامی
۱۳۸۸



خطبات آیت الله واعظ زاده خراسانی قیام مسجد گوهرشاد



مسئد افقره پارسا آیت الله واعظ زاده خراسانی



آیت‌الله واعظ زاده: «حوزه و دانشگاه مغز متفکر جامعه‌اند، بنابراین باید با هم همکاری داشته باشند. اگر قرار باشد هماهنگی واقعی بین حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به وجود آید، باید چند امر مورد توجه قرار گیرد: نخست، طرفین به دانش و علوم همدیگر آشنا باشند و معلومات یکدیگر را بشناسند. دوم، با اخلاق و رفتار یکدیگر آشنایی داشته باشند، بویژه دانشگاهیان خوب است رفتار طلاب حوزه‌ها را بیاموزند و «طلبه» باشند. سوم، هر یک با روش درس و بحث و تعلیم و تعلم یکدیگر آشنا شوند و مزایای هر یک را از دیگری اقتباس کنند. این امر برای هر دو مفید است.»
(سخنرانی در نماز جمعه تهران، ۹۶/۹/۳۰)



دانشگاه مزاب اسلامی

موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
IRAN INSTITUTE